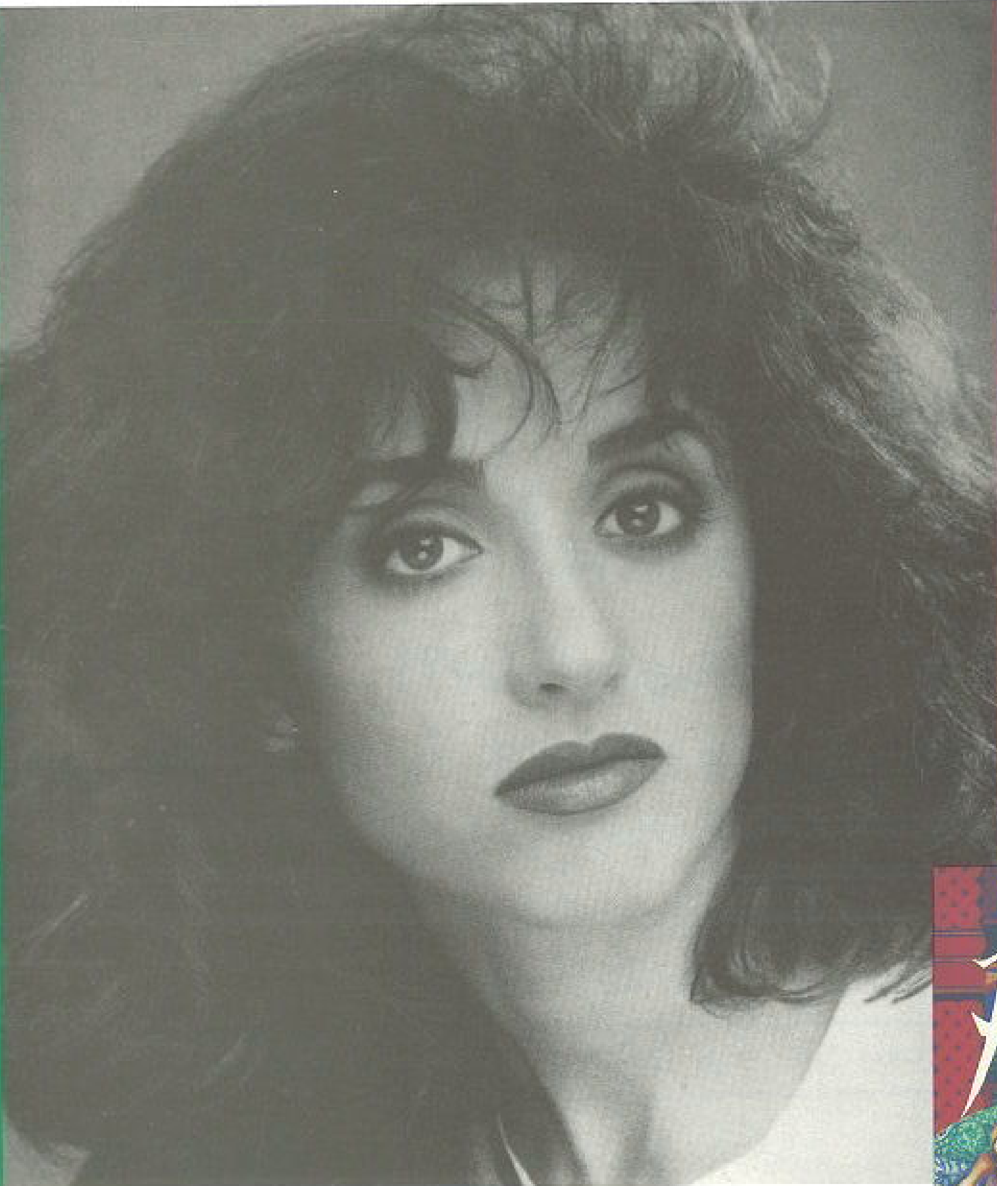


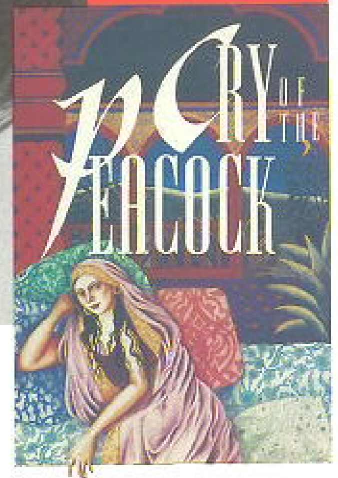
چشم انداز
CHASHM ANDAAZ



An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

شماره ی ۲۶ - جولای ۱۹۹۳ تیر ۱۳۷۲ تموز ۵۷۵۳

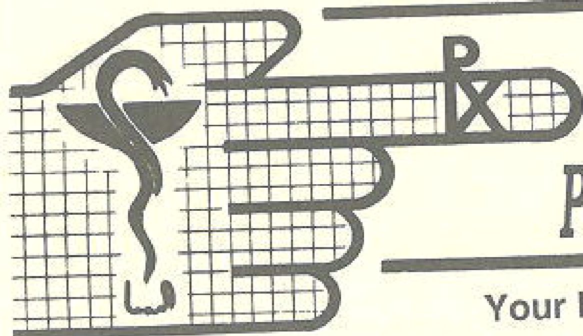




ژینا برخوردار نهایی

بیت زیبای دیگری در غزل جاودانه یهودیت

داروخانه و دراگ استور وست ساید ویلیج



WESTSIDE VILLAGE PHARMACY

1360 Westwood Blvd. #106
Los Angeles, CA 90024

Phone (310) 474-4222

Your Life Time Pharmacy

با مدیریت و مسئولیت دکتر همایون خورسندی مشاور شما در امور داروئی

علاوه بر خدمات و سرویس های معمولی داروخانه ها تخصص ما در زمینه های گوناگون درمانی جوابگوی کلیه مشکلات دارویی و بیمه درمانی شما خواهد بود

۱ - ساخت پروژسترون و استروژن طبیعی به صورت شیاف واژینال، کپسول خوراکی و اپلیکاتور
۲ - تهیه نسخه های ترکیبی سلامتی و زیبایی، طبق دستور پزشک معالج شما
۳ - کلیه مایحتاج حفظ سلامتی در منزل، بی اختیاری ادرار، لوازم استومی و طب گیاهی و سنتی

قبول مدیکال، بلو شیلد، بلوکراس



در صورت نداشتن بیمه های معمولی در اکثر موارد با بیمه شما مستقیماً تماس خواهیم گرفت
"Direct Billing"

بیمه حوادث کار Worker's Compensation

سنجش میزان شنوائی تحت نظر متخصص و تهیه انواع سمعک

سنجش رایگان فشار خون

برای اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

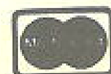
(310) 474-4222

1360 Westwood Blvd., #106
West Los Angeles, CA 90024

در شاپینگ سنتر وست ساید ویلیج
۱۳۶۰ وست وود بلوار روبروی شرکت کتاب



FREE PARKING **پارکینگ مجانی**





در این شماره می خوانید...

شماره ۲۶ جولای ۱۹۹۳ تیر ۱۳۷۲ تموز ۵۷۵۳

چشم انداز

Published By;
International Judea Foundation
P.O.Box: 3074 Beverly Hills,CA 90212
(818)503-1270

سردبیر: داریوش فاخری
همیاران: مهندس آشر آرام نیا
شهرام سیمان
ژرژ هارونیان
سردبیر بخش عبری: داوید فاخری
باهمکاری: مترجمین وگزارشگران چشم انداز

چشم انداز، نشریه ایست برای بازتاب افکار و دست آورد های یهودیان دنیا. هدف ما، روشنگری واقعیت های یهودیت، مسایل، آرزوهاو امید یهودیان ـ مبارزه با نژادپرستی و همراهی با هدف های بشردوستانه انسان های جهان می باشد.
نظر های نویسندگان، متعلق به آنان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم انداز نیست.
نقل مطالب چشم انداز، باذکر مأخذ، مجازمی باشد.
چشم انداز، در انتخاب مقاله های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی ها، به عهده ی صاحبانشان است.
نوشته های رسیده، بازپس فرستاده نمی شود.
نامه های بدون نام و نشانی ، قابل استفاده نخواهد بود.



درجستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده ایم؟

داریوش فاخری

دل زنده به عشق

باردیگر نهم آورا پیش روی داریم (روز عزای ملی) را ، که امسال ۲۷ جولای خواهد بود و فقدان بزرگ مرد تاریخ معاصر یهود ایران **یوسف کهن** را نیز، مرد از خودگذشته‌ای که به اجتماع رسید . تولد و زندگی او ، افتخاری بود برای همه ما - و مرگش ، آه از مرگش ، چه نا بهنگام - آیا شایسته روزهای دیگر زندگیش نبودیم ؟
دراین برهوت غربت ، دراین دوران نامردیها و ناجوانمردیهای این قرن خسته و پرآشوب ، چقدر وجودش را کم می‌آوریم . روحش شاد که

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

*****

قضاوت تاریخ

آقای **دکتر حشمت اله کرمانشاهچی** درپی مقاله شماره پیشین چشم انداز با ارسال عکسی و مقاله‌ای ازمن به تاریخ ۱۴ سال پیش و چند خط نوشته خود ، جوابنامه‌ای ارسال کرده‌اند -
متاسفیم‌که قادر به چاپ آن نیستیم . چرا که با جان یهودیان مانده درایران نمی توانیم بازی‌کنیم .
مقاله ۱۴ سال پیش من به گفته اکثر کسانی که آن را دیده‌اند ، نشانه‌ای است از درایت ، آینده نگری ، واقع بینی و شجاعت جوانی ۲۸ ساله ، در زمانی‌که مسئولین اجتماع آن زمان که دو تا سه برابر سن مرا داشتند با سردرگمی ، گیج و مبهوت ، درمقابل شطرنج سیاست زمان ، مات شده بوده‌اند .

اگر سازمانهای این شهر و مسئولینش بخواهند حاضرم در **جمعی کاملا یهودی** صفحات تاریخ گذشته را ورق بزنیم . بهرحال ما تنها **درمقابل مردم مسئولیم و تاریخ قضاوت خواهد کرد .**

*****

عاشقی چیست ؟

در شماره پیش‌چشم انداز و در صفحات این مقاله ، گفتم که **«فدراسیون بخشی از یهودیان ایرانی»** که دراصل مقصودم فقط چند نفری است که درنهان و پشت پرده ونه سازمانهای وابسته به آن حقی ندارند خود را تنها نماینده یهودیان ایرانی و ایرانی تبار خارج ازایران بنامند . چراکه :

۱ - سازمانهای وابسته به فدراسیون و نمایندگان آن ، برخی **بسیار فعال** ، برخی **خوش باور** ، برخی **خوش‌طینت** و برخی با شخصیت **باری بهرجهت** و برخی با ترکیبی از اینها میباشند .
ولی در اصل پنجاه ، شصت خانواده دریک محدوده جغرافیایی معین این شهر ، اختاپوس وار چند نفر را مامورکرده‌اند که یک حکومت الیگارشی را برایشان رقم بزنند و در نتیجه بر فدراسیون و چند سازمان دیگر پنجه بیاندازند .
براساس این ایدئولوژی ، هرکه باماست از ماست و هرکه باما نیست ازما نیست .

۲ - ما یهودیان همه یکجور فکر نمی کنیم و دلیل پیشرفتهای علمی اقتصادی - مذهبی و اجتماعی یهودیان همین تنوع افکار و در غایت

سازش و درک یکدیگر و راه میان را برگزیدن است .

۳ - گمنام نمودن آدمهای خدمتگزار ، نامدارکردن آدمهای نه چندان با نام و رتق و فتق امور دوستان وآشنایان ، ترویج تملق و بله قربان از **دیکتاتورهای حقیرکه نمی توانند در جامعه آمریکایی حتی کورسو بزنند** تاچه رسد به آنکه بدرخشند باعث پیداشدن ارزشهای اجتماعی واژگونه‌ای میشودکه معیار ارزشها ، پول می شود نه ارزش آدمهای ثروتمندی‌که شخصیت با ارزش دارند وکسانی که بدون پول ارزش اجتماعی . بنابراین طلاق زیاد میشود . خانواده ها از هم می‌پاشند . جوان گمراه می شود ، سوء استفاده ازموقعیت اجتماعی **عادی میشود - نسلی دلسرد می‌شود و جامعه‌ای به قهقرا می رود .**

۴ - این عده پشتوانه فکری - اخلاقی و قدرت سیاسی و اجتماعی لازمه را برای این کار ندارند چراکه بدون دموکراسی واقعی و با آن انتخابات خجالت آور ، امکان استفاده از امکانات واقعی جامعه نابود گردید .

۵ - جماعت یهودی نیویورک ، شیکاگو ، واشنگتن ، کانادا ، انگلستان و بالاتر ازهمه اسرائیل آنقدر مفلوک و درمانده نیستند که این آقایان با یک کودتا و زد وبند در لس آنجلس برایشان تصمیم‌بگیرند .

اگر قرار بود اینطوری تصمیم گرفته شود که یهودیان آمریکا با پول و جماعت بیشتر از اسرائیل بایستی بود برای آن‌کشور وجمعیتش تصمیم بگیرند که می بینیم عملاکسی که زیر توپ و تفنگ دشمن است و والدینی که فرزندشان را هر روز چون ابراهیم و سارای زمان به قربانگاه می کشد ، صاحب اختیار است .

۵ - حالاکسی وکسانی که میایند - دل می سوزانند **بجای آنکه به تاریکی لعنت بفرستند ، شمعی روشن میکنند** ، انتقاد هم می‌کنند - چوب تکفیر این آقایان را در مقابلشان دارند که زیاد حرف میزند - جوان است و میخواهد سری درمیان سرها !! دربیاورد.

هرکسی باید اندازه پولش حرف بزند . جوانی که پول ندارد به حرفش گوش نمی‌دهند .

حدود ۹ ماه پیش خواستم حرفهای این صفحات را در جلسه‌ای خصوصی با دکتر آقایی و پس ازآن با دکتر کرمانشاهچی بگویم ، از دیدن من اباکردند . اجتماع ومسائل آن برایشان اهمیتی نداشت ؟ از سه نماینده کنگره آمریکا ، شهردار لس آنجلس ، ۲ نماینده شهری لس آنجلس ، چند ربای بسیار معتبر این شهر ، رئیس بنی بریت غرب آمریکا یا رضا پهلوی که بامن صحبت کردند مهم تر بودند ؟ جزو همپالگی هایشان نبودم ؟یافقط بجرم‌آنکه بله قربان‌گفتن‌بلدنبودم؟.

ژان پل سارتریکبار گفته بود برای حکومت فرانسه اگر قرار باشد بین **خدا** و **دوگل** یکی را انتخاب کنم خدا را انتخاب خواهم کرد زیرا تواضع بیشتری دارد . بهرحال بقول شاعر معروف ایران **«یداله رویایی» تنها از باران نگفتیم ، باریدیم .** خدمات بی شائبه **سازمان سیامک** گواه کار ماست . بهاری دیگر بودیم برای افراد طلاق گرفته اجتماع - دست یاری بودیم برای مدارس یهودی **نصح اسرائیل - کدیما - تورت حینم - اتز جیکوب - یاونه - مجتمع ارتص** پشت جوانان **دانشگاهی یهودی هیلل نورتریج و یو سی ال ا** ایستادیم - حامی فقیران و پیران شهر شدیم نشریه‌ای در شان یک یهودی چاپ کردیم که باعث افتخارمان باشد - برای بزرگداشت تاریخ و فرهنگ قومی‌مان به یاری **دکتر امنون نتصر** شتافتیم - جوانان را دور هم جمع کردیم که از آغوشمان دور نگردند و ....

پرسید یکی که عاشقی چیست ؟
گفتم‌که چو ماشوی بدانی

وبالاتر از همه درد اجتماع را فریاد کشیدیم - نادرستیهارا گوشزد کردیم و برای این دوستمان ندارند

گفت آنکس که‌سردارازاوگشت بلند
جرمش آن بودکه‌اسرارهویدامیکرد

گفتیم ، آقایان ، صدهزاردلار به‌کلینتون دادن که بعد گفتید ۳۰ هزار دلار و بعد گفتید ۱۵ هزار دلار ، چه دردی از جامعه دوا میکرد . اگر صد جمع کرده و ۱۵ داده‌اید بقیه پول‌کجاست اگر **۱۵ هزار دلار داده‌اید و میگوئید قول گرفته‌اید که درقبال آن اورشلیم پایتخت لاینفک اسرائیل شود .** حالا بگوئید کی ساده است ؟ . ماکه از پشت کوه نیامده‌ایم . ممکن است کسانی که این پول را به شما داده‌اند را اینطور حساب کنید . آخر عزیزان ، رئیس جمهوری که میلیونها دلار خرج میکند تارئیس جمهورشود، رئیس جمهوری که صدها سازمان معتبر و قوی یهودی آمریکائی روزنامه ها و رسانه‌های جمعی وکشور بزرگ و قدرتمند اسرائیل را دارد که برآن از طرف یهودیان تکیه کند ، شما و ۱۵ هزار دلار شمارامی خواهد که تصمیمی به این مهمی در سیاست جهان بگیرد و عقل شما **کیسینجرهای !! ایرانی را ؟**

گفتیم چرا پول به موشه قتصاب داده‌اید این کار برای کسانی که بچه هایشان باید برایشان VCR خانه را روشن کنند و کامپیوتر راه بیاندازند و درمواردی نامه های رسیده انگلیسی را بخوانند وجواب بدهند زیاد است .

گفتیم در شهر راه افتادن و بزور از مردم پول گرفتن برای شاهنامه فردوسی به زبان عبری ، جائیکه سالمندان ما جا ندارند - جوانان ما جا ندارند - کودکان ما مدرسه ندارند ، جنایت است .

گفتیم بلیط کنسرت را بزور در حلقوم مردم داون تاون چپاندن و بعد کاندیدای دموکرات شهرداری را دعوت کردن تا ۴۵ دقیقه اعصاب مردمی را که برای جشن آمده‌اند را خوردکند تا شما یک رفیق در شهرداری دست وپاکنید و شاید وابستگان خود را در حزب دموکرات واردکنید و ازاین راه حق ۵۰ تا ۶۰ جوان وکیل یهودی شهر که به این **زدوبندهای حقیر** آشنا نیستند را بخورید و ازجامعه دلسردشان کنید ، غلط است .

وحالا می‌گوئیم :

درنشریه شوفارتان شماره آخر(۷۳) تاریخ آوریل ۱۹۹۳ صفحه ۶ **«گزارشی است از سفر مکزیک»** آقایی به نام **«ن .گ»** به نمایندگی شماها و به اسم نمایندگی فدراسیون یهودیان ایرانی در اوائل سال جاری همراه عده‌ای ازصاحبان صنایع آمریکا به دیدار **رئیس‌جمهور** و عده‌ای از **وزرا و مقامات اقتصادی دولتی مکزیک** رفته‌است .

۱ - چرا این آقا که حتی اسم خودش را پنهان میکند به این دیدار رفته ؟ تا درمورد برداشتن مرزهای اقتصادی مکزیک وآمریکا گفتگو کند - سابقه تحصیلی و مراودات سیاسی و میزان شعور و علوم اقتصادی این حضرت چیست ؟ آیا کسی بهتر نبود ؟ وکلای جوان و باشعور و تحصیلکرده ماکجا بودند ؟

۲ - با چند نفر از فدراسیون صحبت کردیم گفتند خبر نداریم گفتیم در شوفارتان نوشته شده گفتند نخوانده‌یم . با سه نفر دیگر صحبت کردیم گفتند ایشان خودشان خرج‌سفر خود را داده‌اند .

فکر میکنید واقعه‌ای تاریخی چون برداشتن مرز اقتصادی مکزیک وآمریکا در سال ۱۹۹۴ اتفاق میافتد و آن مرد زحمتکش داون تاون که از صبح تا شام عرق میریزد تا دراین اقتصاد متورم نان به خانه ببرد و به هر دری دراین کشور میزند تا جنسی بفروشد حاضر نبود خرج سفر خود را بدهد تا این روابط نزدیک !!! را با شخصیتهای نامبرده بدست بیاورد ؟ مهندسین شهر سازی و ساختمان سازی ما حاضر نبودند ؟ واردکنندگان پارچه - صاحبان صنایع یهودی این شهر که جزو دارودسته بخصوصی نیستند حاضر نبودند ؟ یا فقط این آدمها بدرد این میخورند که به زور بلیط جشن در حلقومشان از طرف فدراسیون فروکنند تا سیاهی لشگر برنامه های شما درمقابل شهردار آینده لس آنجلس شوند و یا پولهای جمع آوری شده را شما سینه سپر کنید و به مقامات معتبر بدهید و از این راه بازیک **رابطه** برقرار کنید . حالا آدمشان نمی دانید جزو شما باشند چون یا درولی زندگی میکنند یا پول زیادی ندارند یا دکتر و دانشمند هستند ولی در بورلی هیلز نمی نشینند ، یا جوانند و تحصیلکرده و با معیار آمریکا وجهان امروز شما را قبول ندارند ، چرا حداقل دریک جلسه قبل از سفر دعوتشان نکردید تا بلکه سئوالات و احتیاجات آنهارا هم مطرح کنید ؟ تا وقتی در جلسات آن چنانی اگر بهره‌ای بردید و **غنائم** قسمت شد ، گردوخاکش برای آنان هم‌بریزد .

این کار را هم نکردید ، نوش‌جانتان .

چرا وقتی برگشتید درجلسه‌ای در یک‌کنیسا ، نتایج سفر را به مردم توضیح نمی دهید تا شاید گره ازکار بسیاری از افراد نا مطلع و زحمتکش گشوده شود .

اگر ایران بود که گذاشتیمان و فرارکردید . حالا هم که دارید همان کارهارا می کنید . اگر هم تنها نماینده کل یهودیان ایرانی خارج ازایران شوید می ترسم - **می ترسم** خدای ناکرده کسی بخواهد بازهم با تماس با سران جمهوری اسلامی - رهبران احتمالی آینده ایران - اسرائیل و آمریکا ، دو تا سه ماه زودتر ازما جل و پلاس خود را جمع کند و مارا بازهم انگشت به دندان بگذارد .

باز دوباره مردی از شرم‌کمبود مالی خانواده بمیرد - زندگی ها متلاشی شود - خانواده ها درپی لقمه نانی صبح تا شب سگ دو بزنند و **آرزوها نابود شوند .**

اگر فکر می کنید تاجی برسر جامعه ماهستید - اگر میخواهید از این نوع کارها بکنید ، دست در جیب مبارک خودتان بکنید - زن و بچه خود را بجای سیاهی لشکر جلو مقامات کشور قطار کنید . بلیطهارا خودتان بخرید . ماهم

از طلاگشتن پشیمان‌گشته‌ایم

مرحمت فرموده مارامس‌کنید

شالم

ژینا برخوردار نهایی

بیت زیبای دیگری در غزل جاودانه یهودیت



ژینا نهایی را بطور اتفاقی و ازطریق کتاب زیبا وپر فروش **«فریاد طاووس»** شناختم.

همسرم این کتاب را برای خواندن به من توصیه کرد و تا بحال چندین جلد آن را به رسم هدیه به دوستان خوبم داده‌ام که بسیار خوشحالشان کرده.

فریاد طاووس، اولین کتاب خانم نهایی، قصه درد است - قصه حرمان یک قوم در رویارویی با سکوت است، با خشم است و درهمه حال **انتظار**. چهره های آشنا و مغموم و رنج دیده ساکت و سازگار در کنار سرکشیهای گاه بگاه کسی که همدرد است وبا درد نمی خواهد بسازد پهلو به پهلو ایستاده‌اند - کسانی‌که در بطن سکوت و سکون آشنای یک فرهنگ نه چندان دور ایران، نمی خواهند به بقول **شاملو** همچنان دور کننده شب را و روز را - هنوز را.

داستان دخترک پیش گوی یهودی است که از جنوبی ترین نقطه ایران درمتن تاریخ و تصویرهای زشت و زیبای دوران های از آغامحمد خان قاجار تا خمینی سایه می گستراند - سایه بر وقایع وزندگیهایی‌که از اوجان میگیرند. به نحوی از او متاثر میشوند و براو اثر میگذارند.

ژینا، ۳۲ ساله است. ۱۳ ساله بوده که ایران را بقصد تحصیلات به مقصد سوئیس ترک میکند، دیپلم‌متوسطه خود را از آنجا میگیرد. بعد راهی لس‌آنجلس میشود به دانشگاه LOYOLA برای دریافت درجه وکالت روی میاورد و ازدانشگاه **یو سی ال ای** لیسانس رشته سیاسی میگیرد و فوق لیسانس در هنرهای زیبای نویسندگی. چنان شایسته است که به دانشجویان این رشته را میاموزد.

سبک نویسندگی این تصویرگر چیره دست حرمانها و آرزوها، سبکی شیرین - پخته و ابهام آور و هم انگیز است. **یادگابریل گارسیا مارکز** و صد سال تنهایی او میفتی - خوف داستانهای **آلن پو** تو را میگیرد و گاهی‌چنان به شخصیتهای داستان نزدیک می شوی که می توانی آنهارا لمس کنی و بوی تنشان را استشمام نمایی که تو را یاد **اوریانافالاچی** میاندازد بدون اینکه **ژینا نهایی** رادرآن ببینی. قدرت این را دارد که کنار بایستد و به بازیگر خود اجازه خودنمایی بدهد و شخصیتهای داستان، با تقلاهای کوچک خود، با خوشبختیهای کاذب و کوچک، درپی جهشی که شاید در زندگی یکبار شانس آن را داشته باشند که اتفاق بیافتد، انتظار می کشند. و این بی فرجامی زندگی را - این محرومیت خصوصاً زن یهودی قرن پیشین که بار سنگین شکل دادن زندگی را بدون هیچ‌پاداش و تشویقی بدوش می‌کشد را، خانم نهایی با چیره دستی بسیار ثبت و ترسیم کرده است. تا شاید بقول او **خاطره‌ای از گذشته‌مان** را نگاهداریم - **خاطره‌ای‌که بچه هایمان ندارند و** می بینیم. **خانم نهایی**، این کتاب را هدیه کرده‌اند به بچه هایشان که آسمان ایران را ندیده‌اند - با بچه هایشان فارسی حرف میزنند - سه فرزند دارند ۴ ساله، ۶ ساله و ۱۰ ماهه. شوهر ایشان **حمید نهایی** از وکلای برجسته جامعه ما هستند که از LONDON SCHOOL OF ECONOMICS انگلستان و برکلی آمریکا فارغ التحصیل شده‌اند. دو دانشگاه بسیار ممتاز جهان

ایشان رئیس انجمن دوستداران بیمارستان BNI ZION شهر حیفا، دبیر شورای ایرانیان حزب جمهوریخواه و از عاملین بسیار موثر این حزب و بنیاد مگبیت می باشند.

ژینا برخوردار نهایی، ۷ سال برای نوشتن این کتاب زحمت کشیده، تصویر گرایی او از وقایع و رسم و رسوماتی که شاید والدین ما نیز بسختی بیاد میاورند بسیار ستودنی است. این کار را با مصاحبه باکسانی انجام داده که این وقایع را یا دیده و یا بیاد آورده‌اند و این نویسنده صبورانه و محققانه ترسیم گر این صحنه ها است.

ژینا، نقش یک‌زن یهودی امروزه را دراین می بیند که بایستی یک‌کار بزرگ انجام دهد می گوید رسالت من و شاید آرزویم نوشتن کتابی به خوبی «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» **اوریانا فالاچی** بوده.

درمورد **زندگی**، اعتقاد دارد با همه محرومیتها زندگی ارزش دارد. حتی اززمان بچه‌گی نمی خواستم بمیرم - پیر شدن را قبول دارم، حالا بعضی ها حاضرند بمیرند، خوب عقیده‌شان است. هیچ‌دلیلی برای محرومیت نمی بینم - کار آدم دلیل بودن آنست.

درباره **دین** به خالق اعتقاد دارد ولی نه خدای ترسیم شده در دین. شصت تا هفتاد درصد کارهای دنیا جبر است و بقیه اختیار خود انسان انسانها چون نمایشنامه **درانتظارگودو**، **ساموئل بکت**، درانتظار چیزی هستند که بیاید، شاید این همان ایمان است به خدا.

علاقه های ادبی ایشان، **صادق هدایت** و **فرانتس کافکاست** - دوباره خوانی ادبیات ایران را دوست دارم زیرا به روح من میخورد، یک اثر نوستالژیک و غمناک.

شعر فروغ را دوست دارد - مشیری ونادرپور زیبا شعر میگویند ولی احترام به فروغ احترام دیگری است.

تازگیها کمتر شعر میخوانم شاید شعرهای ANN PAXTON آنهم بخاطر آنکه داستانهای پریان را شعر کرده و بصورت سمبولیک به جنگ افکار بچه گانه، میرود.

ژینا، کتاب دوم خود را دردست تهیه داردکه تا ۲ تا ۳ سال دیگر منتشر خواهد شد.

کتاب اول او **فریاد طاووس** با فروش **۲۰ هزار** جلد در آمریکا در اکثر مطبوعات طراز اول این مملکت با تشویق و استقبال صاحبنظران کتاب روبرو گردید. این کتاب تاکنون به زبانهای **آلمانی - ایتالیایی - نروژی - دانمارکی و فرانسوی** ترجمه شده‌اند و همزمان در اکثر **کشورهای خاوردور** **هنگ‌کنگ** **کانادا** و **آفریقا** منتشر شده است.

با اینهمه افتخار که تا بحال برای کمتر و شاید هیچ نویسنده زن ایرانی در جهان سابقه نداشته است، تواضع زیبای این زن متشخص، زیباترین زینت اوست.

داریوش فاخری

از کتاب : دومین کتاب چراهای یهود
ترجمه : نینا مرادی



«زن یهودی»

مقدمه

درزمان قدیم ، عهد کتاب مقدس ، مرد سالاری مرسوم بود . وظیفه زن یهودی درآن زمان اطاعت از مرد بود و تصور میشد که تنها وظیفه زن خدمت به مرد است . زن وقتی ازدواج میکرد جزو متعلقات شوهرش میشد . در واقع معنی لغت ازدواج ؛ (کینیان)، «تصاحب» است . درحالیکه لغت امروزه ازدواج (کیدوشین) بمعنی «تقدیس» میباشد . جیکوب بهنگام ازدواج با راشل اگرچه احتمالا باو علاقمند بوده معهذا باید هفت سال تمام برای پدر راشل (لابان) کار میکرد تا بتواند راشل را از او خریداری کند .

درآن زمان به لغت خانواده «بت اُوُت» گفته میشد که معنایش «خانه پدران» میباشد . درتورات ، (Genesis ۲۸ : ۱۸) بخش اول تورات) بوضوح میگوید که زن آفریده شده که یار شوهرش باشد .

در زمان بین معبد اول و معبد دوم (اولین هزاره قبل از مسیح) ، زن ها در مراسم مذهبی شرکت داده نمیشدند . برخلاف مردان ، آنها در معبد ، آوازهای مذهبی نمیخواندند و حتی موقع آوردن قربانی به معبد هم اجازه ورود به حیاط داخلی را نداشتند . یک زن فقط میتوانست حیوان قربانی را تادرگاه معبد ببرد و درآنجا آنرا به هاخام کنیسا بدهد تا برایش قربانی کنند .اگرچه وضع و موقعیت زن یهودی در ایام بعد از تورات و تلمود ، خصوصاً در مقایسه با سایر زنان ، بهتر شد معهذا هنوز بمراتب از مرد پائین تر بود .

ژوزفوس ، مورخ یهودی قرن اول چنین میگوید : «ارزش زن ، همانطور که قانون میگوید از مرد پائین تر است پس بهتراست که مطیع مرد باشد و این نه از جهت تحقیر و توهین اوست بلکه باین خاطر است که خداوند قدرت رهبری را به مرد عطا فرموده که راهنمای زن باشد» .

درمتن تلمود هم همین طرز فکر در مورد زن یافت میشود . باوجود این باید یادآور شد که علی رغم این بیانات تحقیر آمیز و بی اهمیت تلقی‌کردن مقام زن نسبت به مرد ، معهذا احترام زن همیشه محفوظ بوده و با آنها هیچوقت بد رفتاری نمیشد .

این حقیقت را میشود در بیانات زیر یافت .

«بخاطر لیاقت زن های پارسا و با ایمان بود که یهودی ها از مصربیرون آورده شدند» .

«زن ها ذاتاً از ذکاوت بیشتری برخوردارند» .

« مرد باید همسرش را باندازه خودش دوست بدارد و به او حتی بیش از خودش احترام بگذارد» .

موقعیت زن یهودی برای قرن ها تا زمان تلمود و بعد ازآن هم بهمین ترتیب باقی ماند تا زمانی که ربای جرشوم که در قرون دهم و

یازدهم درآلمان ربای پیشروی یهودیان بود ، گروهی ازروحانیون برجسته آن زمان راگرد هم آورد و قانونی بـه ثبت رسـاندند کـه توسط آن حق بیش از یک زن گـرفتن و هـمچنین طـلاق بـدون رضایت زن راء از مرد سلب کردند . این قانون به زن اختیار میداد که از گرفتن طلاق نامه (گِت) خودداری کـند . ولی عـلی رغـم ایـن تغییرات فاحش طرفدار زن ، چندین قـرن طـول کشـید تـاموقعیت اجتماعی و قانونی زن ، بهبود قابل ملاحظه‌ای پیدا بکند . حتی بیانات آزادیخواهانه طرفدار حقوق اجتماعی زن که توسط یـهودی هـای متجدد (ریفورم REFORM) در قرن نوزدهم و همچنین یهودیان میانه رو (کانسروتیو CONSERVATIVE) در قرن اخیر بیان شد ، موجب تاثیر و تغییر چندانی در وضع زن یهودی نشد .

در سال ۱۸۴۶ ربای های ریفورم (متجدد) در کنفرانسی در آلمان بنفع حقوق تساوی مذهبی بـرای زن ، رای دادنـد مـعهذا تـا سـال ۱۹۷۲ طول کشید تا دریک مدرسه مذهبی یهودی به یک زن حق ربای شدن داده شد .

تعداد زن های ربای تا سال ۱۹۸۴ به ۷۲ نفر رسید .

میانه روها که بطرف حقوق مساوی زنان حرکت میکردند، تا سال ۱۹۸۴ حتی حق کاندیدائی در مدرسه یهودی بمنظور ربای شدن راء به زن نداد ند.

درسال ۱۹۸۵ این امتیاز را برای اولین بار بـه یک زن دادنـد بـنام هریتا زولد . بعداً این بانو «هداسا» (مـوسسه زنـان صـهیونیست) را تاسیس کرد .

درسال ۱۹۶۸ در فیلادلفیا پیروان ربـای مردخـای کـاپلان (ربـای RECONSTRUCTIONIST متعلق به جنبش بسیـار آزادیـخواه) برای حق کامل مساوی زن با مرد «درتمام مراسم مذهبی» مبارزه کرد . درسال ۱۹۷۴ اولین ربای زن کالج خودش را برای ربای بودن به رسمیت شناخت .

امروزه ، یهودیان طرفدار برابری زن ، که بسیاری از آنها مذهبیـان بنیاد گرا(ارتدوکس) میباشند نیز ، به تفسیر قوانین مذهبی یـهودیت علاقمند شده‌اند که درنتیجه آن زنان بـتوانـند از نـظر امتیـازات و اصول زندگی یهودی ، با مردها حقوق مساوی داشته باشند .

آیادر زندگی سنتی یهودی دلیل عدم تسـاوی زن ومـرد چیست ؟

(سفرپیدایش) (تورات) درمورد آفرینش زن و مرد میگوید که هردو بطور جداگانه از هم ، **بشکل تصویری از خداوند** آفریده شده‌اند . ولی در قسمت دیگر چنین توصیف میکند که زن از دنده مرد آمده در نتیجه چنین استنباط شده که زن با مرد برابر نیست . اگـرچـه در تورات زنان بیشماری از جـمله **میریام** ، **استر** ، **روت** ، **دبـورا** و **هولدا**بعنوان قهرمانان نام برده شده‌اند ولی تـعدادشـان نسـبت بـه مردان قهرمان بسیار ناچیز است .

این تفاوت فاحش گویای مقام کم اهمیت زن است در زمان قدیم .

یهودیان بخش جداناپذیری از جامعه خاور نزدیک بودند و طبیعتاً روحیه و رفتار مرسوم بین ملت های دیگر تاثیری درایـن فـرهنگ بجای گذاشته است . بطور کلی مرد از زن مهمتر تلقی میشده است . شناخت این واقعیت برای فهم وبـررسی مفـاهیم تـورات ضـروری است .

بطور کلی مرد بجز چند مورد استثنائی وارث املاک میبود . چنین مرسوم بود که اگر زنی خارج از قبیله خود ازدواج میکرد دیگر ازآن بعد عضو قبیله شوهرش بحساب میآمد . موقعیت زن هـمیشه تـابع موقعیت شوهرش بود وظیفه‌اش ، خدمت به همسر .

عدم مساوات بین زن و مرد از این مطلب بیشتر آشکار میشود کـه حتی شهادت زن چندان بحساب نمیامد . (البته در موارد خاصی به‌زن اجازه شهادت داده شده) .

تصور میرودکه علت عدم قبول شهادت زن ، بخاطر ایـن واقـعیت بوده که وظیفه اصلی او رسیدگی به خانه و خانواده شناخته میشده و در نتیجه مقدورش نبوده که در همه حال برای شهادت و قضـاوت آمادگی و دقت لازم را داشته باشد .

چرا دریهودیت غالباً نوزاد پسر بـه دخـتر تـرجـیح داده میشود؟

تلمود بوضوح میگوید که درآن زمان ها ، وقتی نوزاد پسـر مـتولد میشد ، همه شادی میکردند .پدر و مادر هردو بهنگام تولد نوزاد پسر دعای شکرگزاری میخواندند و اگر نوزاد دخـتر بـود ، خـانواده و اقوام چندان شاد نبودند .

یکی از عالمین تلمود در قرن سوم بنام ربای چیسدا ، تنها شخصی بوده که فرزند دختر را بر پسر ترجیح داده . او میگوید «برای من ، دختران عزیزتر از پسران هستند » .

تصور میرود علت این علاقه او ، ازدواج دخترش بـا عـالیقدرترین عالم عهد خود میباشد .

دلیل دیگر علاقه به فرزند پسر ، حفظ نام فامیل خانواده میباشد .
از جمله دلایل دیگر اینکه برای اجرای مراسم خاص مذهبی که ۱۰ نفر لازم هستند («عصارا» MINYAN) ، پسر بحساب خواهد آمد . درحالیکه طبق قانون یهودیت زن موظف به شرکت در مراسم اجتماعی نمیباشد و برای مینیان هم بعنوان یکی از ۱۰ نفر لازمه ، بحساب نخواهد آمد .

چرازن یهودی همانند مرد ، موظف به خواندن براخانیست؟

زنان موظف اند که تمام احکام نفی تورات را رعایت کنند . احکامی که با این لغات شروع میشوند : «تو نباید ....»
زن ها از برخی احکام مثبت تورات هم معذور هستند .
لغت تلمود حاکی براین است که زنان موظف به رعایت احکام مثبت تورات نیستند و این بدان معنی است برحسب چه وقت و ساعتی در روز ، موظف به انجام احکامی که باید در زمان خاصی از روزیا سال اجراء شود ، نیستند .
علت وضع این قانون ، جلوگیری از ایجاد اشکال بود . برای مثال ، برای زن خواندن دعای صبح در حالیکه مشغول رسیدگی به خانه و بچه هاست ، مشکل است . از این روی ربای ها دستور دادند که برخلاف مردها ، زن موظف به خواندن دعاها نمیباشد اگرچه در صورت علاقه آزاد است که او هم دعارابخواند . ربای های تلمود و سایر عالمین یهودیت دراین مورد که زن دقیقاً مقید به انجام کدامیک از احکام است ، متفق القول نیستند . دراین مورد میشود گفت که عقیده «میمونیدز» پذیرفته شده به این صورت که میگوید زن در بعضی موارد وظیفه ندارد و معاف است ازجمله **دعای شما SHEMA ، پوشیدن تفیلین ، پوشیدن صیصیت ، ماندن در سوکا وشنیدن صدای شوفار.**

چرا زن موظف است شمع حنوکا را روشن کند ؟

روشن کردن شمع حنوکا بعهده رئیس‌خانه است . معهذا باوجودیکه مراسم‌روشن کردن شمع در زمان خاصی باید انجام‌شود و قبلا ذکر شدکه زن ها از انجام مراسم مذهبی و احکام‌مثبتی که ملزوم اجراء در زمان خاص است ، معذور شده‌اند ، باوجود این روشن‌کردن شمع حنوکا استثنائاً بعهده زن هم میباشد . دلیلی‌که آمده این است که چون زن ها هم مثل مردها شاهد معجزه حنوکا بوده‌اند ، پس آنها هم در انجام این مراسم موظف میباشند . روشن کردن شمع حنوکا تنها مراسمی نیست که بعهده زن هم محول شده ، بعداً ربای ها وظایف دیگری را هم برای زن ها اجباری شناختند . از جمله آنها : **کیدوش گفتن روز شبات ، تعنیت (روزه) گرفتن روز کیپور ، خوردن مصادر موعد پسح ، جشن گرفتن اعیاد ، خواندن‌داستان استر در پوریم** و همچنین **نوشیدن چهارگیلاس شراب** در **موعد پسح** میباشد .

چرا مرد ارتدوکس در دعای صبح خداراشکر میگویدکه «زن آفریده نشده‌ام»

در کتاب دعای یهودیت ، یکی از اولین دعای صبح چنین است «خدایا تورا شکرگزارم که مرا زن نیافریده‌ای» . در طول تاریخ ازنظراکثر یهودی ها **این دعا سپاسی است از جانب مرد به درگاه خداوندکه مذکر آفریده شده** و در **نتیجه نسبت به زن ، اجازه اجرای احکام بیشتری را داراست .**
جالب اینجاست که اولین اشاره به این دعارامیشود در تلمود یافت که از جانب ربای جودا چنین میگوید «مرد موظف است هر روز سه بار دعا بخواند .
۱ ـ خدایا شکرت که مراکافر نیافریدی
۲ ـ خدایا شکرت که مرا زن نیافریدی
۳ ـ خدایا شکرت که مرا رذل و فرومایه نیافریدی.»
امروزه نظر باینکه به اعتقاد میانه روها و ریفورم ها ، این دعاهانسبت به زن توهین آمیز است ، آنها این قسمت هارااز دعای روزمره‌شان حذف کرده‌اند .

چرازن موظف است برخای شراب شبات را بگوید ؟

اگرچه همانطور که گفته شد زن ها از انجام امور مذهبی و برخائی که مستلزم برنامه خاصی میباشد ، معذورند ، معهذا **تلمود زن راموظف به خواندن برخای شراب شبات میداند .** تلمود دلیل این را چنین توصیف میکند که در دو احکام ، دو لغت متفاوت برای «شبات» بکار رفته .
در یک جا(اکسدوس ۲:۸) به فرزندان اسرائیل دستور میدهد که «روزشبات را فراموش‌نکنید ، (بخاطر بسپارید ، نگهدارید)»
درحالیکه درجایی دیگر (دو ترونومی ۱۲ :۵) بآنها دستور میدهد که «شبات را رعایت کنید»
هخامیم تلمود این را باین ترتیب تفسیر کرده‌اند که :
هرآنکس که باید شبات را«رعایت» کند ، باید آنرا بخاطرش هم

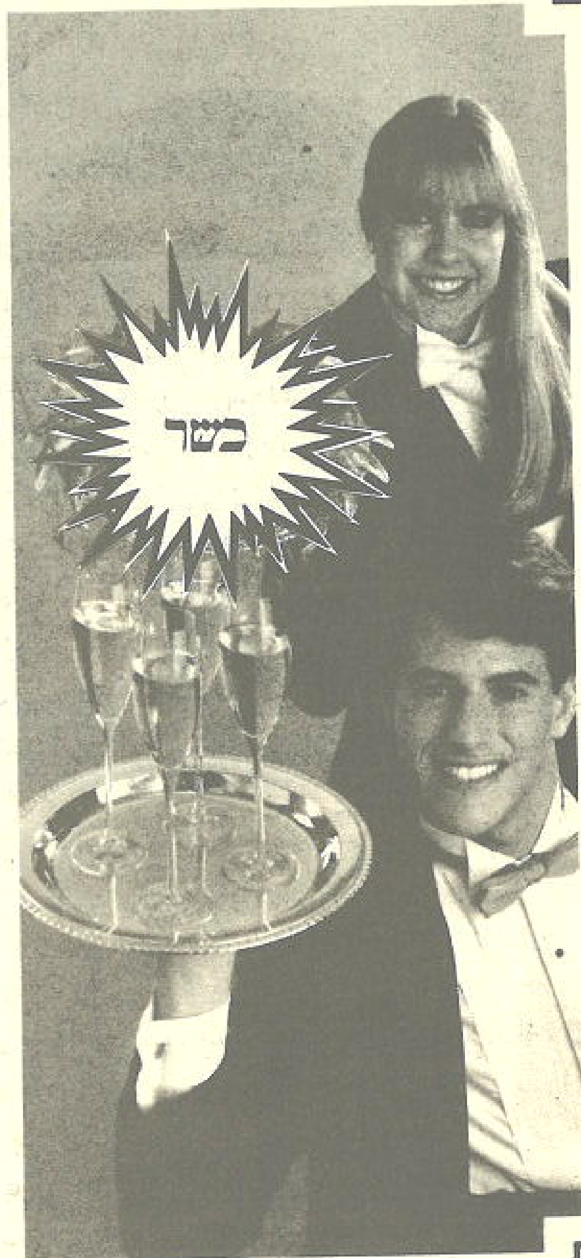
بقیه در صفحه 63

SIMON'S
KOSHER RESTAURANTS

رستورانهای کاشر سیمون

Glat Kosher وزیر نظر RCC اداره میشوند

پذیرای شما با لذیذترین غذاهای ایرانی
به صورت صددرصد کاشر



«کیترینگ سیمون»

برای جشنهای عروسی، نامزدی، برمیتصوا و بت میتصوا
در سالنهای متنوع و مجلل آماده پذیرایی می باشد

رستورانهای کاشر سیمون باداشتن ۲ شعبه در لس آنجلس از هر زمانی به شما نزدیکتر ند

وست لس آنجلس و بورلی هیلز
8706 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90035

دان تاون لس آنجلس
914 S. Hill St. بین خیابانهای نهم والمپیک
Los Angeles, CA 90015

(213) 627-6535

امنون نتصر

شوشنا

انسان گاهی نمیداند به قهر وظلم طبیعت بیاندیشد یا به انسانهای شیردلی که سختیهای زندگی را با اراده غیرقابل وصفی مهار میکنند درود بفرستد. برای من، که تا اندازه ای فراز ونشیب زندگی را به چشم دیده ام وبا تمام وجود خود لمس کرده ام، شوشنا حاخام زاده نمونه ای بارز از این انسانهای شیردل وشکست ناپذیر است.

من با شوشنا در اورشلیم آشنا شدم. درست نمیدانم این آشنایی در چه سالی یا ماهی شروع شد. اکنون که به گذشته مینگرم، انگار او را از طفولیت میشناختم. درست بخاطر دارم وقتی (ششم مه ۱۹۹۰) در لس آنجلس از من دعوت شد در سمیناری در بارهٔ مبارزه با مواد مخدر صحبت کنم، موقعیکه نوبت بمن رسید خواستم زیر عنوان **«گمراهی وآلودگی جوانان ما از بی هدفی است»** چیزی بگویم. چهره شاد وخندان شوشنا ونبرد اهورایی او علیه اهریمن درد ورنج وبیماری در نظرم مجسم بود. میخواستم فریاد بزنم: دوستان عزیز من، راه مبارزه با سختی ها را از شوشنا بیاموزید. دختری از سرتا پا افلیج با اراده ای آهنین مدارج ترقی را پیمود، شاگرد اول کلاس دوازدهم شد وچند سالی بعد در کسوت پزشکی هزاران دردمند وبیمار را درمان کرد. او هدفی مقدس داشت. او در نیل به این هدف آنقدر تلاش کرد تا موفق شد. **این بی هدفی است که شما را به منجلاب آلودگیهای اجتماعی میکشاند!**

شوشنا حاخام زاده در بیست ونهم ژوئیه ۱۹۳۸ در بندر پهلوی متولد شد. او دومین فرزند از شش فرزند بانو نصرت وپدرش حزقیا بود. پدر ومادرش از مهاجرین کاشان بودند که در بندر پهلوی سکونت اختیار کردند. پدر بزرگ شوشنا از طرف مادرش، حکیم اسحق، از پزشکان حاذق شهر گلپایگان بود. شوشنا هشت ساله بود که متوجه گردید که به بیماری خطرناک ورنج آور سستی وتحلیل عضلاتی بنام muscular dystrophy مبتلا شده است. این بیماری به تدریج به بسیاری از ماهیچه های دست وپای او سرایت کرده وری را برای همیشه بر صندلی چرخدار نشاند.

شوشنا کلاس دوازدهم یکی از دبیرستانهای بندر پهلوی را با موفقیت تحسین بر انگیزی بپایان میبرد وشاگرد اول میشود. با کسب چنین موفقیتی شوشنا هدف بسیار سنگین



گذراندن کنکور پزشکی را در تهران با دوستان وافراد خانواده در میان مینهد. خود او میگفت تقریباً همه او را از این کار نشدنی منع میکردند تا حدی که به روی همه فریاد میزد: **مرا زنده بگور نکنید!** او با جسمی ناتوان ووضع مالی نا بسامان ولی با روحیه ای پولادین به تهران آمد ومدت سه سال با محدودیت های اداری دانشکده پزشکی، که او را از نظر جسمی شایسته شرکت در کنکور پزشکی نمیدانستند، مبارزه کرد. روزنامه **کیهان** در شماره روز سه شنبه هشتم سپتامبر ۱۹۵۹ در باره شوشنا چنین مینویسد:

در میان داوطلبان شرکت در کنکور دانشکده پزشکی دوشیزه جوانی بود که تبسم از لبانش دور نمیشد. این داوطلب که متاسفانه موفق نشدیم نام او را بدانیم از ناحیه کمر بکلی فلج بود وبسختی راه میرفت بطوریکه از پله های معدود جلو دانشکده پزشکی با کمک دو تن از مستخدمین دانشکده پزشکی بالا رفت. از نحوه کلام او بخوبی احساس میشد که دارای هوش سرشاری است. او میگفت در ریاضیات بسیار با استعداد است ودر بندر پهلوی یک کلاس خصوصی را اداره میکند. سال گذشته

میخواست در کنکور شرکت کند ولی بعلت نقص جسمانی از او ثبت نام نکردند ولی او ضمن نامه ایکه به رئیس دانشگاه نوشته اجازه شرکت در کنکور داروسازی را کسب نموده است. این دوشیزه آرزو دارد در آتیه دکتر میکروب شناس شود وشاید از این راه خدمتی به هموطنان خود بنماید.

شوشنا بالاخره از جمله سیصد نفری بود که از میان پنج هزار داوطلب موفق شد در سال تحصیلی ۱۹۶۱ در دانشکده پزشکی تهران ثبت نام کند. سال ۱۹۶۸ شوشنا از دانشکده مذکور فارغ التحصیل میشود. یک سال بعد شوشنا به کشور اسرائیل مهاجرت میکند وپس از گذراندن یک دوره تخصصی در بیماریهای پوستی در بخش مخصوص به این بیماری در بیمارستان هدسای اورشلیم مشغول بکار میشود. وی از آن پس، با نگارش رساله های تحقیقی، در بسیاری از کنفرانسهای پزشکی در اورشلیم شرکت میکند. در ملاقاتهای دوستانه، که گاهی مرا نیز در آن سهمی بود، شوشنا همیشه پیشرفت خودش را در رسیدن به هدفی که در برابر خود قرار داده بود مرهون دلگرمی وپشتیبانی دوستان مسلمان ویهودی خود میدانست. وی فراموش نمیکرد تأکید کند که بدون کمک مالی سالانه سازمان بانوان یهودی تهران، که بانوان خیرخواهی چون ملیحه کشفی وشمسی حکمت در رأس آن قرار داشتند، نمیتوانست به آسانی کاری از پیش ببرد. سازمان مذکور درسال ۱۹۸۶ از دکتر شوشنا حاخام زاده در لس آنجلس تجلیل نمود وگزارش جامع این بازید ومصاحبه با شوشنا با قلم شیوای گیتی بروخیم (سیمانطوب) در یکی از مجلات لس آنجلس به چاپ رسید.

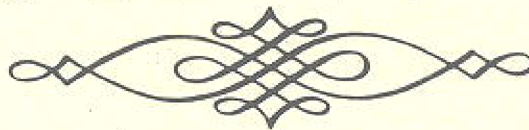
در اطاق کار شوشنا در بیمارستان هداسا آیه هایی تراویده از روحیه قدرتمند این زن شیر دل بزبان عبری بچشم میخورد:

خدایا بما نیرو بده!
شکیبایی بده تا با غیر ممکنات زندگی بسازیم!
شهامت بده تا آنچه را باید تغییر بپذیرد تغییر بدهیم!
بما خرد بده تا بتوانیم این دو را از هم تشخیص بدهیم!

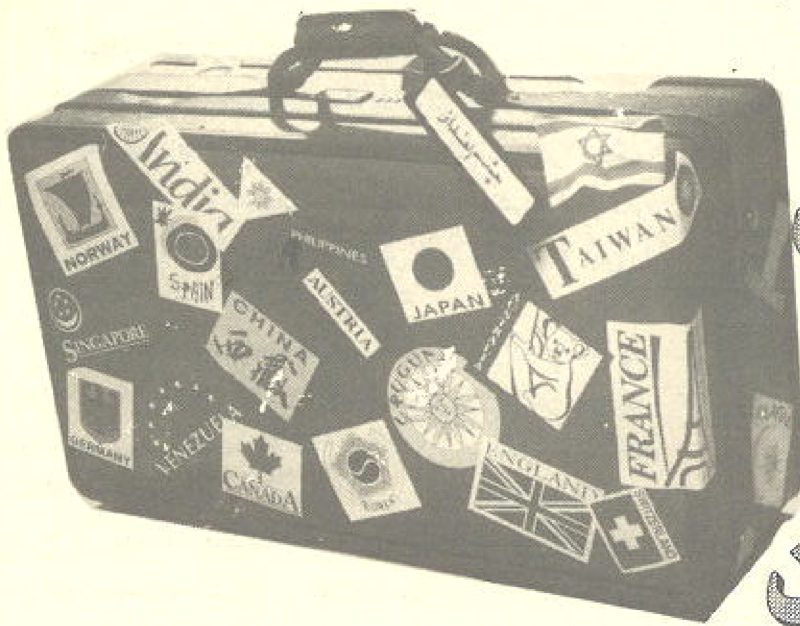
زنی هلندی بنام **دلانگه** مدتی نزد من میآمد تا تاریخچه یهودیان بندر پهلوی را یادداشت کند. شوشنا چند سالی بود در خلوت چیزی مینوشت. در یکی دو سال آخر دستش قادر بحرکت نبود. ماه آوریل ۱۹۸۸ شوشنا را در قسمت بیماریهای سرطانی در هداسا بستری کردند. چند بار به عیادت او رفتم. او بعنوان یک پزشک میدانست که زندگی اش بپایان رسیده است. شوشنا نیازی به دلداری نداشت. او بود که میگفت ومیخندید وما را دلداری میداد. پرستارش، یاعل، میگفت: شوشنا برای من قوت قلب است. شوشنا برای من سرمشق زندگی وهستی است.

روز چهارم ماه مه ۱۹۸۸ خود را در مقابل قبری، که دهان گشاده بود تا او را در آغوش بکشد، یافتم. برای اولین بار شوشنا روی صندلی چرخدار دیده نمیشد. جسم رنجور وبیجان او بر دوش دوستان پزشکش به آرامگاه ابدی نزدیک میشد. بوی زمین کنده شده وگرمای کشنده آن روز مرا در حالتی نامعلوم زجر میداد. انسانها را تار ومخدوش میدیدم. مخلوطی از عرق روی پیشانی ام با اشکی غیر منتظر صورتم را ترک نمیکرد. راب چیزی زیر لب زمزمه میکرد. کفن سفید جای لباس سفید پزشکی را گرفته بود. بی اراده هر دو دست را میان خاک فرو بردم وروی اندامی که رفته رفته زیر انبوه خاک ناپدید میشد ریختم. میدانستم که او باین خاک عشق میورزد.

خدا یا بما نیرو بده!
شکیبایی بده تا با غیر ممکنات زندگی بسازیم!
شهامت بده تا آنچه را باید تغییر بپذیرد تغییر بدهیم!
بما خرد بده تا بتوانیم این دو را از هم تشخیص بدهیم!



آیا فکر می کنید سازمانها و افرادی که برای جشنهای یهودی که به منظور آشنایی جوانان یهود با یکدیگر برگزار میشود، بایستی در رسانه و مطبوعات همگانی ایرانی تبلیغ کنند؟



نقش یهودیان در تحولات جهان

□ نگاهی به جوامع کوچک یهودی

● قربانیان خشونت

درشورش های اخیر شهر بمبئی در هندوستان که درآن مسلمانان و هندوها به خرابکاری و کشتار علیه یکدیگر مبادرت ورزیدند کنیسای «رُدف شالم» نیز طعمه آتش شد و تمام اشیاء مقدسه آن نیز تبدیل به خاکستر شدند . هرچند کنیسای مزبور هدف اصلی نبود ولی این کنیسا درساختمانی قرار داشت که بوسیله شورشیان به آتش کشیده شده بود .

● یهودیان پورتوریکو

اخیراً سمیناری به مدت ۳ هفته در مرکز دولتی شهر سان خوان در پورتوریکو درباره ۵۰۰ سال اقامت یهودیان در آمریکای لاتین برگزار شد . بسیاری از دانش پژوهان ازکشورهای پورتوریکو ، اسرائیل ، آرژانتین و آمریکا دراین سمینار شرکت کردند .

● حتی در کنیا

جامعه یهودیان نایروبی درکنیا هشتادمین سالگرد تاسیس خودرا جشن گرفت . جامعه یهودیان نایروبی دارای ۱۴۱ خانواده و نزدیک به ۳۱۲ عضو می باشد . به علت فقدان کشتارگاه یهودی گوشت و مرغ کاشر ازآفریقای جنوبی به نایروبی صادر میشود .

● تیم های ورزشی کوچک

۵ ورزشکار یهودی ازکشور آروبا (یکی ازجزائر دریای کارائیب)در چهاردهمین مسابقات ورزشی مکابی که از ۵ جولای در ۳۰ رشته مختلف ورزشی در اسرائیل برگزار میشود شرکت خواهند نمود . جامعه یهودیان آروبا فقط متشکل از ۲۰۰ یهودی میباشد . این تیم دارای کمترین تعداد شرکت کننده نخواهد بود بلکه هنگ کنگ و نروژ فقط ۳ شرکت کننده اعزام خواهند داشت .

□ اروپا

● آهنگ صلیب شکسته

اخیراً دادگاهی در شهر نورنبرگ آلمان جریمه سنگینی در مورد فروش نوارهای آهنگ «صلیب شکسته» که توسط یک گروه نئونازی اجراء شده است برقرار کرد . قاضی دادگاه اعضاء گروه را به علت آنکه خودکامگی را تایید کرده و افکار عمومی را در کنسرت ها به غلیان می آورند تقبیح کرد . دادگاه فقط فروش نوارها را ممنوع کرده است ولی گروه اجازه اجرای آزادکنسرت را دارند .

● یهودیان ریویرا

یهودیان جنوب فرانسه با جمعیتی قریب به ۱۵۰ / ۰۰۰ نفر دومین مرکز تجمع یهودیان در فرانسه می باشند . ۸۰ هزار یهودی در شهر مارسی دومین شهر بزرگ بعد از پاریس زندگی میکنند .

مهاجرت یهودیان از شمال افریقا به پیشرفت منطقه کمک بسیار کرده است . مراکز مهم یهودی در شهرهای کان ، نیس ، تولون ، انتیب ، اکس آن پرونس و آوینون بوجود آمده است .

● **یهودیان آنتورپ**

موزه یهودیان بلژیک اقدام به برگزاری نمایشگاهی درمورد تاریخ یهودیان آنتورپ نموده‌است . اولین یهودیان مهاجر قریب به ۶۰۰ سال پیش در دوران تفتیش عقاید (انکیزاسیون) ازکشورهای اسپانیا و پرتقال به آنتورپ وارد شدند . درسال ۱۵۸۲ کتاب توراتی توسط کریستف پلانتین دراین شهرچاپ شده است .

□ اروپای شرقی

● **فستیوال موسیقی**

دانشگاه تل آویو ، دولت اوکراین و شهر اودسا درصدد برگزاری جشنواره‌یی جهانی ازموسیقی یهودی درماه اکتبر در شهر اودسا به مناسبت دویستمین سالگرد بنای این شهر می باشند . برگزارکنندگان این جشنواره معتقدند که ۱۸ کنسرت و اجرای آثار ۳۰ نفر از هنرمندان یهودی نشانگر این حقیقت است که بسیاری ازمشهورترین موسیقی دانان جهان یهودیان شهر اودسا هستند .

● **اهانت به‌گورستان**

تعدادی از سنگ های قبرستان شهر پترزبورگ در روسیه در شب برگزاری مراسم سالگرد هالاکاست مورد اهانت قرار گرفتند . سردبیر نشریه یهودی شهر پترز بورگ می گوید که همه ساله درزمان برگزاری عید «پاک» (EASTER) چنین خرابکاریهایی انجام می گیرد . مسئولان امر سرگرم تحقیق دراین مورد می‌باشند .

□ اسرائیل

● **تعویض شغل**

پژوهش های اخیر در اسرائیل نشان می دهد که حرفه وکالت که بیشترین حرفه مورد علاقه در اسرائیل بود به مکان چهارم نزول کرده است . همچنین حرفه پزشکی نیزمحبوبیت خود را ازدست داده و دیگر جزو ده رشته مورد علاقه نمی باشد . حرفه های مدیریت اداری ، حسابداری و مهندسی صنایع محبوب ترین رشته های اسرائیلی ها می باشند .

● **رشد**

صنایع کیبوتص اسرائیل که مشتمل بر ۲۶۰ کیبوتص و نزدیک به ۳۷۰ شرکت می باشند با تشریک مساعی و ایجاد یک چتر واحد صادراتی توانستند بالغ بر ۷۵۰ میلیون دلار از محصولات خود را درسال ۱۹۹۲ به خارج ازکشور صادر کنند . این مقدار ۱۰ درصد افزایش نسبت به سال ۱۹۹۱ نشان می دهد . یکی ازدلایل این افزایش توسعه بازارهای صادراتی جدید درکشورهای سابق روسیه ، آمریکای جنوبی ، چین و هندوستان می باشد .

● **ارتباط آسمانی**

بزرگ موسسه ارتباطات اسرائیل و داکوم که یک شرکت ارتباطی درکره جنوبی می باشد قرارداد جدیدی درمورد ایجاد خط ارتباطی سیستم ماهواره‌یی بین دوکشور انعقاد کرده‌اند .
درمراحل اولیه ۳۰ خط ارتباطی تلفنی ، تصویری و کامپیوتری بین دوکشور ایجاد خواهد شد .

● **کمک های خارجی**

کشور اسرائیل درحال حاضر به بیش از ۱۱۴ کشور دنیا درامور کشاورزی ، پزشکی ، تربیتی و سایر امور دیگر کمک می نماید . پاره‌یی از این کشورها حتی با اسرائیل روابط سیاسی ندارند . از سال ۱۹۹۱ ، ۲۵ کشور جدید به کشورهای دریافت کننده کمک از اسرائیل اضافه شده‌اند که دربین آنها ازکشورهای چین - هندوستان برخی از ممالک افریقایی و اروپای شرقی و جمهوری های سابق شوروی می توان نام برد .

● **دکتر سرخانه**

به دعوت رئیس جمهور کشور مالاوی (کشوری درافریقا) دکتر شموئل لوینجر از بیمارستان حاداسابرای انجام عمل جراحی بر روی وزیر قراردادهاو همچنین یکی از خویشاوندان رئیس جمهور به این کشور فراخوانده شد . دکتر لوینجر ضمن اقامت خود در مالاوی به مداوا و انجام عمل جراحی بر روی ۲۰ بیمار دیگر نیزمبادرت ورزید .

□ علوم و تکنولوژی

● **جذب**

شرکت پولاک که سازنده وسائل و تجهیزات جراحی در اسرائیل می باشد اخیراً اسفنجی جدید اختراع کرده است که مایعات معادل ۸ برابر وزن خود را جذب می کند که بطور قابل ملاحظه‌یی ظرفیت

آن از محصولات مشابه بالاتر می باشد .

● **هدف**

شرکت اسرائیلی آزیموت که متخصص در ساختن وسائل پیچیده ردیابی و اطلاعاتی می باشد درنمایشگاه جهانی فلوریدا سیستم جدید «اطلسی» را به نمایش گذارد . این سیستم‌که فقط ۴۴ پوند وزن دارد به توسط یک سرباز قابل حمل بوده و چه درهنگام روز و یا شب می تواند هدف را بطور دقیقی تعیین کند .

□ اخبار گوناگون

● **بازگشایی**

کنیسای شهر اینسبورگ در اطریش که در ۵۵ سال پیش در «شب کریستال» توسط نازی ها منهدم شده بود باردیگر افتتاح شد و بسیاری از اشیاء مذهبی آن که توسط کشیشان محله حفاظت شده بود بار دیگر به آن عودت داده شد.

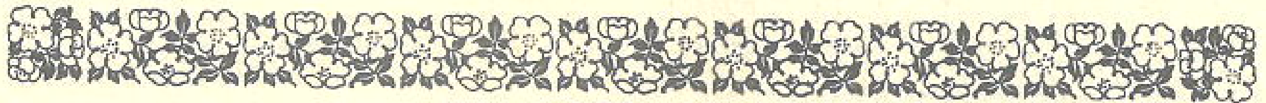
شهر اینسبورگ به علت سابقه ممتد تاریخی در ضد یهودیت دارای فقط ۵۰ نفر یهودی می باشد .

● **پسح در هندوستان**

برای اولین بار درهندوستان شب پسح با غذاهایی که ازیک رستوران کاشر در نیویورک فرستاده شده بود و آشپزخانه یکی از هتل های هندوستان که کاشر شده بود و ۲ ربای از کنیساهای بروکلین جشن گرفته شد . اسرائیل و هندوستان که از سیاست حمایت از اعراب پیروی میکرد درماه ژانویه روابط سیاسی برقرار کرده و به سالها مناقشات سیاسی درخاورمیانه پایان دادند .

● **پوسترهای نژاد پرستانه**

پوسترهای نژاد پرستانه با نشان صلیب شکسته که خواهان اخراج خارجیان غیر قانونی از ژاپن می باشد در شهر توکیو به دیوارها نصب شده‌اند . این پوسترها به توسط یک گروه کوچک دست راستی که رهبر آن ادعا می کند که به عقاید هیتلر احترام می گذارد در توکیو نصب شده‌اند .



آیامیخواهید با بانکی مثل بانکهای ایران معامله کنید؟

Wilshire State Bank



یک بانک جهانی درهمسایگی شما

- امور بین المللی
- امور وصولی خارجی
- اوراق اعتباری
- وام اتوموبیل
- وام مشاغل
- وام شرکتهای کوچک

International Operations
Overseas Remittances
Letters Of Credit
Automobile Loans
Business Loans
SBA Loans

For friendly advice call Bob Nasr

(213) 387-3200
EXT : 3010

A NEIGHBORHOOD BANK WITH A WORLDWIDE VIEW

برای یک مشاوره دوستانه با باب نصر تماس حاصل نمائید

(۲۱۳)۳۸۷_۳۲۰۰

داخلی ۳۰۱۰



Member FDIC

Equal Housing Lender

پنج ماه درمیان (نیونازیها)

برگردان : دیوید فاخری

درکلوپ نیونازیهاکه دعوت شده بودم شاهد نمایش فیلمی مستند شدم که دخترکی ۸ ساله راامورد تجاوزجنسی قرار داده و آنگاه وی را قطعه قطعه نمودند . درحالیکه من از شدت تنفر و تاثر برخود میلرزیدم اعضاء کلوپ با ولع و اشتیاق خاص به تماشای آن نشسته بودند .

این نوشتار بمنظور آگاهی آن دسته از همکیشان هم وطنی که متاسفانه یا بعلت عدم آگاهی کافی و یا بدلیل بی تفاوتی ، درک واقعی از فجایع نازیها ندارند و هم اکنون نیز از آنچه در اطرافشان در مورد رشد و گسترش جزب جدید آنان بعنوان (نیونازیها) میگذرد بطور سرسری میگذرند تهیه گردیده .

دراین مقاله متوجه میگردیم که چگونه شاخه های پراکنده ضد یهود در سراسر جهان با یکدیگر سعی در آفرینش درخت واحد نابودی یهودیان جهان را دارند و تعجب خواهیدکرد که چگونه و باچه وسایل و تجهیزات مالی و انسانی حتی در مترقی ترین کشورها با پیوستگی محکمی ، سعی در به ثمر رساندن ایده های هیتلر و امثالهم را مینمایند . متاسفانه هستند درمیان ما کسانی که هنوز هم چندان نسبت به موجودیت کشور اسرائیل بعنوان تنها مدافع وپناهگاه امن برای یهودیان اعتقادی ندارند و آنطور که بایسته وشایسته میباشد نه خودونه فرزندان خود را تشویق به شناختن و اهمیت دادن به این موضوع نمینمایند . علل مختلفی برای داشتن این گونه پندار غم انگیز موجود است : ندانستن اطلاعات کافی درمورد تاریخ گذشته و حال و آینده یک یهودی ، تاثیر برخورداری از حتی یک وجب خاک بعنوان یک میهن یهودی بدون آنکه کوچکترین سهمیه‌ای در وفاداری آنان نسبت به کشوری که در حال حاضر درآن زندگی میکنند داشته باشند . و احساس امنیت مالی که درحال حاضر در کشوری که درآن زندگی میکنند و ازآن برخوردارند و غیره .

داستان زیر درمورد یک فرد اسرائیلی است که به مدت ۵ ماه با نام و مشخصات ساختگی درمیان مهم ترین و خطرناک ترین گروهها و افراد (نیونازی) بسر برده و شاهد فعالیتهای آنان در زمینه های مختلف ضد یهودی بوده است . امیدوارم که همگی از خواندن آن درس لازم را بگیریم .

******

شاید بهتر باشد که داستان را از آخر شروع کنم . من درحالیکه ۵ نفر (نیونازی) راگرد هم جمع کرده و دستان یکدیگر را مانند بازیکنان بسکتبال بروی هم گذاشته‌ایم فریاد میزنم (باهم حکومت را ساقط خواهیم‌کرد) . سپس آنان جمله مرا تکرار کرده و یکی ازآنان بنام **(ولفگانگ یوآخیم)** که یکی از چهره‌های شناخته شده نیو نازی درآلمان میباشد با هیجان بمن میگوید (تو اولین کسی هستی که مارا باهم متحد میکنی) . این لحظه‌ای بود که تمام هفته گذشته را برای آفریدن آن نقشه کشیده بودم و بعد ازآن تصمیم داشتم که پاسپورت اسرائیلی خود را از جیب خارج کرده و به آنان بگویم (آقایان من یارُن صبورای اسرائیلی میباشم و دیدید که چه کلکی خوردید) بعداز پنج ماه زجر و شکنجه روانی که در رابطه با آنان برتمام وجودم مستولی شده بود منتظر لحظه شیرین دیدن قیافه های شگفت زده و واخورده آنان بودم‌که بعد از شنیدن این جمله شاهدش باشم . تقریباً پاسپورت را از جیب خارج کرده بودم که ناگهان **(ران گوذنائو)** امریکائی سابق ، بسیار باهوش و دارای عقاید خاص سیاسی که میتوان وی را یک دائرةالمعارف ضد یهودی بحساب آورد مرا به گوشه اطاق کشانید و آهسته بمن گفت (میخواستم که بمن بپیوسته و به عراقیها کمک‌کنیم) . از دوستانش قبلا شنیده بودم که جاسوس عراقیها و لبنانیها میباشد . درآن لحظه تصمیم گرفتم که پاسپورتم را بجای خود بازگردانم .

تیق عبری

واقعه از آنجا شروع گردید که به منظور تحقیق در مورد خاصی از رویدادهای جنگ دوم جهانی به آلمان مسافرت نمایم . درتمام مدت سعی میکردم که اسرائیلی بودن خود را پنهان سازم و بنام **(ران فیوری)** روزنامه نگار استرالیائی خود را معرفی نمایم . در جریان تحقیقاتم با فردی مسن که از نازیهای قدیم بود آشنا گردیدم . او مرا با جوانی بنام **(میلر)** که بکارهای سینمائی مشغول بودآشنا نمود . نامبرده مرا به تماشای فیلمی در کلوپشان دعوت نمود . از تماشای آنچه راکه نشان دادند تقریباً بحال اغماء افتادم این بدترین و وحشتناک ترین واقعه‌ای بود که درتمام عمرم شاهد آن بودم . درآن فیلم واقعه‌ای نشان میدادند که چگونه دخترکی ۸ ساله مورد تجاوز گروهی از مردان قرار گرفته و آنگاه وی را قطعه قطعه مینمایند و چاشنی آن فیلم راکه در پایان با به پاخاستن و هوراکشیدن و دست زدن اعضاء آن کلوپ همراه بود فیلم‌کوتاهی از یکی از سخنرانیهای هیتلر کرده بودند . درآن لحظه بود که به ماهیت و واقعیت و گسترش نیو نازیها پی بردم و تصمیم گرفتم که وارد عملیات گردم . این احساس را یکبار دیگر با ملاقاتی که باگروه **(اسگین هدها-سرتراشیدگان)** درکلن داشتم بمن دست داد و آن بازگشت آن گروه از جمله به چندین **(ترک)** بود درحالیکه یکی ازآنان با افتخار(پنجه بکس) خون‌آلود خود راکه بر چشم یکی از ترکها فرود آورده بود نشانم میداد . به موسسه **(ویزنتال)** درآمریکا مراجعه کردم و به آنان توضیح دادم که درتوانائی من میباشد تادرون گروههای نیونازی آلمان رسوخ کرده و رابطه آنان را با نازیهای قدیمی بازمانده ، ثابت نمایم .آنان پیشنهاد مرا پذیرفتند و بلافاصله یک دوره سریع را در موسسه ویزنتال گذراندم . دراین دوره در مورد سازمانهای نازی جهانی مطالب لازم را آموختم و شخصیت روزنامه‌نگار استرالیائی خود که دریک روزنامه دست راستی تندرو استرالیائی مشغول به کار است را بارها و بارها تمرین کردم . بسیار به حافظه خود متکی بودم که فراموش نکنم چه دروغی را به چه کسی گفته‌ام که خود را به تله نیندازم . دراین مورد همیشه موفق نبودم زمانی که توسط یکی ازآنان نامم پرسیده شد بی توجه گفتم **(یارن)** که خوشبختانه بلافاصله آنرا اصلاح کردم . زمانی دیگر در دیدارمن از یک اردوگاه تمرین نظامی نیو نازیها بود که مرا به یاد اردوگاه اسرائیلی که درآن خدمت کرده بودم انداخت و ناگهان نام اردوگاه را به عبری بیان کردم که خوشبختانه بنظر شنونده بصورت زمزمه آمد و برای تصحیح آن نام یک اردوگاه نیونازیهارادر **(پرت براگ)** آوردم .

دوست نازی من (هانس)

نام دوست خوش قلب و مهربان نازی من **(هانس ریتس)** میباشد . نام و آدرس وی را از فردی گرفته و به شهر **(لانگن)** محل اقامت وی رفتم و از او درخواست مصاحبه نمودم . در اولین ملاقات رابطه بسیار خوبی بین ما پدید آمد وبقول وی و همسرش من شوخ ترین فردی هستم که آنان تاکنون شناخته‌اند - او ، قول داد که درامور تحقیقاتیم با شناساندن افراد مهم و موثر سازمانهای نیو نازی بمن ، به تحقیقاتم کمکم نماید - چند زمانی که گذشت متوجه شدم حکومت آلمان بوی اهمیت زیادی بخاطر اینکه او یک فعال اصلی میباشد میدهد که البته اشتباه بود . این فرد از آن دسته اشخاصی است که تنها به تظاهرات میروند و همه اورا میشناسند و اوآنان را . زیاد از اینکه موافقت کرد که کمکم کند متعجب نشدم . برای کسی که حکومت وی را همواره مورد تعقیب قرار میداد و حالا فردی حاضر شده که درباره وی ومرامش بصورت مثبت بنویسد ، یک شانس عالی بود . کمکهای وی بسیار با ارزش بودند ، نه تنها مرا با سران نیو نازیها آشنا نمود بلکه درآغاز حتی شخصیت روزنامه نگاری مرا بصورتی سری حفظ نمود تا مورد شک دوستانش قرار نگیرم . به‌دوستان نزدیکی تبدیل شده‌بودیم . یک روز بعد از ملاقات سختی که با یک رهبر نازی داشتیم به خانه برگشتیم درآن ملاقات آن فرد بمن مشکوک گردید و ناگهان به خواندن ترانه **(هاواناگیلا)** پرداخت . خیلی سعی کردم تا بر احساسات خود غلبه نمایم ولی (هانس) بمن اطمینان زیادی داشت حتی یک روز دربرابر همسرش شاخه گلی به من تقدیم داشت و با هیجان چنین گفت : تو بهترین واقعه‌یی هستی که بر جنبش نیونازیها پیوستی و همچنین تو تنها نازی حقیقی هستی که در خارج آلمان شناخته‌ام . البته او تنها نبودکه مرا با آغوش باز پذیرفت من هم چنین به آنان گفته بودم که شخص ثروت مندی راکه به جنبش نیونازیها علاقه فراوان دارد می شناسم و میتوانم از وی بخواهم تا ترتیب خرید یک سینما درآلمان راکه به

معرض فروش گذارده شده بود داده و به آنان بمنظور استفاده بعنوان مرکز حزب تقدیم دارد و بدین ترتیب بیشتر مورد علاقه و اطمینان رهبران گروهها قرار گرفتم.



آرام‌آرام درها بسوی من بازمیشدند . هرکس دیگری را بمن میشناساند . بطور مثال باین طریق یکی از مهمترین رهبران نیو نازی **(فریدهلم بوسا)** را ملاقات کردم . وی قبلا بجرم ترویج ایده های ضد نژادی به زندان افتاده‌بود .

امروز او رهبر سازمانی است که **۹۸۰** عضو دارد یعنی بیش از **۵ برابر** آنچه حکومت آلمان درباره وی حدس میزند . در زمان مصاحبه‌ام برای آنکه شکی در مورد ادعایش نداشته باشم نام‌آن اعضاء را در اختیارم گذاشت و از من خواست تا به یک یک‌آنان تلفن بزنم و حقیقت را از آنان جویا شوم .

بوسا فردی است تند مزاج که بیشتر از آنچه که مورد همبستگی اعضاء باشد و از این طریق بتواند احزاب دست راستی افراطی را متحد نماید ، باعث ازهم‌گسیختگی آنان است و بعکس وی **(ولفگانگ یوآخیم)** رهبری مقتدر و عاقل و خطرناک است دربین سایر رهبران نیونازی که ملاقات کردم . او نیزکشتار یهودیان توسط نازیهارا انکار میکند . من اورا بخاطر سوابقی که ازوی میدانم اکنون نیز دروی توانایی لازم را می بینم که بنام **(صدراعظم)** آینده خطابش میکنم . قبلا در سرویس امنیتی آلمان مشغول به‌کار بوده و هم اکنون روابط بسیار نزدیکی با سران تند رو احزاب دست راستی آلمان دارد . فر ق زیادی بین عقاید وی و (بوسا) نمیباشد ولی او دارای قدرت بکارگیری صحیح آنان است . او همانند یک مدل نمایشی مورد علاقه همگان با قدرت سخنرانی فراوانی که دارد سالی چند مرتبه به سراسر آلمان مسافرت نموده وسالنهای متعددی را با حضور خود مملو از جمعیت مینماید . او در سخنرانیهایش سعی میکند که **فاجعه آشویتس** را یک **(اسطوره آمریکایی)** معرفی نماید و واقعاً به خورد مردم دنیا بدهد . به این طریق او اعتقاد دارد که میتوان **۱۲** سال حکومت هیتلری را بصورت رویدادی مثبت در سطح جهانی دانست و رقم تلفات چندین میلیونی جنگ دوم جهانی را انکار و آنرا بین **۱۵۰** تا **۳۵۰** هزار نفر میداند که بخاطر بیماری وبا و یا بعلت پیری بوده است و صدها هزار نفر طرفدار در پشت سر وی ایستاده‌اند که اکثریت آنان را طبقات مرفه مانند پزشکان ، وکلا و مهندسین تشکیل میدهند . برای دیدن‌آنان مجبور شدم که به سراسر آلمان مسافرت بنمایم . بطور مثال **(دکترکلارن فریدرخ)** که درزمان جنگ در اردوگاه (متهاوزن) خدمت میکرده خیلی جدی بمن گفت که درآن اردوگاه بخاطر حفظ سلامتی اسرا ، به آنان ماسکهای ضد گردوخاک داده میشده که صورت خود را با آن بپوشانند !!!

یکی دیگر از رهبران نیونازی که خود وگروهش طرفدار محکم **(یوآخیم)** میباشند **(مانفرد دورد)** میباشد که سابقه نه سال ونیم زندانی شدن به جرم بمب گذاری در یک واحد مسکونی مهاجرین را دارد . در مصاحبه‌اش با من از همکاریهای دوجانبه‌ای که بین **(سازمان خرابکاری فلسطین)** و همچنین دیگر سازمانهای تروریستی مشابه با آنان میباشد سخن گفت و از کمکهای مالی وسیعی که از جانب **طرفداران آمریکائیشان** به آنان میشود. بعقیده وی تنها انقلاب میتواند آلمان را نجات دهد . من هم‌چنین با پیرمرد ۸۰ ساله‌ای بنام **(ویلهلم کروزا)** که خود را مستخدم شخصی هیتلر معرفی نمود ملاقات نمودم . از خاطرات وی نکته های جالبی را دریافتم . بطور مثال او از **(ژنرال هرمان‌گورینگ)** بعنوان فردی معتاد به مواد مخدر یاد میکرد . او همچنین بخاطر میآورد که در شب هجوم به کنیساها و اماکن یهودی و سوزاندن‌آنان **(شب بدولاخ)** هنگامی که اولین گزارش این وقایع به هیتلر رسانیده شد وی بشدت از شنیدن این‌موضوع عصبانی گردید و به مسئولین امر پرخاش نمود (که چرا اجرای این عملیات را یک هفته

بعقب نینداختند تا بتوان آنرا بنحو موثرتری بانجام رسانید !!!) .
شخصیت روزنامه نگاری خود راهرچه بیشتر دربین‌آنان تقویت میکردم و سعی داشتم تا تنها بصورت یک‌طرفدار پرهیجان مرام آنان باشم تا شخصی فعال در حزب . سئوالهای من بیشتر درمورد سه موضوع دور میزد وآنان را آزادانه ضبط میکردم . آن سه موضوع عبارت بودند از - آشویتس - هیتلر وحکومت فعلی آلمان که از توانایی محکومیت دادگاهی برخوردار بودند . چراکه درآلمان افکار فجایع نازیها و همچنین فعالیت در براندازی حکومت بصورت انقلابی جرمهای سنگینی شمرده میشوند ومن سعی میکردم‌که در مصاحبه هایم با رهبران گروههای نیو نازی اعتراف آنان رادر این مورد ضبط نمایم .

همواره سعی میکردم درحالیکه تنها شاهد بی طرفی‌باشم اما درهمان حال به عمق جریانات آشنا گردم . دراین مورد چندین بار در موقعیتهایی ناخوشایند ی قرار گرفتم . یکبار با ۴۰۰ نفر از نیو نازیها در کلوپ آنان در صف توالتی قرار گرفتم تا در توالتهایی که باعکس یهودیان و با شعارهای ضد یهودی تزئین شده‌بودند ادرارنمایم . این توالتها بمنظور اهانت به شخصیتهای یهودی با پاشیدن ادرار بر روی آنان تهیه گردیده بودند . دفعه دیگر مجبور شدم با یک گروه از **سرتراشیدگان** به تله‌ای که آنان سرراه مهاجرین قبرسی و ایرانی نهاده بودند بپیوندم درحالیکه درچپ و راست من زدوخورد وحشیانه‌ای درجریان بود من خود را دراین میان ناتوان ترازآن میدیدم‌که به طریقی به یاری گرفتاران بیچاره خارجی بشتابم .

قبل از اینکه به‌آلمان مسافرت کنم‌عقیده‌ام درمورد نیونازیها تنها به دسته‌ای سرتراشیده وحشی محدود میشد اما متاسفانه دراین مدت متوجه شدم که قسمت تقریباً عمده‌ای از آلمانیها که حتی دارای رفتاری نرمال و طبیعی میباشند همه دارای چنین احساساتی میباشند . درمیان‌آنان میتوان از فقیران ، ثروتمندان ، داروسازان ، افسران پلیس ، وکلا ، پزشکان که اکنون به آن صورت خطر بزرگی محسوب نمیشوند نام برد ولی آنان نقش سرطانی را ایفا میکنند که اگر اکنون در پی قطع ریشه آن برنیایند در آینده بصورت تهدیدی بزرگ وموثر برخواهند آمد . این افراد در صدد پیدایش **(رایش چهارم)** میباشند . آنها فقط صحبت نمیکنند دراین مورد پی به روابط نزدیک و گسترده آنان با سازمانهای نیونازی آمریکا و افریقای جنوبی بردم نماینده آنان در امریکا رهبر نیونازیها **(مارک وبر)** و در آرژانتین افسر اطلاعاتی آلمان که باکمک **واتیکان** به آنجا گریخت و پناهنده گردید **(رینهاردکوفس)** میباشد و همچنین **سازمانهای تروریستی فلسطینی** را نمیتوان نادیده گرفت .

آیا هیتلر همجنس باز بوده ؟

اولین باری که موفق به ملاقات **(فرید هلم بوسا)** شدم اطرافش را ۱۲ نفر محافظ شکاک گرفته بودند خیلی نگران جانم شدم «چه میشود اگر به شناسائی‌من شک بکند» به ترسم غالب آمدم و تصمیم گرفتم بی مهابا دل بدریا بزنم خود را به سرعت به وی رسانده ومانند بچه‌ای که به تازگی پدرش از ویتنام‌آمده خود را در میان آغوش وی رها کردم . بعدازآن دستی به شکم وی کشیدم و با طعنه گفتم بالاخره شکمی بزرگتر از شکم خودم پیدا کردم ، همه زیر خنده زدند و به این ترتیب یخها شکستند سپس دوربینم را بدست فردی دادم تا از من و او باهم عکس بگیرد که بسیار مورد توجهش قرار گرفت .

معمولا ترکیب اسرائیلی پر رویی و خوشمزه‌ئی راکه بکار میبردم بسیار موثر و مورد خوشایند آلمانیها قرار میگرفت . بطور مثال یک روز ناگهان از آنان پرسیدم آیا این راست است که هیتلر هم‌جنس باز بوده ؟ این روش به من کمک میکرد که سئوالاتم زیاد جدی بنظر نرسد . یکبار دیگر هنگامی که بنظرم میرسید که یکی از مصاحبه شدگان چندان با رغبت اطلاعاتی را در اختیارم نمیگذارد با پرخاش بوی گفتم (چه فکر میکنی ؟که من یهودی هستم ؟ چرا مثل بچه ها بامن رفتار میکنی ؟) . وظیفه‌ای راکه ادامیکردم یک بازی نبود .بارها واقعاً جانم درخطر افتاد . یکبار که بایک گروه از نیونازیها نشسته بودم ناگهان یکی ازآنان که عضو گشتاپو زمان هیتلر بود هفت تیرش را بروی پیشانی من گذارد و گفت (میدانی که من تورا خیلی دوست دارم ولی وای بحالت اگر متوجه شویم که داری نقش بازی میکنی) . بلافاصله تصمیم گرفتم که همانند وی جوابش را بدهم در حالیکه فریاد میزدم به او گفتم (حرامزاده من هفت تیرت رابه داخل ...نت خواهم‌کرد) . او خندید و معذرت خواست بعداً متوجه شدم‌که هفت تیر پر بود . زمانی دیگر یک سر تراشیده به

شناسایی من شک کرد و شروع به هل دادن من به طرف دیوار نمود جائی برای تردید وجود نداشت بلافاصله اورا بباد مشت و لگد گرفتم در ظرف پنج دقیقه تمام ناراحتیها و رنجهای روانی این ۵ ماهه را بروی خالی نمودم نتیجه آنکه وی را با بینی شکسته و دنده های صدمه دیده به بیمارستان بردند. درموردی دیگر هنگامیکه متوجه شدم‌که دومرتبه قصد جانم را کرده‌اند مخصوصاً یکبار که توسط اتومبیلی نزدیک‌بود که زیر گرفته شوم با **موسسه ویزنتال** در لوس‌آنجلس تماس گرفتم وبه آنان اطلاع دادم بمناسبت وضع وخیمی که موجوداست دیگر ادامه کارم ممکن نمیباشد. آنان بلافاصله ازمن خواستند که حتی به هتل محل اقامتم بازنگشته به خانه برگردم. آمادگی آنان در رد این ماموریت حیاتی بخاطر حفظ جان من مرا برآن داشت که دومرتبه دراین مورد فکر کنم. مدت زمان زیادی نمانده بود که من قرار بود ۵ تن از رهبران بزرگ نیو نازی هاراگرد هم‌آورم و صحبتهایشان را ضبط کنم. یقین داشتم که آنان دراین گرد همائی خود را (لو) خواهند داد تصمیم گرفتم که خطر را خریده و درآلمان بمانم تا ماموریت را بانجام‌برسانم. شاید خیلی ساده خجالت کشیدم که این ماموریت را ناتمام بگذارم.

برای محکم کردن روابط من، **موسسه ویزنتال** یکی از افراد خود بنام **(ریچارد ایتون)** را بعنوان همان فرد میلیونری که حاضر به خرید سالن سینما برای آنان میباشد به آلمان فرستاد اتوموبیل مرسدس بنز درجه یکی کرایه کردم و نقش میزبان آن میلیونر را بازی کردم همچنین اطاقهای متعددی در بهترین هتلهای شهر کرایه کردم که جای شکی برای آنان باقی نگذارم. همواره فکر میکردم که دریک لحظه غیر معمول از من ورقه شناسایی تقاضاکنند. به این منظور قبل ازآمدن به آلمان یک‌کارت شناسائی جعلی توسط یکی از مغازه های مشهور خیابان ۴۲ مانهاتان بنام **(ران فیوری)** تهیه کرده بودم و اگر همه وجودم راهم کاوش میکردند جزاین کارت شناسایی چیزدیگری نمی یافتند اما اگر اتوموبیل مرا جستجو میکردند در موقعیت خطرناکی قرار میگرفتم چراکه در اتوموبیلم‌کاستهای آهنگهای عبری، پاسپورت استرالیائی که نام حقیقیم درآن نوشته شده بود وکارت اعتباری صادره از بانکهای اسرائیلی را نگهداری میکردم. اما دریک مورد احتیاط شدیدی میکردم و آن ارسال بلافاصله عکسهایی که از آنها میگرفتم و نوارهای ضبط شده گفتگوهای آنان بود به **موسسه ویزنتال**.

امروز مطمئنم که اگر آنان عکسها و نوارها را پیدا میکردند (که با توضیحات من همراه بود) حکم اعدامم حتمی بود. ازآن گذشته تمام لباسهایم را از نیویورک خریداری کردم که مبادا برچسب اسرائیلی بر لباسهایم مرا لو بدهد و همچنین هرگز از اسرائیل مستقیماً وارد آلمان نمیشدم بلکه از مسیری دیگر میآمدم. اما خوشبختانه دراین موراد نگرانی من بیحاصل بود. من چنان اطمینان آنان را جلب کرده بودم که حتی در موقع مبارزات انتخاباتی بین **(یوآخیم وتوران)** هردوی آنان از من خواستند که به آنان کمک نمایم !!!

معتاد احساسات

من متولد کیبوتص **(گوولت)** میباشم. پدرم متولد برلین بود و درست شب آغاز جنگ دوم به اسرائیل رسید. مادرم در رومانی تحت حکومت اشغالی درآمد. علی رغم اینکه هردوی آنان عزیزان بسیاری را در فاجعه نازیها از دست داده بودند اما درخانه ما کمتر دراین باره صحبت میشد. تا این ماههایی راکه بین نیو نازیها گذراندم هرگز نمیدانستم که این فاجعه چه جای عمیقی را در وجودم دارا میباشد.

بارها تصویرهای کودکیم بذهنم میآمد. مسافرت به **(یدمردخای)** برای دیدن مجسمه **(مردخای اینلویچ)** و چهره مشهور کودکی که از وی در **(گتوی ورشو)** گرفته شده بود و سایر چیزها.

درست است، من معتاد احساساتم هستم و خودم را یک‌کارآگاه غیر عادی میدانم که بطرف قسمت مشکوک‌زندگی کشیده میشود. دارای قدرت بویائی خوب و حوصله زیادی هستم. چند سالی نیز بعنوان کارآگاه در پلیس مرکزی اسرائیل فعالیت داشته‌ام که آن وظیفه را بسیار دوست داشتم جتی تا چند سالی بعد از استعفایم گاه و بیگاه مرا برای کمک طلب میکردند. دارای قدرت دوست یابی سریع میباشم چنان میتوانم اطمینان دیگران را فوراً جلب نمایم که اگر به قبیله آدمخواران بروم بسادگی میتوانم‌آنان را قانع سازم که آدم خواری کار درستی نیست و حتی با یکی از دختران قبیله نیز ازدواج کنم.

باداشتن این همه توانایی هنوز هم بسیار مشکل بود که بمدت ۵ ماه یک زندگی دوگانه خطرناک راگذراند.

بارها در مکانهای عجیب و غریب خود را پنهان میکردم . به هتلهای دورافتاده میرفتم تا بتوانم پنهانی با همسرم **(میخال)** صحبت بکنم . بارها تماس با وی بود که توانستم طاقت آورده و دیوانه نشوم .
ساعتها با نیونازیها حتی ۱۵ ساعت در روز به صحبت می نشستم . اززبان آنان داستانهای چندش آوری از اعمال وحشیانه‌ای که اولیاء آنان بر یهودیان آورده بودند می شنیدم . از درد بخود می پیچیدم ، کلمه تنفر عنوان کوچکی است که به آنان داشتم ، در درون می سوختم و خود را به امید روزی که با آنان تصفیه حساب کنم آرام مینمودم .
هفته گذشته از من سئوال شد چرا فقط ۵ ماه با آنان ماندم و نه دو سال جواب این است که دیگر طاقت و تحمل آنان را نداشتم چنان در وجودم تنفر پرورانده شده بود که دیگر حتی برای یک لحظه یارای دیدن آنان را نداشتم .
دراین میان به خانواده‌ام هم بسیار سخت گذشت . این ساده نیست که ناگهان یک صبح از خواب برخیزی و مدت ۵ ماه همسر و سه فرزند را بامان خدا رها سازی . همسرم موقعیت مرا درک کرد و بمن اجازه داد که بدنبال ماموریت خودم بروم. حتی برای مدت کوتاهی دراین مدت نیز که به اسرائیل برمیگشتم حواسم در آلمان بود و حتی حوصله شنیدن صدای بچه هارا هم نداشتم ، همسرم مرا بخوبی درک میکرد .
اکنون که ماموریتم پایان یافته تصمیم دارم که با همسرم و بچه ها به یک تعطیلات طولانی برویم که واقعاً استحقاقش را دارند .

قرارداد با (پلی بوی)

پنج روز از روزی که ما تمام مدارک و نوارهای ضبط شده در مورد ۴۶ رهبر نیو نازی را به دولت آلمان تحویل داده‌ایم گذشته است . کسانیکه بعضی از آنان واضحانه جرمهایی را ضد قوانین آلمان ایراد کرده‌اند تاکنون هیچ نتیجه‌ای ازآنان حاصل نگردیده . من حاضرم که درهر دادگاهی و در هرکجای دنیا بعنوان شاهد برضد یکایک آنان حضور یابم .برای رسیدن به این لحظه ماهها انتظار کشیدم . فعلا سعی میکنم که با براه انداختن احساسات و اعتراضات عمومی ، دولت آلمان را مجبور به اقدام سازم .
هیچکس باور نمیکند که من هیچ دست مزدی از**موسسه ویزنتال** دریافت نکردم بجزخرجهای لازم . چرا که آنان انسانهای مقدسی هستند که بانجام کارهایی انسانی دست زده‌اند و سربار آنان بودن مایه خجالت است .
بعد از مسافرت اولم قراردادی با مجله (پلی بوی) درمورد فروش این مقاله به آنان با قیمت بسیار زیادی بستم اما بعداز گذشت مدتی که متوجه اهمیت این موضوع گردیدم حیفم آمد که جای این نوشته روی صفحه بین اندام لخت (دوشیزه ژانویه و دوشیزه فوریه) قرار گیرد . قرارداد را بهم‌زدم .
تنها ده روز قبل بود که از دوست نازیم **(هانس ریچ)** در فرودگاه فرانکفورت جداگردیدم .
او با این احساس و باور ازمن جداگردید که همین روزها با دوست میلیونرم که بمنظور خرید سالن سینما برای برپایی مرکز نیو نازی پول‌کافی در اختیار آنان میگذارد به آلمان باز خواهم گشت . در حالیکه مرا درآغوش گرفته بود گفت تصمیم گرفته‌ایم نام تو را بر روی این مرکز بگذاریم :

مرکز (ران فیوری) !!!

توصیه :

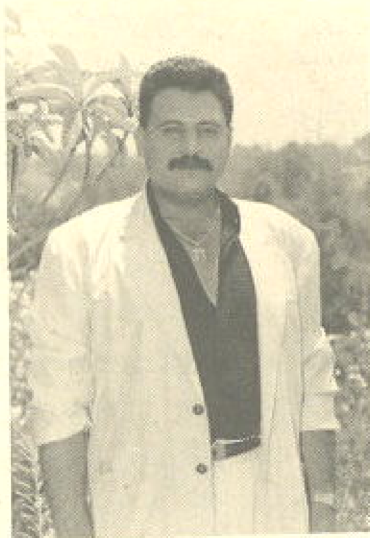
خواننده گرامی این وظیفه یکایک ماست که درمورد احساسات ضد نژادی اطرافیانمان بی تفاوت نمانیم ، توصیه میکنم‌با مشاهده فردی که اعمالی ضد نژادی را مرتکب میشود یا افکار ضد برادری دارد (فرق نمیکند اگر بر ضد یهودی یا غیر یهودی باشد) مراتب را به مقامات مسئول که نام‌آنان در زیر ذکر خواهد گردید اطلاع دهید .
زمانی مرام ضد نژادی بیشتر متوجه یهودیان بود ، اکنون این مرام همه افراد غیر سفید و خارجی رایکسان در بر میگیرد . هشیاری و تلاش سازمانهای اطلاعاتی اسرائیل در شناخت این گونه افراد وسازمانها بمنظور حفاظت از جان وناموس یهودیانی که درخارج از اسرائیل زندگی میکنند نتایج بهتری خواهد داشت . تمام سازمانهای یهودی جهانی همواره در تلاش وسیعی به منظور شناسائی افراد نژاد پرست و ضد یهود میباشند و در راه متوقف کردن فعالیتهای آنان صمیمانه از هیچگونه کمک های مالی و انسانی به سازمانهای ذینفع دراین مسئله حیاتی دریغ نمی ورزند . شما می توانید در صورت

بقیه در صفحه 71

کیترینگ کاشر بهادر

اعتبار کیترینگ های لوس آنجلس

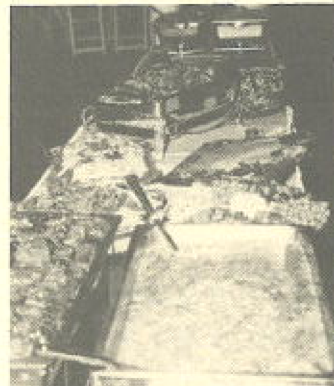
اورنج کانتی - سان دیاگو



محفل و شبهای پرخاطره خود را با غذاهای خوشمزه بهادر گرم سازید.

بهادر کیترینگ پر سابقه لوس آنجلس با ارائه سرویس برتر و کیفیت بهتر همیشه آماده است از مهمانان عزیز شما پذیرائی کند





تلفن: (۸۱۸)۶۰۹-۷۱۳۵

18750 Oxnard St., # 415 • Tarzana, CA 91356

قهرمانان تورا

دکتر هوشنگ ابرامی

سلیمان؛ معمای مقدس

می پرسید غرض از «معمای مقدس» چیست ؟ نمیدانم . درست نمیدانم . از ناچاری نوشتم این را. هر عبارت دیگری که بذهنم آمد تا بدنبال نام سلیمان بیاورم ده یک ویژگیهای او را دربر نمیگرفت . سلیمان ، **شاه شاعر!** سلیمان ، **بانی معبد!** سلیمان ، **حکیم یکتا!** سلیمان ، **مدیر مدبر**. سلیمان ... سلیمان ... اینهمه ابعاد درخشان افسانه آمیز راکدام بزرگمرد دیگری در تاریخ بشریت داشته است ؟ و اعمال و کردار کدام مرد نامدار دیگر اینقدر مورد بحث و نقد و گفتگو قرار گرفته ؟ سلیمان معماست . براستی معماست . اما چرای معمای مقدس ؟ شاید از این رو که او از چهره های برجسته کتاب مقدس است و سازنده معبد مقدس . **الی ویزل** وقتی درباره او می نویسد تکلیف خواننده را درهمان آغاز کار روشن می کند «سلیمان آن شاه خوب ، معما انگیز است ، هرگز نمیشود شناختش : زورمند است یا بی توان ؟ تشنه قدرت است یا طالب فهم و خرد ؟ پرهیزکار است یا تقوای کافی ندارد ؟ سرشار از شادی است یا انباشته از غم ؟» و بعد افسانه از پس افسانه می آورد و در پایان ، سلیمان این مرد شناخت ناپذیر همچنان در هاله‌ای از ابهام میماند .

کمتر کسی از قهرمانان تورا است که درباره‌اش باندازه سلیمان گفته و نوشته باشند و از او انتقاد کرده باشند و هنوز هم چهره‌اش بدرستی و روشنی معلوم نشده باشد . آشنا شدن با سیمای سلیمان کاری است که بظاهر سهل مینماید اما در عمل بس دشوار است و شاید ناممکن . و این بخاطر خصوصیات متعدد اوست که گاه باهم متضادند .

سلیمان در رده بندی چهره های بنام تاریخ در همه رده ها جا دارد . سلیمان کورش **شاه صلح طلب** است . سلیمان **حافظ غزل گوست** . سلیمان **بقراط حکیم** است . سلیمان **عابد** است . **عبد**است ، **عبید** است ، **عاشق** است ، **شاه** است ، **شاعر** است ، **درویش** است ، **فیلسوف** است ، **مدیر** است و در همه اینها اولین است و بالاتر از همه اینها برپاکننده معبدی است که از پرفروغ ترین نقطه های تاریخ قوم اوست . مگر میشود اینهمه ویژگیهای گوناگون دریک فرد یکجا جمع آید ؟ درکجای تاریخ ملتها میشود کسی را چون او در عالم‌واقع یافت ؟

چرا . ملتها در «میتولوژی» خود دارند کسانی راکه انسان برتر و نیرومندترند . اما نه درتاریخ واقعی شان . و شاید وجود اینهمه صفات بیشمار است که اجباراً سلیمان را بدنیای افسانه ها کشانده و در ادبیات مذهبی دنیا صدها و هزارها افسانه درباره‌اش ساز کرده‌اند .

چطور میشود مردی درآن واحد هم کورش باشد هم حافظ و هم بقراط ؟ تازه ایکاش درهمین حد بود . اگر کورش بدنبال فتح دیگر ممالک میرفت تا شاهنشاهی خود را بگستراند این سران دیگر کشورها بودند که بدنبال سلیمان میرفتند . اگر حافظ به شاخ نباتش دل خوش داشت ، سلیمان غزلسرا حرمسرا داشت . و اگر بقراط آنچه راکه گفت دست زمان آنهارا شست و از یادها برد کتاب «امثال سلیمان» در تورا جائی جاودانه یافت .

سلیمان مظهر خوشبختی است ، با **ایوب** صدوهشتاد درجه فاصله دارد . درست در دو قطب مخالف . آنچه سلیمان از نیک بختی در زندگی‌اش دید و لمس کرد و حس کرد چنان فراوانست که حتی در وهم هم نمی گنجد ومردان روزگار در دنیای «فانتزی» خودشان یکصدم سعادت او را در اوهام و خیالات خویش هم نمی بینند . نمی توانند ببینند . مثل ارقام نجومی که بسیاری از اذهان از تصورش عاجزند !

اقبال سلیمان از همان جوانی می درخشید و چه درخششی که چشم را خیره میکرد ! پدرش **داود** ، مرد خودساخته‌ای که پشت **«گُلیات»** را بخاک نشانده بود و **پادشاهی یهودا** را بوجود آورده بود اجازه نیافت معبد را بسازد چونکه هرچند در راه آزادی ، خون دشمن را بزمین ریخته بود . جنگیده بود و مرد صلح نبود . ازمیان

هجده پسر او سلیمان بزرگترین نبود تا بی چون و چرا جانشین پدر شود . سلیمان برادران بزرگتر از خود هم داشت . اما بخت یارش بود و مادرش «**بت شبع**» درکنارش . هنوز داود زنده بود که سلیمان به پادشاهی اسرائیل برگزیده شد . و چه تصادفی برای سازنده معبد که می بایست صلحجو باشد . حتی نام او نشان از صلح داشت . سلیمان معرب «**شلمو**»ی عبریست و شلمو از **شالم** می آید . و بعد اقبال بزرگتر . شاهنشاهی یهود که از مرز مصر تا رود فرات گسترده شده بود حاضر و آماده در اختیار سلیمان ، پادشاه صلحدوست قرار گرفت . حالا دیگر زمان کامیابی بود و شادکامی . و مایه ها برای نقادان زندگی سلیمان آرام آرام جان میگرفت . چرا سلیمان هنوز پدر را از دست نداده پادشاهی را پذیرفت ؟ نمیتوانست صبرکند ؟ آیا او تشنه قدرت نبود ؟ نه نبود . نام نخست او ـ **یدیدیا** ـ مناسب حالش بود . **او دوست خدا بود و خدا دوست او** . خدا در رویای او هم سخنش شد و از او پرسید : «ازمن چه طلب میکنی؟» سلیمان عقل و خرد و فهم و دانائی طلب کرد . و خدا گفت : «می توانستی ثروت و قدرت طلب کنی . اما عقل و دانائی خواستی ، بتو عطا خواهم‌کرد و در سایه آن ثروت و قدرت را نیز بدست خواهی آورد»

وقدرت پادشاهی او بدانجا کشید که شاهان و حکام و فرمانروایان دیگر برای زیارتش به اورشلیم میرفتند و پسرانشان را به خدمت دربارگاه او می گماشتند . و ثروتش بدان حد رسید که درکنار معبد پرشکوه ، کاخی پر جلال نیز از برای خود ساخت و خادمان بسیار درآن برگماشت .

سلیمان ، در نخستین سالهای سلطنت ، همه مخالفان را بدست یاران از میان برداشت و پایه های سلطنت را چنان استوار کرد که کسی را یارای بلرزه درآوردن آنها نبود . سلیمان کامیاب ، کامروا هم می بایست میشد . عشق او به زن دستمایه دیگری برای ناقدان زندگی اوست . بویژه آنکه بسیاری از زنان او که در تاریخ از آنها نام برده شده یهودی نبودند . زنان او بیشمار بودند و بسیاری از ازدواجهایش از روی سیاست و مصلحت انجام می گرفت . برسم کهن آنزمان چون با قوم وملتی پیمان دوستی می بست دختر یا خواهر فرمانروای آن قوم یا ملت را بزنی میگرفت . ازدواج او با دختر فرعون آنهم بهنگامی که سرگرم ساختن معبد مقدس بود از بحث انگیز ترین بخشهای کتاب زندگی اوست .

افسانه هایی که درباره حکمت و خرد سلیمان گفته‌اند بسیاراست اما داستان کوتاهی هست که در تورا نقل شده و در واقعی بودن آن شک نمیتوان کرد . و آن داستان معروف دو زنی است که دریک خانه می زیستند و برای دادخواهی به نزد سلیمان رفتند . این دو زن همزمان با هم دو پسر زائیده بودند . شبی یک‌پسر مُرد ومادرش او را با پسر زن همسایه عوض کرد . فرزند مرده راکنار مادر دیگر خواباند و پسر زنده اورا برای خود برداشت . هردو زن در حضور سلیمان داد و فغان برمی آوردند که پسر زنده ازآن اوست . سلیمان لحظه‌ای اندیشید و دستور داد شمشیری بیاورند و طفل زنده را از نیمه بدونیم‌کنند و بهریک نیمی بدهند ! چه قضاوت بی پایه مسخره‌ای ! نیست ؟ اما مادر واقعی همینکه دستور سلیمان را شنید رنگ از چهره باخت و لابه‌کنان فریاد زد که : «نه ! نه ! بچه را من نمی خواهم» سلیمان دانست که او مادر آن کودک است و پسر را به وی داد .

گشایش معبد ، معبد مقدسی‌که طی بیست سال با صدها کارگر و سنگتراش و درودگر و پیکر تراش و افزارمند ساخته شده بود اوج ابهت و عظمت سلیمان است . بهنگام افتتاح لاویانی که مُغنی بودند با سنج ها و بربط ها و عودها وکرناها و دیگر آلات موسیقی آهنگها نواختند و سرودها خواندند و از شادی گریه سر دادند و بعد خاموش ماندند . خاموش خاموش ، سخنان سلیمان دراین مراسم نشانه توانائی او در سخنوری است ، او درآن لحظه که تمامی جماعت اسرائیل در سکوت محض ایستاده بودند دستهای خود را بسوی آسمان برافراشت و **گفت : ای ادونای ، ای خدای اسرائیل ، خدائی‌که چون تو نه در پهنه آسمانهاست ونه بر زمین بیکران ، سپاس بر توکه وعده‌ای راکه به داود داده بودی بدست پسرش به انجام رساندی ، خانه تو اینک آماده است . خداوندا !گناهان قوم خود اسرائیل را با دعا و تضرع آنان درخانه‌ای که بنام تو بناکرده‌ام عفو فرما . خداوندا ! ...**

تاریخ یهود به قهرمانان و شاهان دوره های درخشانش بسیار می بالد اما در میان همه آنان سلیمان مقامی دیگر دارد . او را دوست و دشمن بی هیچ گفتگو بزرگترین شاه اسرائیل دانسته‌اند . نبوغ او در اداره خطه عظیم فرمانروائی‌اش از نظر قدرت نظامی ، گسترش روابط بازرگانی ، مدیریت دولتی ، و برتر و مهمتر از همه برقراری استحکام مذهبی جای بحث نگذاشته است . او نیز چون دیگر

سازندگان و اداره کنندگان امپراطوریهای بزرگ متکی بـه نیروی نظامی خود بود و علاوه بر گروه سربازان پیاده نظام ، سواران و ارابه رانان بسیار داشت . با اینهمه حرص کشور گشائی نداشت و تنها برای حفظ نظم و اداره حکومت اسرائیل بود که از اینگونه تدابیر غافل نمی ماند ، برعکس به بسیاری از شهرها و مناطق دور و نزدیک خود مختاری داده بود و خود تنها نظاره گر آنان بـود . آیا اگر سلیمان صرفاً مردی هوسران و خوشگذران بود - چنانکه پاره‌ای گفته‌اند - بازهم در اداره حکومت گسترده‌اش اینهمه نظم و دقت داشت ؟ اما انتقاد از سلیمان همه جا هست . پاره‌ای از پژوهشگران گفته‌اند که قلمرو پهناوری که سلیمان برآن فرمـان مـیرانـد بسبب گماشتن یهودیان در پست های گوناگون شهرهای دوردست هسته مرکزی **گالوت یهودیت** را پدید آورد چه آنکه بعدها بسیاری از آن شهرها را حکومت اسرائیل از دست داد و یهودیان درآنها بدام افتادند !

یکی از رویدادهای حکومت سلیمان دیدار **ملکه سبا** از اوست . ملکه سبا بر سرزمینی عرب نشین که از دریای سرخ تا اقیانوس هند وسعت داشت فرمان میراند و کشور بزرگ او از نظر طلا و سنگهای گرانبها و گیاهان قیمتی بسیار غنی بود . سلیمان به جـاده بـازرگانی قلمرو سبا نیاز داشت و ملکه سبا نیزبرای فروش کالاهای خـود در ممالک حوالی مدیترانه از طریق بنادر اسرائیل به همکاری سلیمان نیازمند بود . ملکه با کاروانی که بارهایی گرانقیمت داشت به حضور سلیمان رسید . سبا محو عقل و دانش سلیمان شد و سلیمان عـاشق زیبایی‌سبا . اتحاد دیگری برقرار گردید و پیوند تازه‌ای پدید آمد !

دور بودن اندیشه سلیمان از تعصب مذهبی نیز از ویژگیهای بارز او بود ولی شاید دراین راه افراط مـی‌کرد تـا آن حـد کـه محققـان یهودی مذهب زندگی او ویرا در این زیاده روی نمی بخشند . اما مگر نه آن بود که او صلح و آزادی را دوست میداشت ؟ چرا . ولی آیا تا بدان درجه که اطراف پایتختش اورشلیم ، و نه در شهر مقدس ستایشگاهها برای خـارجیـان و هـیئت هـای بـازرگانی برپـا کـند ؟ ستایشگاههایی برای آنهاکه خدای یکتا را نمی پرستیدند ؟ انـدکی پس از حکومت سلیمان ، خشم یهودیـان چنـان افـروخته شـد کـه همگی آنهارامنهدم کردند . ولی شاید این رهبر نامدار فکری بالا و بزرگ داشت . سلیمان از راه صلح و آرامش و نه با جنگ و شمشیر و نیرنگ می خواست به آرامی دیگران را به یهودیت بکشاند . بی جهت نبود که در سخنان خود بهنگام گشایش معبد نه تنها از خدای یکتا برای بخشایش قوم اسرائیل کمک خواست بـلکه عـاجزانـه از خداوند طلبید که بیگانگانی راکه از دور دستها به اورشلیم می‌آیند مدد کند و آنهارابه ستایش از او برانگیزاند . آیا سلیمان میکوشید از طریق یک جهان بـینی عـملی - و نـه تـئوریک - **گـسترانـنده یهودیت در سطح جهانی** باشد ؟ اگر نه پس چراموقع گشـایش معبد همچنان که سر بسـوی آسمـان داشت گـفت : **«و نـیز ، ای ادونای ، غریبی که از قوم تو اسرائیل نباشد و بخاطر اسـم عظیم تو و دست قوی و بازوی افراشته تـو از زمـین دور آمده باشد و بسوی این خانه دعا نماید ، آنگاه از آسمان که جایگاه تست دعای اورا بشنو و آنچه را آن غریب نزد تـو استغاثه نماید بپذیر تا جـمیع قومهـای جهـان اسـم تـرا بشناسند»**

قدرت سلیمان ، از هر زاویه و جهت که به آن نگاه کنیم ، چه از نظر خرد و فلسفه و چه نیروی فرمانروایی یا جهات دیگر بـدانـجا رسید که اندک اندک در افسانه های دیگر ملل از او قدرتی ماورای طبیعت بوجود آمد و این افسانه ها ، بیشتر در ادبیات عرب و فارسی رواج یافت . درقرآن از او و بلقیس (مـلکه سبـا) یـاد مـیشود و در بسیاری از داستانها و اشعار عـربی و فـارسی سلیمـان یـک مـوجود افسانه‌ای حیرت انگیز است . افسانه **«قالیچه حضرت سلیمان»** که در دنیای غرب هم معروف است ریشه در ادبیات عـرب دارد . در داستانهای هزارویکشب این سلیمان است که با نیروی خارق العـاده خود جن را درون تنگ می کند در آنرا می بندد و تنگ را بدرون دریا می اندازد .

زمانی که **عیسی** را **«پسر داود»** خواندند بدین معنی نبود که او از اعقاب داود بود بلکه می خواستند وی راهمپای سلیمان پسر دیگر داود بدانند که هیچ نیروی اهریمنی توانائی مقابله با او را نداشت !

قدرت سلیمان خالق افسانه هاست ، با اینهمه شگفت نیست که همین قدرت افسانه‌ای به حکم قانون طبیعت روزی رنگ سقوط و زوال و نیستی را می بیند . پایان کـار سلیمـان اسـف انگـیز است . ثروت سرشار و نیروی بی حد عاقبت کار خودش را می کند . فشار مالیاتها و توزیع غیر عادلانه ثروت ملی در آخرین سالهای سلطنت او درست عمل نمیشود . شاکیان روز افزونند ، بذر حسد و عداوت در قبایل شمال نسبت به قبایل جنوب کاشته میشود امـا کـسی را در

زمان حیات سلیمان جرات شکایت نیست .

آنچه که خشم خدا را بشدت علیه سلیمان برانگیخت نافرمانی‌اش از دستور صریح خداوند بود که می گوید : با موآبیان و عمونیان و ادومیان و صیدونیان و حتیان درنیامیزید مباداکه شما را به پیروی از خدایان خود مایل گردانند .

اما سلیمان با زنانی از این قبایل ازدواج کرد ! باور ناکردنی است آنکه معبد مقدس را ساخته و آن سخنان جاودانی را بر زبان رانده دستورات خدا را نادیده می گیرد . گفتیم‌که . سلیمان و زندگی‌اش معما است و مردم دنیا در گشودن رازهای سلیمان چنان عاجز ودرمانده‌اند که از ناچاری اورا به عالم افسانه ها کشانده‌اند ، چه یهودیان وچه غیر یهودیان .

خدا بخاطر نافرمانی‌اش از او روی برمی تابد . «خشم خداوند بر سلیمان افروخته» میشود و به او میگوید بزودی قلمرو فرمانروایی او را بدوپاره خواهد کرد . حکومت چهل ساله‌اش رو به افول می گذارد . و **افسانه‌ای دیگر** : شیطان سلطنت را از سلیمان می رباید ، خود بر تخت می نشیند و دقیقاًمثل سلیمان عمل می کند و سخن میگوید . کسی از این تغییر آگاه نیست . سلیمان دربدر و آواره و ژنده پوش میشود . خانه بخانه در میزند و عاجزانه میگوید : «آنی شلمو ! من سلیمانم !» مردم‌مسخره‌اش می کنند و او را چون گدائی نیمه دیوانه ازخود دور . و او همچنان فریاد برمی‌آورد که :«من سلیمانم !» ومی شنود که : «نه ای بخت برگشته ! سلیمان در اورشلیم برتخت شاهی نشسته . تو سلیمان نیستی»

و او دیگر سلیمان نبود . کارش به پایان رسیده بود . تمام شده بود . پس از مرگش حکومت پرجلالش نیز سقوط کرد و آنچه از او ماند متن دعای بلند او بود بهنگام گشایش معبد **وکتاب امثال** او و **غزلهایش** که همه در تورا مقام جاودانگی یافته‌اند . امثال سلیمان سرشار است از پندها و گفته های حکمت آمیز که هر عبارتش جای تفکر و تعمق بسیار دارد : «**لقمه‌ای خشک با سلامتی بهترازخانه پراز ضیافت و مملو از دشمنی است**» یا «**مرد رحیم به خویشتن احسان می نماید**» و یا «**جواب نرم خشم را برمی گرداند**» و...و... عبارات سی ویک باب امثال اورا باید یک بیک خواند . عمیق خواند و درباره‌اش اندیشید .

و اشعار او ، غزلهای او ، ترانه های او ، سروده های او نیز همچون زندگی او محور حرفها و بحثهای بسیار بوده‌اند . باز چه از جانب یهودیان و چه از جانب غیر یهودیان . خیلی کوشیده‌اند که احساس سلیمان را به زن در غزلهایش منکر شوند و جایش عشق و ستایش دیگری را عنوان کنند . اما این کوششها باید رنگی از سالوس و ریا داشته باشد . سلیمان میداند که در کتاب مقدس او سخن از جهنم و بهشت و حوریان و زیبارویان بهشتی نیست . شعر او شعر زندگی است . شعر طبیعی است . آلوده به گناه نیست . زیبا پرستی و جمال پرستی او در غزلهایش درست چیزیست که طبیعت در وجود آدمی نهاده است . بی جهت نیست که غزلهای او را در تورای مقدس جای داده‌اند چراکه تورا با زندگی روی این خاک سروکار دارد و نه با عالمی دیگر .

آنچه را سلیمان در غزلهایش ماهرانه از زن ترسیم می‌کند بقدری ظریف و زیباو هنرمندانه است که خواننده بی اراده با ونوس و آفرودیت و هرگونه الهه زیبایی دیگر بیگانه میشود و واقعیت ملموسی پیوند خورده با زندگی را پیش روی خود می بیند . برخلاف آنچه ناقدان گفته‌اند و برای گریز از نقدها و ایرادها کوشیده‌اند وصله های دیگر به غزلهای سلیمان بچسبانند ، اشعار او رنگ شهوت و تن پرستی ندارد . بلکه سرشار است از احساس لطیف انسانی : «**ای دختران اورشلیم شما رابه غزالها و آهوان صحرا سوگند ، محبوبه مرا از خواب بیدار مکنید !**» همین بند کوتاه به تنهایی خود شاهکار جهانی «**زیبای خفته**» را بیاد می آورد و شور **سمفونی چایکوفسکی** را در دل زنده می کند .

کشیشان مسیحی ، قرون متوالی ، در برابر غزلهای سلیمان با مشکل بدتری روبرو بودند چراکه زن و ازدواج در کیش آنان حرام بوده و ستایش زن را در غزلهای سلیمان باید بشکلی دیگر تعبیر و تفسیر می کردند . و چنین هم کردند . متوسل به عرفان مسیحیت شدند . گفتند سروده های سلیمان به ازدواج روحانی مسیح با پیروانش اشاره دارد ! گفتند غزلهای او از رابطه فردی روح به عنوان عروس مسیح باخود مسیح سخن میگویند ! و این گفته ها قسمتی بزرگ از تفاسیراشعار سلیمان رادرجهان مسیحیت دربرگرفته است .

می بینید ؟ سلیمان نه تنها خودش معمای حل ناپذیر است بلکه بسیاری از آدمیان را نیز دچار گیجی و درماندگی کرده است . تا بدانجاکه از فشار سرگشتگی خود معماهای شگفت انگیز دیگر خلق می کنند !

امنون نتصر

یادداشت ها

مقاله پنجم

۱۱. فارسی - یهودی (Judeo-Persian)

این عنوان را دانشمندان اروپائی، که در زبانشناسی ایرانی تخصص دارند، برای آنچه بخط عبری وزبان فارسی نوشته شده، برگزیده اند. بنابراین فارسی - یهودی زبان کتابت است ونه مکالمت. باین زبان بیش از هزار نسخه خطی در کتابخانه های معروف جهان محفوظ است. گویا بهمین تعداد نسخ خطی در خانه های شخصی نگهداری میشود. نگارنده در ظرف بیش از ربع قرن تمام نسخه های خطی محفوظ در سراسر کتابخانه های دنیا، بجز کتابخانه پطرسبورگ، را قرائت کرده ویادداشت برداشته است. مطلب مورد بحث در مقدمه کتابی تحت عنوان **منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران** در سال ۱۹۷۳ در تهران چاپ گردیده، واین مقدمه بصورت گسترده تر در کتابی بعبری در باره نسخ خطی مؤسسه بن صبی در سال ۱۹۸۲ در اورشلیم بچاپ رسیده است. کوشش میشود آنچه در این مقدمه ها آمده در اینجا تکرار نگردد.

چنین بر میآید که یهودیان ایران در سده های نخستین زندگی در سرزمین ایران مطالب خود را بزبان آرامی مینوشتند وباحتمال قوی بهمین زبان نیزسخن میگفتند. امکان دارد کسی که کتاب معروف «طوبیا» را در دورهٔ معبد دوم نوشته یک یهودی ایرانی بوده است. باستناد گفته راب یوسی (وفات ۳۲۳ میلادی) در تلمود (בבא קמא, برگ ۸۳ صفحه اول) احتمال اینکه یهودیان ایران در دوره ساسانیان بزبان فارسی سخن میگفتند بسیار زیاد بنظر میرسد. طبق نظریه استاد هنینگ، بزرگترین ایرانشناس قرن ما، یهودیان ایران حتی در دوره ساسانیان فارسی را با کلماتی مخلوط به عبری وآرامی اداء میکردند (رک به: Handbuch der Orientalistik, vierter Band, Leiden 1958, p. 79.

زبان تات، زبانی را که برادران یهودی ایرانی ساکن قفقاز بدان تکلم میکنند، ونگارنده سلسله مقالاتی در بارهٔ این یهودیان در ماهنامه **شوفار** نیویورک انتشار میدهد، قدمت بیشتری نشان میدهد. ازینرو این احتمال در نظر گرفته میشود که شاید یهودیان ایران حتی قبل از برپائی سلسله ساسانیان بزبان فارسی سخن میگفته اند.

این سئوال که از چه زمانی یهودیان ایران نوشتارهای خود را به فارسی - یهودی مینوشتند پاسخ دقیقی ندارد. طبق روایتی، باستناد نوشته تلمود، این احتمال میرود که شاید کتاب استر بیکی از زبانهای ایرانی برگردان شده است. در هر صورت نکته ای که لازم به یادآوریست اینست که زبان کتابت بفارسی زبانیست دری که در ناحیه فارس معمول بوده ولی بعللی که با حمله عرب ارتباط دارد در خراسان بزرگ، خصوصاً در دوره سامانیان، تجدید حیات یافته است. شادروان خانلری در این مورد به نکات جالبی اشاره میکند (رک به **تاریخ زبان فارسی**، جلد اول، ص ۲۷۱ والخ). واما یهودیان ایران که ضربت اولیه اعراب بر آنان گویا کمتر کارگر بوده، بعبارت دیگر کمتر از جای خود تکان خوردند، زبان نوشتاری (فارسی - یهودی) با خصوصیاتی مغایر با فارسی کلاسیک از خود بجای گذاشته اند. بقول **ده لاگارد**، ایرانشناس آلمانی قرن گذشته، کسی که فارسی - یهودی نیاموخته نمیتواند آنطوریکه شاید وباید تخصصی بر زبانشناسی ایرانی بیابد (رک به: Paul de Lagarde, *Persische Studien,* (Abhandlungen der Gesellschsft der Wissenschaften, 31), Göttingen 1884, p. 68.

این بحث کوتاه را با این اشاره به پایان میبریم که نخستین سند یافت شده بزبان فارسی سندی است که بفارسی - یهودی در اواسط قرن هشتم میلادی نوشته شده است. عکس این سند را نگارنده در کتاب **تاریخ یهود در عصر جدید**، صفحه ۲۲۴ منتشر کرده است. اصل آن در کتابخانه سلطنتی بریتانیا در لندن محفوظ است.

۱۲ ـ تلمود وایرانولوژی

همانطور که در بالا اشاره رفت عکس آن نیز در مورد متخصصین تلمود صادق است، باین معنی که کسی نمیتواند خود را پژوهشگر کامل در مبحث تلمود شناسی بداند بدون اینکه اطلاعاتی در رشته ایرانشناسی بمفهوم وسیع آن کسب کند. عنوان بالا را مخصوصاً «ایرانولوژی» نام نهادیم تا این رشته را با رشته ای که با ایران امروز در تاریخ وادبیات ارتباط دارد جدا سازیم. رشته ایرانشناسی در مفهوم وسیع آن رشته ایست بسیار مشکل که پژوهشگر آن میباید علاوه بر تسلط بر

زبانهای ایرانی، ادبیات وتاریخ ایران اسلامی وایران قبل از اسلام، اطلاعات گسترده ای در رشته های زبانشناسی هند واروپایی خصوصاً سانسکریت، یونانی قدیم ولاتین کسب کند. از همه اینها مشکلتر تخصص در رشته زبان است که آموزش هر یک از آنها سالیان درازی وقت میخواهد. در این مورد مرحوم هنینگ یکی از این نوادر دوره ما بود. با وجود احترامی که بنده به کتب فراوانی که هرماه در باره ایران مدرن چاپ میشود میگذارم، نمیتوانم از اشاره باین موضوع خودداری کنم که دانشمندان پژوهشگر در رشته ایرانولوژی اگر بتوانند در عمر خود یکی دو کتاب در رشته زبانشناسی منتشر سازند کاری بس ارزنده وتحسین برانگیز انجام داده اند. بنابراین آنچه باید خواننده دور از تحقیق را به تحسین وادارد تعدد انتشارات نیست بلکه موضوع ورشته مورد پژوهش است. تحقیق مشترک در تلمود ومباحث ایرانی از جمله این رشته هاست. یادآوری نام شادروانان دانشمندی چون رلاندوس، فلایشر، تِلِگدی و گایگر در این مورد لازم مینماید. در دوره ما رویهمرفته تعداد این دانشمندان ازشماره انگشتان یک دست تجاوز نمیکند. مرحوم پروفسور روزنتال، که از دوستان نزدیک نگارنده بود، در نظر داشت این رشته را تحت عنوان Talmudica Iranica وسعت بدهد ولی زیر فشار کار زیاد کمر خم کرد واز این جهان جامه بر بست. در هر صورت، صفحات تلمود، که خود گنجینه ایست گسترده وبی همتا، سرشار از مطالب ایرانیست که ما گاه بگاه در یادداشتهای خود از آنها یادی خواهیم کرد. در ارتباط با این موضوع یادآور میشویم که در سالهای اخیر بابتکار پروفسور شائول شاکد ونگارنده کنفرانسهای بین المللی در زمینه رابطه دو فرهنگ ایران ویهود از آغاز تا امروز در شهر اورشلیم برگزار میشود. در این کنفرانسها استادان طراز اول در رشته ایرانولوژی ویهودیت به مفهوم گسترده آن از سراسر دنیا شرکت میکنند. مجموعه سخنرانیها بزبانهای اروپائی در کتابی بنام Irano-Judaica چاپ ومنتشر میشود. هم اکنون سومین جلد این کتاب به کمک همکیشان لس آنجلسی زیر چاپ است.

۱۳ ـ پژوهش در بارهٔ یهودیان ایران

گرچه در نظر داریم این یادداشتها بصورت پراکنده در این ماهنامه منتشر گردند، واین در واقع ماهیت هر نوشتاری تحت عنوان «یادداشتها» ست، ولی بی مناسب نیست این مقاله را با یادداشتی متجانس بپایان بریم.

یادداشتها

این رشته شامل پنج بخش زبانشناسی، ادبیات، تاریخ، هنر وفولکلورست که پژوهش در هرکدام آنها مستلزم تسلط بر بسیاری از رشته های مختلف است. مشکلترین اینها پژوهش در مبحث زبانشناسی است که احاطه بر آن یعنی تسلط بر بسیاری از زبانهای ایرانی واروپایی مرده وزنده؛ افزوده بر آن، پژوهشگر باید زبانهای قدیم وجدید عبری وآرامی وعربی را، که شاخه هایی از زبان پروتوسامی هستند، بداند. بعبارت دیگر، تحقیق در زبانشناسی یهودیان ایران حتی مشکلتر از پژوهش در زبانشناسی ایرانی است. این تحقیقات در تمام بخشهای مذکور باید در سه مرحله انجام بگیرد: ۱) جستجو وجمع آوری منابع؛ ۲) دسته بندی سیستماتیک وپژوهش در هر کدام آنها؛ ۳) چاپ وانتشار حاصل این تحقیقات.

۱) بعلت پراکندگی وحتی فقدان منابع، پژوهشگر باید از یک طرف سالها وقت خود را در شهرها ودهات ایران ومجامع تمرکز ایرانیان صرف نماید، واز طرف دیگر درکتابخانه های معتبر دنیا بنشیند وبجستجو بپردازد. برای نمونه، باوجود مطالعه وکند وکاو صدها کتاب ومقاله، تا امروز گوشه هایی از تاریخ یهود ایران در تاریکی باقی مانده است. کسی نمیداند در دوره تیموریان چه بسر جوامع یهودی ایران آمده است. حتی تاریخ یهودیان مشهد، که در باره آنها نسبتاً تعدادی سند موجود است ومقالاتی چند برشته تحریر درآمده، بسیاری از مطالب آن بصورت معما لاینحل مانده است.

۲) مرحله پژوهش نیاز به تشکیلات وسیع دارد وگرنه کار به کندی پیش میرود. گاهی بسیاری از مطالب گردآمده بریده وناتمام در گوشه ای قرار میگیرد، چون از یکسو باندازه کافی ابزار کار ونیروی انسانی در اطراف نیست که باین کار مهم رسیدگی بشود، واز سوی دیگر در مطالب جمع آوری شده نواقص ونارسائی هایی پیدا میشود که درکار پژوهش وقفه ایجاد میکند. اینها را باید بایگانی کرد تا نسلهای آینده دنباله این کار را بگیرند ومبحث مورد پژوهش را باتمام برسانند.

۳) مرحله سوم گرچه آسانترین وشاید زیباترین وپراجر ترین مراحل است ولی اگر امکانات مالی در میان نباشد این مرحله زیبا به یک دوران خون جگر خوردن وتأسف وناکامی وپاداش نیافتن از سالها رنج ومشقت تبدیل میشود.

به ویترین کتابفروشی ها نگاه کنید! صدها کتاب بزبانهای مختلف در باره ایران امروز می یابید. اگر کسی بخواهد در باره رضا شاه، محمدرضا شاه، خمینی، کشاورزی، احزاب، فرهنگ، نخست وزیران، جنبشهای کارگری وسیاسی، قبایل وعشایر وهر مطلبی دیگر مربوط به ایرانِ صد یا صد وپنجاه سال اخیر تحقیق کند دستیابی به صدها هزار وشاید میلیونها مطلب وگزارش مطبوعاتی ورادیویی وغیره برای وی آسان است. یک محقق چیره دست میتواند سالی دو سه کتاب در اینگونه موارد بنویسد وحجم نوشته های خود را برخ دیگران بکشاند. ولی پژوهشگری که کارش تحقیق در اژپیتولوژی، یا آشورولوژی یا ایرانولوژی یا همین مبحث خسته کننده ودرد آور، کم منبع جانکاه (واز نظر مالی خانه خراب کن) یهودیان ایران است اگر بتواند حاصل پژوهش خودش را در چند صفحه در سال منتشر کند در نظر اهل ادب وپژوهشگران حقیقی واستادان حرفه ای کاری بس تحسین برانگیز انجام داده است. درد ورنج چنین پژوهشگر موقعی دو چندان میگردد که برای پیشبرد کارهای پژوهشی اش ناچار گرفتار عده ای میشود که از اینگونه کارها سر در نمیآورند. دلم میخواهد شما فرصتی میداشتید به قیافه پر از تنفر ودر عین حال پر از تأسف وترحم چنین پژوهشگری نگاه کنید وقتی از کسی میشنود:

آقا بنویس. . . !

بازنویسی : ژانت کدخدازاده

قشری گری و عرفان در یهودیت

سخنرانی دکتر میترا مقبوله در مجتمع فرهنگی ارتص

صحبت کردن برای هر گروه ، کاریست بسیار مقدس . وقتی که برای گروهی صحبت میشود باید واقعاً از خداوند خواست که گوینده گدای محبت نباشد و برای جلب محبت و نظر مثبت مردم صحبت نکند .

صحبت من در مورد یهودیت هست . واقعاً یهودیت چیست ؟ آیا ما واقعاً از یهودیت چقدر آگاهی و مطالعه داریم ؟ آیا فقط به کنیسا رفتن و قوانین کشروت را حفظ کردن یهودیت است ؟ آیا فقط چلو آبگوشت شب شبات تهیه کردن یهودیت است ؟ (یا بقول من یهودیت چلو آبگوشتی.) و یا یهودیت آگاهی و مطالعه راجع به دین یهود هست ؟ اینجاست که ازخود سئوال میکنم که آیا واقعاً ما علاقه داریم که نسل جوان و فرزندان ما با دین یهود آشنائی و درمورد آن آگاهی داشته باشند ؟ در صورتیکه خود ما شاید در هفته حتی چند ساعتی هم راجع به دین و فرهنگ یهود مطالعه نمیکنیم .

در اینجا بد نیست که چگونگی آشنایی و علاقه خود را به دین یهود با شما درمیان بگذارم . دختری ده ساله بودم که دریک مدرسه عمومی در تهران به دبستان میرفتم . خانواده من خیلی مذهبی نبودند مادر بزرگ من که خدا رحمتش کند زنی بسیار خیرخواه و نیک اندیش و درمیان جامعه ایرانی چهره‌ای شناخته شده بود . اصرار فراوانی داشت که من حداقل برای یک بار که شده به کلاس عبری آقای **زرگری** بروم و بالاخره بارشوه گرفتن کیک مورد علاقه‌ام قول دادم که یکبار کلاس عبری را امتحان کنم . آقای زرگری درهمان جلسه اول صحبت هایی کردند که مرا بشدت تحت تاثیر قرار دادند . بعداز یادگرفتن الفبای عبری نوبت به تعریف کردن داستانهای تورات رسید و اولین داستان که مربوط به آدم و حوا میشود و به اینجا رسید که خدا آدم وحوا را از خوردن میوه درخت ممنوعه منع کرد ولی همانطور که میدانیم ، مار آدم وحوا راگول زد و از میوه خوردند و به خود نگاه کردند و دیدند که برهنه و عریان هستند وباید خود را بپوشانند . اینجاست که خداوند آمد به باغ بهشت و درحالیکه مشغول قدم‌زدن بود از آدم و حوا پرسید کجا هستید ؟

راشی که یکی از مفسرین‌بزرگ داستانهای تورات هست اینجا سئوال میکندکه خدائی که ما میدانیم‌کمال دانایی و قدرت است چه احتیاجی داشت که از آدم و حوا بپرسد کجا هستید ؟ منظور از این سئوال چیست ؟ و باز **راشی** در پاسخ میگوید «**خداکاملا آگاهی داشت که آدم و حوا از میوه درخت ممنوعه خورده‌اند و شرم‌زده و خجالت زده هستند ولی بخاطر احترامی که برای انسان قائل هست نمی خواست که سر زده وارد بهشت شود** بلکه میخواست به آدم و حوا فرصت دهد که خود را بپوشانند و برای حریم‌زندگی خصوصی آنها احترام قائل بود ، خدا تا این حد برای مخلوقات خود احترام قائل هست ، حتی بعد از اینکه میدانست آنها مرتکب گناه شده‌اند . همان موقع بودکه من به خود گفتم چنین خدائی شناختن دارد و من باید خدا را بشناسم نمونه دیگری از این موضوع مربوط به سریال تلویزیونی «GROWING PAIN» هست ، میدانیم که برای نوشتن این برنامه ها معمولا از راهنمایی روانشناس های با تجربه استفاده میشود . در یک برنامه قصد داشتند ماجرایی را در مورد یک‌پسر شانزده ساله که پدر و مادرش شک‌داشتند که پسرشان ماری‌جوانا و شاید مواد مخدر دیگر استفاده میکند بنویسند . کارگردان این داستان را به این‌صورت نوشته بود که وقتی این مرد جوان به مدرسه میرود پدرومادرش به اتاقش بروند و شروع به جستجو و تفتیش کنند برای پیداکردن مواد مخدر . این موضوع را بایک روانشناس که یهودی بود و با تورات آشنایی و آگاهی داشت درمیان گذاشتند . روانشناس با نظریه کارگردان مخالفت میکند و میگوید اگر این نظریه را به روی صحنه بیاورید نشان دهنده این

است که پدران ومادران احتیاجی ندارند که برای حریم زندگی خصوصی (PRIVACY) فرزندان خود احترام قائل باشند و این پیغام درستی برای بیننده نیست . روانشناس مزبور سپس افزود که بهتراست که ما از داستانهای تورات الهام بگیریم و همانطور که خدا برای آدم وحوا از ارتکاب جرم احترام قائل شد ، همین طور هم پدران و مادران باید این احترام را برای فرزندان خود داشته باشند . سوژه داستان عوض میشود . پدر و مادر با فرزند خود صحبت میکنند و از او میخواهند که واقعیت را با آنها درمیان بگذارد و داستان بخوبی و خوشی تمام میشود .

این یک نمونه از تفسیر داستانهایست که در تورات آمده . تفسیر داستانهای تورات و علم‌کبالا مانند گنجینه‌ای است بسیار پرارزش با معانی بسیار عمیق که در واقع برای رشد روحی انسان کمک بسیار بزرگی بشمار میآید . **متاسفانه ما یهودیها به‌وجود این گنجینه واقف و آگاه نیستیم و از فرزندان خود میخواهیم که فقط با انجام دادن یکی دو عمل یهودی بودن خود را حفظ کنند و** متاسفانه گهگاه مشاهده شده که فرزندان ما که تشنه معنا هستند ، و با انجام دادن فرامین مذهبی هنوز سیراب نشده‌اند به گروه ها و فرقه های دیگر ملحق میشوند که این باعث تاسف است . البته من بهیچوجه مخالف نیستم که به گروه ها و فرقه های دیگر اجازه ابراز وجود بدهیم . **جهان ما مانند یک سوپر مارکت است . ما باید فرزندان خود را با دین یهود آشنا سازیم و درعین حال تمام ایده‌ئولوژیها و تمام افکار و ادیان دیگر هم باید در دسترس مردم باشد** وباید حق انتخاب داشته باشند منجمله حق انتخاب دین یهود . ولی آیا چند نفرازما آگاهی راجع به دین یهود داریم که میتوانیم بحثی قشنگ راجع به فرهنگ و دین یهود با یک غیر یهودی داشته باشیم بدون اینکه آنهارا ناراحت کنیم و یا اینکه بخواهیم که آنهاراتشویق کنیم که به دین ما روی بیاورند . ولی آیا واقعاً چند نفر ازما به این مسئولیتی که خداوند به عهده ما گذاشته و گفته است نوری باشید درمیان اقوام ، عمل می کنیم ؟

اگر دقت کنیم می بینیم که متاسفانه تعداد بسیار کمی از ما . من معتقدم‌که اگر یهودیت را وارد سوپر مارکت ایده‌ئولوژیهای و فرهنگ ها و عقاید و ادیان بکنیم و بطور درست این کاررا انجام دهیم چه بسی نه تنها جوانهای خود را علاقمند میکنیم بلکه غیر یهودی هارانیز میتوانیم علاقمند بکنیم . نه بخاطر اینکه آنهارا یهودی کنیم . هرگز به ما نگفته‌اند که اقوام دیگر را به یهودیت بیاوزیم وگرنه ممکن است به جهنم بروند ولی به ما گفته‌اند که اگر حکمتی در فرهنگ و دین یهود هست بگذاریم‌که بقیه هم ازآن بهره‌مند شوند و بهیچوجه منظور این نیست بقیه باید به دین یهود روی بیآورند بلکه منظور این است که بقیه نیزباید ازآن بهره‌مند شوند و برای بهبودزندگیشان ازآن استفاده کنند .حال میخواهیم بدانیم که **یهودیت قشری و یهودیت عرفانی** چیست ولی قبل از اینکه به بیان این موضوع برسیم بدنیست که داستان کوتاهی برایتان تعریف کنم . یک خانم یهودی برای دیدن یک مرشد به هندوستان میرود با هزارویک زحمت و صبر بسیار میرسد به بالای کوه که با مرشد صحبت کند ولی دربالای کوه به او میگویند که مرشد دیگر امروز کسی را نمی بیند و بهتراست که برود و فردا صبح برگردد ولی این خانم یهودی اصرار میکند و بالاخره به او اجازه میدهند که مرشد را ببیند و بمحض اینکه مرشد را می بیند میگوید «ننه ، آلبرت جون بیا خونه دیره ، شب شده»

این یک واقعیت است ، بسیاری از مرشدهای هندی ، یهودی الاصل هستند و بعضی ها مانند «**رام داس**» دوباره به یهودیت برگشتند .

اکنون میخواهم راجع به یهودیت صحبت کنم و این سئوالات مطرح‌میشود

آیا یهودیت یک نژاد است ؟

جواب منفی است . کما اینکه یهودی سفید پوست ، سیاه پوست ، زرد پوست و درخاور دور ، ژاپن نیز یهودی داریم . کما اینکه درکشور اسرائیل از همه نژاد می بینیم . بنابراین می بینیم که یهودیت یک نژاد نیست .

آیا یهودیت فقط یک مذهب است .

خیر یهودیت فقط یک مذهب نیست . بطور مثال وقتی شما بخواهید مسیحی باشید باید به حضرت مسیح اعتقاد داشته باشید وگرنه مسیحی نیستید . درمورد دین اسلام اگر رسالت حضرت محمد را قبول نداشته باشید شما مسلمان نیستید . دربعضی از مذاهب اگر خدارا قبول نداشته باشید شما متعلق به آن مذهب نمیشوید . درحالیکه در **یهودیت حتی اگر به خدا اعتقاد نداشته باشید و موسی را قبول نداشته باشید وقوانین کشروت را حفظ نکنید بازهم یهودی محسوب میشوید زیراکه ازمادر یهودی**

به دنیا آمده‌اید و تاموقعی که تغییر مذهب نداده باشید یهودی محسوب میشوید .

حال کم‌کم داریم به پیچیدگی دین یهود پی می بریم .

سئوال سوم من این است که

آیا یهودیت یک ملیت است ؟

خیر ، یهودیت فقط یک ملیت نیست . کما اینکه ما ایرانی هستیم ولی یهودی نیز میباشیم .

اصولا خود کلمه «یهود» چیست ؟ یهود از کلمه «یهوه» به معنی خدا میآید حتی در اوستا کلمه «هُوَه» یعنی‌کسی که منظور الهی دارد کما اینکه کلمه «بیهوده» به معنی بی غرضی و یا بی منظوری میباشد .

سئوال دیگر من این است که

آیا یهودیت فقط یک فرهنگ است ؟

پاسخ منفی میباشد . پس شاید بتوانیم یهودیت را اینگونه توصیف کنیم :

یهودیت یک جهان بینی و طرز نگرش به دنیا و زندگی است که رابطه اصلی این جهان بینی ، رابطه انسان و خداوند میباشد .

حال که واژه یهودیت را توصیف‌کردیم بهترمیتوانیم در مورد سه سئوال درمورد یهودیت جواب بدهیم .

سئوال اول این است که چه عنصری باعث شده که یهودیها میتوانند حتی در بدترین شرایط ۴۰۰۰ سال دوام بیاورند . اگر کسی میتواند راز این سئوال و پاسخ این سئوال را داشته باشد جزو یکی از معروفترین نوابغ جامعه شناسی ، انسان شناسی ، دین شناسی بشمار میآید ، زیرا تابحال کسی نتوانسته پاسخ این سئوال را بدهد .

سئوال دوم این است که چرا دین یهود دارای نوابغ زیادی میباشد و چرا قدرت خلاقیت دربین یهودیان بیشتر است . هیچ جنبش بزرگی درجهان نیست که یهودیان رل بزرگ و اساسی درآن اجراء نکرده باشند آیا واقعاًدلیل اساسی چیست ؟ **بنابراین دین‌وفرهنگ و زندگی یهودیت باید دارای ارزشی باشد که بتواند چنین قدرتی را داشته باشد .**

حال ببینیم‌که کلمه قشری بودن و قشر دارای چه معنی میباشد . **یهودیت قشری چیست ؟** کلمه قشر بمعنی پوسته میباشد . مانند پوست خربزه که قشر خربزه میباشد ، مانند گردو که پوست و قشر دارد . قشر در جای خود و بموقع خود بهیچوجه چیزبدی نیست . اما موقعی باعث اشکال میگردد که قشر هسته را بپوشاند و مانع استفاده از هسته میشود . در اینجا بد نیست بیکی از اشعار مولاناگوش کنیم

گاودربغداد آیدناگهان
می رود ازاین کران تاآن کران
زان همه عیش وخوشی هاومزه
او نبیند غیر قشر خربزه

یعنی گاو فقط از پوست خربزه لذت می برد و توجه نمیکند زیبائی های بغداد را ببیند .

وقتی‌که انسان قشری میشود و به ظواهر امر توجه میکند متاسفانه هسته و معنای یهودیت را نمی بیند و از نظر روحی تشنه وگرسنه می ماند دراینجا بد نیست به این داستان توجه کنیم یک‌کشیش‌کاتولیک در زمان «**تفتیش عقاید**» سعی زیاد میکرد که یک فرد یهودی را به طرف عقیده کاتولیکیزم مجبور کند . از جمله روزی با یک ربای یهودی که کبالیست هم بود برخوردکرد و بعد از صحبت بسیار راجع به مزایای دین مسیحی و کاتولیک مقداری آب مقدس به سر ربای یهودی ریخت و گفت که تو ازاین لحظه به بعد کاتولیک هستی و در روز جمعه بجز گوشت ماهی نباید از هیچ گوشت دیگری استفاده کنی . چند هفته بعد کشیش کاتولیک حوالی ظهر رفت به منزل ربای و مشاهده کرد که ربای مشغول خوردن یک‌مرغ بریان میباشد با اشتهای فراوان . کشیش‌با صدای بلند و ناراحت به ربای گفت مگر من بتو که کاتولیک شده‌ای نگفتم که در روز جمعه بجز ماهی نباید هیچ گوشت دیگری بخوری پس‌چرا داری گوشت مرغ میخوری ؟ ربای روی به کشیش کاتولیک‌کرد و گفت شما هیچ ناراحت نباشید . یادتان هست که شما روی سرمن چند قطره آب مقدس پاشیدید و مراکاتولیک کردید بنده هم چند قطره آب مقدس به مرغ زدم و مرغ تبدیل شد به ماهی .

این نمونه‌ای است ازطرز فکرقشری بودن .انسان قشری کسی هست که ظواهر را درنظر میگیرد و برای تشخیص دادن مذهبی بودن کسی بیشترظواهر را درنظر میگیرند . نکته دیگری که خیلی مهم هست این است که قشری بودن فقط مخصوص مذهب نیست . دربین علماء و دانشمندان هم قشری بودن دیده میشود . دانشمندی بنام «ساموئل وایز» که حدود چند دهه قبل ازپاستور زندگی میکرد به دانشمندهاو دکترهای دیگر گفت که یکی از عوامل اصلی مرگ زنان بعد

اززایمان ، یا مرگ بیمار بعد از جراحی ، آلودگی دست پزشکان میباشد و افزود که ذرات بسیار ریزی وجوددارند که باعث عفونت و نهایتاً باعث مرگ میشود . تمام پزشکان با عقاید «ساموئل» مخالفت فراوان کردند و اجازه تدریس و ورود او را به کنفرانس هالغو کردند تا جائیکه این دانشمند لایق کارش به جنون کشید و دلیل این بودکه بقیه پزشکان قادر به دیدن این ذرات ریز نبودند . با **«لوئی پاستور»** هم پزشکان مخالفت کردند . ولی پاستور با شوخ طبعی و مقاومت و قوی بودن با بقیه پزشکان به مقابله برخواست تا توانست نظریه خود را ثابت‌کند .

حال بهتراست که کمی راجع به یهودیت و عرفان یهود صحبت‌کنم . **عرفان بطورکلی یعنی معرفت و آگاهی درونی نسبت به خود و خداوند و پی بردن به معنای هستی .** اگر گفتیم‌که یهودیت قشری بیشتر به ظواهر توجه میکند یهودیت عرفانی سعی میکند راجع به معنا صحبت کند و به ما نشان میدهند که درپس داستانهای تورات و سخنان پیامبران چه معنای‌ای نهفته هست .

یکی ازتفاوت های یهودیت قشری و عرفانی اینست که **یهودیت قشری میگوید خدا خارج از انسان میباشد** . همه حرف از خدا می زنیم ، می پرسیم خدا چیست و یا کیست ؟ ولی کمتر هستند کسانی که رابطه انسان و خداوند را یا گفته ، یعنی انسان و جهان هستی را میتوانند توصیف کنند . یهودیت قشری اعتقاد دارد که خداوند عنصری است خارج از وجود انسان . خداوند است که بهشت را آفریده برای‌پاداش خوبی و برای بدی جهنم را آفریده و بدین ترتیب خدارا از وجود انسان دور میسازند و خود به خود قبول خداوند وبرقرار کردن رابطه خداوند با انسان را مشکل تر میسازند . **دریهودیت عرفانی اعتقاد دارندکه خداوند در همه چیز و همه جا هست «شخینا» که عنصر مادینه و عنصر الهی است .ازکلمه سکونت میآید و بمعنی نور الهی است و درهمه جهان هستی و بخصوص در ما انسانها وجود دارد .**

روزی نوه یک عارف یهودی از او سئوال کرد که پدر بزرگ ، من به شما ۵ دلار میدهم که به من بگوئید خداوند کجا هست پدر بزرگ رو به نوه‌اش کرد و گفت فرزندم من به تو ۵۰۰ دلار میدهم که بگوئی خداوند درکجا نیست .

این پاسخ یک عارف یهود است .

یکی دیگر از تفاوت های یهودیت قشری و عرفانی اینست که **قشری ها تعبیر های سطحی ازداستانهای تورات میکنند .**

بطور مثال اگر گفته شده که حضرت موسی ۴۰ روز بالای کوه بوده و یا یهودیان چهل سال در راه بودند تا به سرزمین موعود برسند و یا آدم و حوا میوه درخت ممنوعه را خوردند همه را تعبیر سطحی میکند ولی بهتراست که فکر کنیم رقم ۴۰ معنی عمیق تری دارد زیرا درهمه جای دنیا و در یهودیت عدد ۴۰ بسیار به چشم میخورد . چرا می بینیم که زنهایی مثل ربکا زن اسحق ، راشل زن محبوب یعقوب و سارا زن ابراهیم و مادر شموئیل نبی ، همه نازا بوده‌و همگی با دعا و التماس به درگاه خداوند بچه‌دار شدند معانی اینها چیست ؟ اینجاست که وقتی ما بطور قشری نگاه میکنیم هسته و معنا را از دست میدهیم . بقول مولانا

قصه‌ای برادر چون پیمانه‌ایست

معنی اندروی هم چون دانه‌ایست

در **تلمود و زوهر** بوضوح اشاره شده است که **کسانیکه بطور سطحی به داستانهای تورات نگاه میکنندکاری بسیار اشتباه میکنند .**

یکی دیگر از تفاوت های بین یهودیت قشری و عرفانی مسئله پیروی کورکورانه هست ؟ آیا انسان باید کورکورانه از فرامین مذهبی اطاعت و پیروی‌کند یا اینکه باید این کاررا **بادرک و عشق و علاقه و فهمیدن محتوای فرامین** انجام‌بدهد ؟ آیا ما احتیاج به فرد دیگری داریم که به عنوان واسطه ورابطه بین خود و خداوند باشد ؟ یا اینکه انسان میتواند رابطه شخصی با عنصر الهی و خدا داشته باشد ؟ از تفاوت های دیگر این است که یک‌جام را درنظر بگیرید که قرار است ازشراب پر شود .قشریون بیشتر توجه به ظاهر جام شراب و تزئین دادن به آن می پردازند ولی یهودیت عرفانی هم جام را می پذیرد و اعتقاد داردکه جام باید باشد پاکیزه و منزه باشد و تزئینات درست داشته باشد وباید تشنه شراب هم باشد که شراب درش ریخته شود ولی وقتی که فقط به فکر ظاهر باشیم و اصلا فکر شراب نباشیم متاسفانه ازشراب هم بهره‌مند نمی شویم . نمونه دیگر مانند برخی از خانمهائی که پای بند قوانین کشروت هستند که بسیار زیبا و پسندیده هست و من شخصاً هیچ مخالفتی با این قوانین ندارم . اما همین خانم وقتی برای صرف شام به منزلی میرود که قوانین کشروت را حفظ نمی کنند و گوشت کاشر از فرفکس FAIR FAXنمی خرند ، بلوائی بپا میکند و باعث اختلافات

شدید وجدائی خانواده ها میشود . واقعاً میخواهم بدانم که آیا این عمل باعث اختلاف و جدائی خانواده ها است و یا نگاه نداشتن کشروت . یا خانمی که هر شبات به کنیسا میرود ولی مرتب بدگوئی شدید از عروسش میکند که انتخاب عروس مطابق خواسته اونبوده.
آیا واقعاً اینست مذهب یهود .

نکته دیگر در مورد فرق یهودیت قشری و هسته‌ای اینست که **معمولا پیروان یهودیت قشری ادعای برتربودن دین یهود را دارند** و دین یهود رابرترین ادیان دانسته‌اند . درحالیکه در تورات به قوم یهود قوم‌برتر گفته نشده بلکه **قوم انتخاب‌کننده** گفته شده . باین معنی که **دروجود خودمان بهترین نوری راکه خداوند داده دریابیم و این نور را به اقوام دیگر بتابانیم ، و این یک مسئولیت است و دلیل برتری و بهتری یک قوم نیست .** یهودیت عرفانی مدام این را به یهودیان دنیا ابراز میکند که ما باید گنجایش پذیرائی این نور را داشته باشیم و میتوانیم به اقوام دیگر بتابانیم .

حال بدنیست که یک نمونه ازتورات را باهم بررسی کنیم که خداوند از زمان پیامبرهای ما با ما درمیان گذاشته و نشان داده که کدامیک از این دو نوع یهودیت را پیشنهاد کرده . بخش زیر از کتاب «**یشعیاء**» فصل اول آمده و خلاصه شده . خداوند بر بندگان خود فرموده است **قربانی های فراوانتان به چه‌کار من میآید ؟ اعیاد مذهبی و اجتماعات شماکه همراه با بی عدالتی و ظلم است دیگر قابل تحمل نیست . اگر تفیلای زیاد هم بخوانید چون دستهایتان آغشته بخون است آنرا مورد توجه قرار نخواهم داد . خوبی کردن را یاد بدهید خواستار داوری عادلانه شوید . مظلوم را تایید و به داد یتیمان برسید و بیوه را حمایت کنید** .خداوند میفرماید **هم اکنون بیائید با یکدیگر صحبت‌کنیم . اگر خطاهایتان همانند مخملی سرخ فام باشد مانند برف سفید خواهد شد درصورتیکه بخواهید و اطاعت کنیداز نعمت های این سرزمین بهره‌مند خواهید شد و اگر امتناع ورزید و تمرد نمائید با شمشیر تباه خواهید شد**

این است داستان قوم یهود . هروقت که ما بسوی قشری گری پیش‌برویم و باطن و عمق دین یهود را فراموش کنیم می بینیم‌که هیتلر دیگری و یا جنبش نیونازیسم دیگری دوباره روی کار خواهد آمد . قصد من موعظه نبوده و نیست .وامیدوارم مرا طرد نکنید.

بدنیست یک‌داستان ازملانصرالدین بگویم . ملانصرالدین هر روز صبح به دهکده میرفت و تاشب موعظه میکرد که مردم گناه نکنید ، کارهای بد نکنید ، دروغ نگوئید و غیره و غیره تا اینکه یک‌روز سران دهکده آمدند نزد ملا ، ملا روکرد به آنها و گفت که آمده‌اید که گناهانتان را طرد کنید ؟ مردم دهکده گفتند خیر آمده‌ایم شمارا از دهکده طردکنیم !

درخاتمه میخواهم به این شعر زیبا و پر معنای مولانا اشاره کنم

بنمای رخ که باغ گلستانم آرزوست
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
بشنیدم ازهوای توآوازطبل باز
بازآمدم که صائب سلطانم آرزوست
یعقوب وار واسفاها همی زنم
دیدار خواب یوسف کنعانم آرزوست
بالله که شهر بی تو مراحبس می شود
آواره گی کوه و بیابانم آرزوست
زین همرهان سست عناصردلم گرفت
شیر خدا و رستم دستانم آرزوست
جانم ملول گشت زفرعون وطلسم او
آن نور موسی عمرانم آرزوست
دی شیخ با چراغ همی گشت گردشهر
کز دیو ودد ملولم وانسانم آرزوست
گفتم که یافت می نشود،جسته‌ایم ما
گفت آنکه یافت می‌نشود، آنم آرزوست
گویاترم زبلبل اما، زرشک جانم
مهراست بردهانم وافغانم آرزوست
یک دست جام باده ویک دست زلف یار
رقصی چنین میانه میدانم آرزوست

شالوم

בס"ד

همکیشان ارجمند و گرامی شالم

بخوبی آگاه هستید که بقاء و دوام ملت یسرائل بسته بآن است که افراد آن تورای مقدس را آموخته و فرمانهای آنرا اجراء نمایند.

این امر در صورتی ممکن است که یک فرد یهودی از اوائل کودکی در مدرسه یسرائلی به تحصیل علوم فرهنگی و زبان عبری و تورا و تفیلا بپردازد.

متاسفانه بیشتر یهودیان ایرانی که دراین شهر عظیم ساکن هستند مجبورند که فرزندان خود رادر مدارس دولتی PUBLIC SCHOOLS بگذارند که دراین مدارس نه تنها کودک ازآموزش زبان عبری و تورا و تفیلا محروم است بلکه محیط فاسد این گونه مدارس اخلاق او را فاسد می‌کند. چون شهریه مدارس یهودی آنقدر گران است که کمتر یهودی ایرانی توانایی پرداخت آنرا دارد.

خوشبختانه چند سال قبل عده‌ای از جوانان غیور اقدام بتاسیس مدارس یهودی ابتداء در لوس‌آنجلس و سپس در ولی بنام مدارس تورت حییم نمودند که دراین مدارس سطح علوم فرهنگی و آموزشهای عبری و تورا و تفیلا خیلی بالاست.

در ناحیه ولی مدرسه تورت حییم که بنام نتن ا- لی خوانده میشود در تقاطع خیابانهای لیندلی و آکسنارد (TOPHAM) ازسه سال قبل باین طرف دایر است و اکنون دارای کلاسهای کودکستان، آمادگی و اول و دوم بوده و سال آینده هم کلاسهای سوم، چهارم، پنجم و ششم باز خواهد شد. اما نظر باینکه محل این مدرسه محدود و برای گنجایش کلاسهای بیشتر کافی نیست لازم شد که محل بزرگتری خریداری شود. خوشبختانه ساختمان بزرگ و مجللی در تقاطع خیابانهای رسیدا و شرمن وی پیدا شد و درصدد خریداری آن هستیم و بایستی هرچه زودتر امورمحضری آن انجام شود وبرای اینکار بایستی مبلغ شصت هزار دلار بعنوان پیش پراخت ببانک صاحب ساختمان بپردازیم.

از این رو ازبرادران‌وخواهران غیور وتورا دوست خود تقاضا داریم که برای عملی شدن این میصوای‌بزرگ دامن همت برکمر بسته و مبلغی قابل توجه بمدرسه (نتن ا- لی) اهدا نمایند. البته زخوت این میصوا شامل حال آنجناب و بستگان گرامی خواهد شد

لطفاً هدایای خود را در وجه NETAN E-LI HEBREW ACCADEMY مرقوم فرموده به آدرس
18043 TOPHAM ST. RESEDA CA, 91335

ارسال فرمائید.

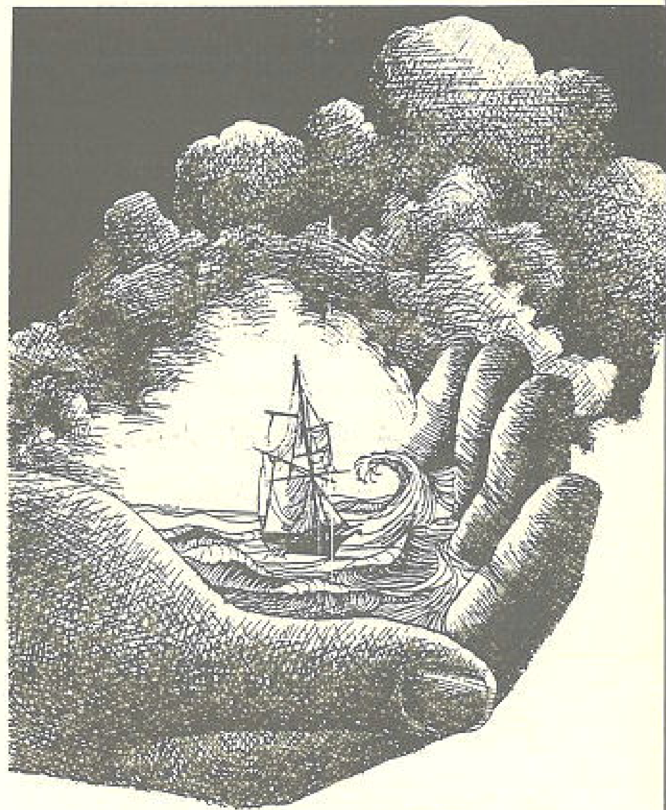
برای اطلاعات بیشتر با ربای آشور زاده تلفن ۰۲۰۰ - ۳۴۲ - ۸۱۸ تماس حاصل فرمائید.

حاخام یدیدیاشوفط - حاخام یهوشوع نتن ا-لی - حاخام اسحق بعل هنس - راوداوید شوفط - ربای داوید زرگری - ربای داوید حاخام زاده - ربای هرتصل ایلولیان



نوشته : دکتر بقراط صفایی

قوم انتخاب شده :



کلمه برگزیده برگردانی ازکلمه عبری סְגֻלָּה میباشد که بمعنای زیر آمده است :

وسیله - ارزش - قدر - رتبه - دارائی و ثروت - خزانه و گنج - طرح ویژه برای چاره کردن دردهای اجتماعی و یا سیاسی - درمان کردن - چاره کردن - اصلاح کردن - رفع و جبران کردن - مشخص و اختصاصی - نشانه ویژه - صفت ممیزه - نخبه - برگزیده .

اچ اند اچ فرانکفورت - جان ا دیلسون - تورکیلد جیکوبین ویلیام ایروین درماجراهای روشنفکرانه انسان به انسان چنین نوشته‌اند :

برجسته ترین نشانه خلاقیت فکری قوم یهود ، یکتا پرستی است . اعتقاد به یزدان یکتا پدیده‌ای بود که سبب تغییر شکل تاریخ دورانهای بعدی شد ، قوم بنی اسرائیل در طول تاریخ اثر فوق العاده‌ای برتمام جریانات تاریخ بشری داشته است .

یهودیان خداوند یکتا و نادیدنی و فاقد جسمیت را به عالمیان شناسانیدند و از همه‌ی افراد بشر خواستند که با قبول ضوابط اخلاقی برادروار زندگی کنند .

در تورات برای این قوم در بسیاری ازآیات درباره این برگزیدگی مطالبی بیان شده که مختصری از آنها در اینجا نقل میشود .

سفر خروج باب سوم آیه ۱۰

از قول خدا به موسی میگوید : پس اکنون بیا تا ترا نزد فرعون بفرستم و «قوم من» بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوری .

سفر خروج باب ششم آیه ۷

و شما را خواهم گرفت تا برای من قوم شوید وشما را خدا خواهم بود و خواهید دانست که من یهوه هستم خدای شما که شما رااز مشقتهای مصریان بیرون آوردم .

سفر خروج باب ۱۹ آیه ۵ و ۶

و حالا اگر حتماً به حرف من گوش دهید و پیمانم را رعایت کنید ازمیان تمام قومها برای من نخبه تر خواهید بود چونکه تمام کره زمین هم مال من است .

سفر لاویان باب ۲۰ آیه ۲۴

به شما گفتم زمینشان را وارث خواهید شد و من آن را یعنی سرزمین راکه درآن شیر و شهد جاری است به شما خواهم داد که آنرا به ارث ببرید . من ادونای خداوندتان هستم که شما را از سایر اقوام مجزا ساختم .

سفر لاویان باب ۴ آیه ۲۰

و اما ادونای شماراگرفته از کوره (ذوب) آهن یعنی از مصر بیرون آورد تا مانند امروز**قوم اختصاصی** او باشید .

سفر تثنیه باب ۷ آیه ۶

زیرا تو برای ادونای خداوند خود **قوم مقدسی** هستی . ادونای خداوندت تو را انتخاب کرد تا درمیان تمام قومهای روی زمین برای وی قومی نخبه סְגֻלָּה باشی .

سفر تثنیه باب ۷ آیه ۷

ادونای نه بخاطر زیادتربودن شما از قومهای دیگر به شما زیاد علاقمند شد و شما را**انتخاب** کرد چه شما از تمام اقوام دیگر کم جمعیت ترید . ترجمه دیگر : خداوند دل خود رابا شما نبست و شما را برنگزید از این سبب که شما از سایر قومها کثیرتر بودید زیرا که شما از همه قومها قلیل تر بودید .

سفر تثنیه باب ۷ آیه ۱۴

ازتمام قومها **مبارک تو** خواهی بود . در میان تو مرد وزن عقیم وجود نخواهد داشت و همینگونه درمیان چهارپایان تو .

سفر تثنیه باب ۱۰ آیه ۱۵

ادونای نسبت به پدران شما علاقه‌ی مفرط نشان میداد که آنهارادوست بدارد پس از ایشان نسل آنها یعنی شمارامانند امروز از بین تمام اقوام **انتخاب** کرد .

سفر تثنیه باب ۱۴ آیه ۲

زیرا تو برای ادونای خداوندت قوم مقدسی هستی و ادونای تو را انتخاب کرد تا بین تمام اقوامیکه روی زمین هستند برای وی قومی **نخبه باشی** (این آیه تکرار آیه ۶ میباشد)

سفر تثنیه باب ۲۶ آیه ۱۸ و ۱۹

و خداوند همچنانکه با تو سخن گفت تو را امروز مورد احترام قرار داد تا برای او قوم **نخبه‌ای** باشی و تمام فرمانهایش را رعایت کنی . و تو را بر همه‌ی قومهائیکه ایجاد کرده است ، از لحاظ افتخار و شهرت و شکوه ، برتری بخشید تا همانگونه که گفت برای ادونای خداوندت قوم مقدس بمانی .

سفر تثنیه باب ۲۸ آیه ۱ تا ۱۶

و اگر آواز یهوه خدای خود را بدقت بشنوی تا هوشیار شده تمام اوامراو راکه من امروز بتو امر میفرمایم بجا آوری آنگاه یهوه خدایت ترا از جمیع امتهای جهان برترکند نظر باینکه سخن ادونای خداوندت را اطاعت نمودی تمام این برکتها برتو وارد شده بتو خواهد رسید . در شهر برکت شده و در صحرا برکت شده خواهی بود .

ثمره‌ی بطن تو ومیوه زمینت و ثمره‌ی بهایمت ، بچه گاوهایت و نتایج گوسفندانت برکت شده خواهد بود . میوه محصولت و (تغار) خمیرت برکت شده خواهد بود . هنگام وارد شدنت برکت شده بوده درحال خارج شدنت برکت شده خواهی بود . ادونای دشمنانت راکه علیه تو قیام میکنند دربرابرت شکست داده تسلیم خواهد کرد (دشمنانت) از یک رده بسوی تو آمده از هفت رده از پیش تو خواهند گریخت و ادونای فرمان خواهد داد که در انبارهای تو و در پیشه‌ای که داری برکت باتو باشد و درآن سرزمینی که ادونای خداوندت بتو میدهد تو را برکت خواهد داد .

نظر باینکه فرمانهای ادونای خداوندت را مراعات مینمائی و در راههایش گام برمیداری ، ادونای همانگونه که برای تو سوگند یاد کرد تو را بعنوان قوم مقدس برای خود تثبیت خواهد نمود . همه‌ی قومهای جهان مشاهده خواهند کرد که نام ادونای برتو خوانده شده است و از تو ترس خواهند داشت .

ادونای روی آن سرزمینی که برای پدرانت سوگند یاد نمود که بتو بدهد با افزایش ثمره‌ی بطن تو و ثمره‌ی بهایمت و محصول زمینت (همه چیز) تو را بخوبی افزون خواهد کرد . ادونای منبع احسانش آسمان را برتو خواهد گشود تا بارندگی سرزمینت را درموقعش بدهد و به تمام‌کار دستت برکت خواهد داد . به قومهای زیادی وام خواهی داد و تو وام نخواهی گرفت .

نظر باینکه فرمانهای ادونای خداوندت را اطاعت میکنی و آنچه من امروز بتو فرمان میدهم رعایت نموده انجام میدهی . ادونای موجب میگردد که تو سرور باشی نه زیر دست و فقط در رتبه های بالا قرار گیری و در رتبه های پائین قرار نداشته باشی .

پس از این سخنانی که من امروز به شما فرمان میدهم به چپ و راست منحرف نشو که بدنبال دیگر معبودان رفته آنهاراپرستش نمائی .

اگر به سخنان ادونای خداوندگوش فراندهی تا تمام احکام و قوانین اوراکه من امروز بتو سفارش میکنم انجام دهی ، چنین مقرر است که تمام این نفرین ها برتو وارد شود و بتو برسد .

خلاصه دراین باب زندگی کشاورزی را بیان داشته و نیکی و بدی رادراین جهان بیان‌کرده و **مسئله برگزیدگی و نخبه بودن رامنجر به انجام دستورات اخلاقی تورات دانسته است .**

سفر تثنیه باب ۲۹ آیه ۱۲

تا اینکه همانگونه که به تو گفت و همانگونه‌که به پدرانت اوراهام یسحاق و یعقوب سوگند یاد نمود تو را امروز برای خود برپا نگهداردکه **قوم او** باشی و او داور تو باشد (در برخی ترجمه ها این آیه شماره ۱۳ میباشد)

سفر تثنیه باب ۳۳ آیه ۲۹

ای یسرائل خوشا بحالت که ام (قومی) مانند توست **قومی که** بوسیله ادونای نجات یافته باشد که (ادونای) سپر وکمک و شمشیر پیروزی توست . دشمنانت تسلیم تو خواهند شد و تو غرور آنهاراپایمال میکنی .

«ماکس دومانت» میگوید آیا ما قوم برگزیده آسمانی هستیم که ماموریتی زمینی را درجهان بایستی انجام دهیم یا خودمان ، خود را

برگزیده‌ایم که ماموریتی آسمانی را بانجام برسانیم .
مفسرین میگویند این کلمه نخبه بدین سبب بیان شده که خدا **تورات را به تمام اقوام پیشنهاد کرد ولی تنها قوم یهود آنرا با دل وجان پذیرفت .**

آیا بر طبق پیش بینی «ایزیاء» **این ماموریت آسمانی برای برقراری برادری جهانی است** . آیا چه چیز رمز نگهداری قوم یهود در دنیا شده است ؟

«ماکس دومانت» میگوید یهودیت باقی ماند زیرا تمدن نبود که بدوران مرگ برسد فرهنگ نبود که گرفتار تحول گردد بلکه یک «ایده» مقدس بود که هم اکنون دو سوم جهان براساس قوانین اخلاقی و افکار یهودیت رهبری و اداره میشود . (یعنی از قوانین یهود استفاده میکنند)

وی رمز پایداری فرهنگ و معارف این قوم رانتیجه پراکندگی یهودیان در دنیا میداند چه با رفتن از یک تمدن به تمدنی دیگر آب حیات جاودانگی را یافته است و یاد گرفته و یاد داده و اثر کرده و موثر واقع شده ، حال پس از سه هزارسال واندی پرچم یهود باهتزاز درآمده است .

نظر قرآن کریم درباره آئین یهود و برگزیدگی این قوم

نظر قرآن درباره آئین یهود وموسی وقوم بنی اسرائیل بسیار مفصل است که نکاتی از آیات بطور بسیار مختصر بیان میشود . اما قبل از بیان این نکات باید یهودیان احترامات عمیق خود را درحق قرآن که موسی را بحد اعلی یک انسان معرفی کرده محفوظ دارند و آنرا محترم شمارند .

لازم بتذکر یک نکته مهم دیگری است که درقرآن **سوره البقره (۲) آیه ۷۹** آمده : پس وای برکسانیکه کتاب را بدست های خود می نویسند سپس میگویند این از جانب خدا است ....

درتورات بصراحت آمده است که موسی سیزده جلد تورات را بخط خود نوشت و هریک را بیکی ازاسباط سپرد وجلد سیزدهم رادر تابوت عهد خداوند نهاد تا بامانت باقی بماند .

و چون در قدیم‌چاپ وجود نداشت و برای نوشتن کتب پنجگانه موسی دستورات خاصی هست که بیان آن مفصل است و حق ندارند اصل تورات را بدست ماشین بسپارند و تمام توراتهائی که درتمام کنیسه های دنیا وجود دارد دستخطی است و این یک تقدس مخصوصی میباشد ، پس مسئله تحریف درکار نیست بلکه مسئله تحریر بوسیله دست است .

در **سوره البقره (۲) آیه ۴۷ و ۱۲۲** آمده است :
ای فرزندان اسرائیل بیاد آورید نعمت مراکه به شما ارزانی داشتم و اینکه من شمارابر جهانیان برتری دادم درهمین سوره **آیه ۱۳۲** باز میگوید :
و ابراهیم و یعقوب آن (کیش) را به پسرانشان وصیت کردند ای فرزندان من براستی که خدا برای شما این دین را**گزید** پس شما نباید بمیرید مگر تسلیم برضای خدا باشید.

در **سوره آل عمران (۳) آیه ۳۲** آمده است : براستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را برجهانیان **برگزید.**

در **سوره الاعراف (۷) آیه ۱۴۰** میگوید : آیا جز خدا برای شما معبودی بجویم و اوست که شمارابرجهانیان **برتر وافضل** گردانید .

در **سوره الجاشیه (۴۵) آیه ۱۵** میفرماید : به یقین ما بنی اسرائیل (بنده - خدا) راکتاب و حکمت و پیامبری دادیم و آنان را ازپاکیها روزی دادیم و ایشان را برجهانیان **برتری** دادیم .

در **سوره المائده (۵) آیه ۲۰** میگوید :
و(یادکن) چون موسی بقوم خود گفت : ای قوم من ، نعمت خود را برخودتان بیاد آورید ، آنگاه که درمیان شما پیامبرانی قرار دارد و شمارا**پادشاه گردانید** و بشما چیزهایی داد که **(هرگز) بکسی از جهانیان** نداده است .

درآیه **۲۱ همین سوره** میفرماید :
ای قوم بسرزمین **مقدس که خدا برشما نوشته است درآئید** و برپشت خودتان برمیگردید که پشت به حکم خدا نکنید که زیانکار نشوید .

سوره **الدخان (۴۴) آیه ۳۰و۳۱و۳۲**
و بدرستی بنی اسرائیل را از عذاب خوارکننده برهانیدیم ، ازشر فرعون که سخت متکبر و برتری جوینده بود از اسراف کنندگان آسوده ساختیم ، و آنان (بنی اسرائیل) رادر عالم دانش و کتاب آسمانی تورات از همه جهانیان **برگزیدیم .**

در **سوره الاعراف (۷) آیه های ۱۴۳ و ۱۴۴** میفرماید :
خدا فرمود ای موسی من ترا برای اینکه پیغامهای مرا به خلق برسانی **برگزیدم** وبه کلام (همصحبتی) خویش انتخاب کردم پس آنچه را

بتو فرستادم کاملا فراگیر و سپاس خدا را بجای آر . و درالواح (تورات آسمانی) از هر موضوع برای نصایح و اندرز و هم تحقیق هرچیز (برای علم و معرفت) به موسی نوشتیم و دستور دادیم که حقایق و احکام آنرا به قوت عقل و ایمان فراگیر و قوم را دستور ده که نیکوتر مطالب آنرا اخذ کنند (وازطعن فاسقان نیندیشند) که پستی مقام و منزلت فاسقانرا بزودی برشما نشان خواهیم داد .

و اما در **سوره الصافات (۳۷) از آیه ۱۱۴ الی آخر آیه ۱۲۲** چنین آمده است :

و ما برموسی و هارون منت نهادیم و آندوکسان آندورا از (آن) اندوه بزرگ رهانیدیم و آنهارا یاری دادیم تا آنها غالب آمدند و آندو راکتاب روشن بدادیم آندو رابراه راست هدایت کردیم و (نام نیک) آندو را در (میان) آیندگان باقی گذاشتیم (که گویند) سلام برموسی و هارون باد .

بیگمان ما نیکوکاران را چنین پاداش دهیم و بیگمان آندو از بندگان مومن ما هستند .

سوره بنی اسرائیل سوره ۱۷ آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ :

آنگاه فرعون اراده کرد که موسی و قومش را اززمین مصر براندازد ماهم او و همدستانش را بدریا غرق کردیم و بعد ازآن بنی اسرائیل را فرمان دادیم که درآن زمین ساکن شوید تا ازآن پس که وعده آخرت فرا رسد همه شمارا باز جمعاً مبعوث گردانیم .

در **آیه ۳ از سوره آل عمران (۳)** چنین آمده است :

کتاب را بحق برتو فرو آورد که تصدیق کننده همان چیزهایی است که پیش دست اوست ؛ و پیش ازآن تورات و انجیل را برای هدایت مردم فرود آورد و فرقان را(نیز) فرود آورد ، بی شک آن کسان که آیه های پروردگار را انکار کردند عذاب شدیدی بر آنها است و خداوند عزیزصاحب انتقام است .

بطور خلاصه در بسیاری ازآیات دیگر موسی و بنی اسرائیل و تورات و تعلیمات آنرا تائید کرده است و اگر در برخی از آیات تضادهایی دیده میشود ناشی از کار ترجمه و عدم فهم مفسر معتبر بوده است و الا در حالیکه در قرآن بیش از ۱۰۷ بار نام موسی و فزونتر از ۳۵ مرتبه نام قوم بنی اسرائیل و فقط در ۴ جا نام محمد (ص) ذکر شده هرگز نمیتوان ازآن کتاب برعلیه آئین و قوم بنی اسرائیل مدارکی ارائه داد کسانیکه چنین استنباطاتی را اتخاذ میکنند بطور یقین مفهوم آیات را درک نکرده اند و یا خدای نخواسته برکتاب تهمت روا میدارند . و تصور دیگر آنست که آیاتی درباره مشرکین آمده که دشمنان انسانیت آنهارا به یهود نسبت داده‌اند .

موضوع دیگر که ممکن است پیش آورند مسئله تحریف است که در مقدمه بآن اشاره شد .

برای بهتر فهمیدن لازم است به کتاب **تاریخ عقاید ادیان و مذهب سامی** جلد اول تالیف بخت آور از صفحه ۷۵ ببعد و صفحه ۱۵۵ تا ۲۴۲ مراجعه کرد که تحریف بکلی مردود شناخته شده‌است .

همچنین به کتاب **باستانشناسی تورات** از انتشارات نور جهان ۱۳۳۵ و**کتاب سنجش حقیقت** بقلم فندر المالی ۱۹۳۴ . اینکه ملتها گفته‌اند و میگویند که یهودیان خود را ملت برگزیده دانسته مطلب را بدرستی درک نکرده‌اند و بواسطه تعصبات خشک ، نسل اندر نسل نخواسته‌اند بدانند مسئله برگزیدگی چیست .

ملت یهود انتخاب شده . این **انتخاب مبتنی بر خصوصیات او بوده تا وحدانیت را در سراسر عالم اشاعه دهد و بشناساند .**

همانطور که مورخین و شارعین مذاهب مهم جهان قوم یهود را اولین قوم موحد و پرچم دار یکتا پرستی دانسته‌اند . همین تعلیم سبب دشمنی ملتها برعلیه او شده است زیرا سخن حق تلخ است . خاصیت این قوم مقاومت و قدرت سازش و انعطاف پذیری او درمقابل حوادث است که با تمام رنجهایی که در طول تاریخ دیده هنوز زنده و بیدار است . این ملت همواره در مسیر تاریخ بشر بعنوان موجود مورد آزمایش در آزمایشگاه جهان بوده و تمام «تست» های مقاومت را بر روی او انجام داده‌اند و هربار با ایجاد مصونیت و دفاع از حقیقت ، ایمنی خود را درمقابل تمام امراض و اغراض اجتماعی بروز داده و دم ازحقیقت زده است .

این قوم وظیفه‌ای را بعهده گرفته تا جهان را تغییر دهد . این قوم کوچک‌براین عقیده بوده که به پیروی از حقیقت باید تمام بشریت را بسوی یکتا پرستی و رعایت اخلاقیات عالی انسانی رهنمون باشد . همین تعهد اخلاقی برای‌کمال فرد و جهان ، دلیل برآن بوده که یهودیان خود را منتخب بخدمت میدانند .

این نظرگاه هرگز امتیازی برای یهودیان محسوب نشده فقط مسئولیتها و رنجهای آنان را افزوده است بهمین کیفیت است که اوهل (Ohel) مذهب یهود را بمعنی بار سنگین تعریف کرده است.



برخلاف تمام برخوردهای این قوم با موانع زندگی که هیچ‌قوم دیگری حتی تاب مقاومت را برای یکی از آن رنجهای سنگین رانداشته و بخاطر وظیفه برگزیدگی خود پایدار مانده است.

«ویلیام اچ مک نیل» مورخ دانشگاه شیکاگو میگوید: خط مشی یهودی باعث تغییر شکل جهان شده است.

«ادوارد اچ فلازی» عضو کنفرانس ملی کشیش های کاتولیک مینویسد: مذهب یهود بود که اندیشه قوانین اخلاقی عالمگیر و خداداد را به جهان عرضه کرد.

بواسطه حمل این بار مسئولیت هرگز مورد بخشایش جهانیان واقع نشده است. زیرا بزرگترین جرم این قوم طرفداری از حقیقت بوده است. متاسفانه جهانیان ارزش ایده‌آلهای اخلاقی و عدالت و عشق بصلح و مسئولیت فردی را که یهودیان مبشر آن بوده‌اند نشناختند.

قرآن کریم بارها به برگزیدگی قوم یهود اشاره کرده است (رجوع شود به آیات قرآنی) ولی‌چون یهودی تن به مذهب عیسوی و اسلام نداد مورد آزار و کینه های نا محدود آنان قرار گرفت اگر تمام یهودیان جهان طبق ارزشها و روشهای آئین یهود زندگی کنند تاثیر آنها بر جهانی که در جستجوی آن هستند نمایان خواهد شد.

پس از **۲۵۷۵** سال این موقعیت در اختیار یهودیان قرار گرفته است تا دولت نمونه خود را در اسرائیل تاسیس کند اکنون است که ملت یهود باید قابلیت خود را یا بصورت فردی یا بشکل ملی و نیروی اخلاقی ایده‌آل، خود را به جهانیان بشناساند.

طبق خط مشی ۳۳۰۰ سال مذهب یهود، باید یهودیان لشگری ترتیب دهند متشکل از انسانهایی مهربان و با عاطفه و قوی و با وجدان تا مبارزه با انسانهای بی تفاوت و بی هدف را آغاز کنند که طعمه مستبدان مذهبی یا غیر مذهبی نگردند و بتوانند جهان را بسوی خوشبختی سوق دهند (رجوع شود به قسمت صیونیزم).

باید به تاکید گفت **این برگزیدگی تنها بخاطر خدمتگذاری است نه آقائی و سروری**. بجرات میتوان گفت **سر بقای این قوم درهمین وظیفه** نهفته است. اگر چنین باشد پس مسئله مسیح موعود را چگونه میتوان تلقی‌کرد؟ این وظیفه کوچکترین اقلیت این دنیای چهار یا پنج میلیارد نفری است که درمقابل هر ۴۰۰ یا ۵۰۰ نفر یک یهودی دارد که درس انسانیت و رحم و مروت بمردم میاموزاند درعین حال برای بقای قوم خود باید مبارزه کند تا از حالت باصطلاح توسری خوری و ترسوئی وپول پرستی وراحت طلبی و بی تفاوتی بیرون آید و تبدیل بیک قوم قوی و مبارز و از جان گذشته در راه علم و فرهنگ و دانش و بینش گردد.

درپایان این مبحث این نظر پیش میآید که آیا این مسئله برگزیدگی بواسطه عدم فهم‌کامل آن سبب عمده آنتی سمیتیسم نشده است.؟

آیا هرگز به این مسائل اندیشیده اید؟



- روابط خانوادگی
- تطبیق خود با فرهنگ آمریکایی
- معاشرت و ازدواج
- پرورش هویت شخصی
- ارتباطات ومشکل زبان بین پدرومادروفرزندان
- حفظ فرهنگ ایرانی همراه با حفظ هویت یهودی

هیلل ایرانیان و سازمان سیامک سعی براین دارند تا اینگونه مباحث و دیگر موضوعات مورد توجه جامعه یهودیـان ایرانی را دریک سری گردهمایی مورد تجزیه وبررسی قراردهند.

هدف ازاین برنامه کاهش فاصله موجود بین پدرومادرها ونوجوانانشان وبرقراری یک پل ارتباطی مابین این دو نسل می باشد. امید براین است که این گفتگوها و مباحث باعث پیشرفت و بهبود مناسبات خانواده و هویت شخصی افراد جامعه‌مان شود.

خوشحالیم به اطلاع عموم برسانیم که در راه پیشبرد این اهداف از همکاری و تجربه متخصصین رشته های متفاوت برخوردار خواهیم بود. همچنین کوشش فراوان بعمل آمده است که این اجتماعات در یک جو مناسب وکاملا فرهنگی برگزار شود.

یکشنبه ۲۲ و ۲۷ آگست در محل

University Synagogue
11960 Sunset Blvd., Brentwood

خواهشمندیم به ما بپیوندید

برای اطلاعات بیشتربا شماره تلفن ۳۲۹۱ - ۴۷۴ (۳۱۰) تماس بگیرید.

«سالهای نقره‌گون»

نینا استوار



دلتنگ و خمیده،
از ورای پنجره غبارآلود چشم،
گذر عمر را نگاه میکند
بودنش ، تقلید زندگی را میماند!
... و زندگی تنها زیستن نیست.
بودن هم نیست.
نقشی را به عهده گرفتن،
باری را بدوش داشتن
و کاری را به پیش بردن است.
دست در دست زمان جلو رفتن
و قدم پشت قدم برداشتن است.
همه جنبش است.
که ...
سکون مرداب را میآفرینند
و مرگ تدریجی را موجب میشود.
- ازمن «دیگر» گذشته.
- ازمن «دیگر» کاری بر نمیآید.
رفتارش شانه از زیربار خالی کردن را میرساند.

چه زود پیر و ازکارافتاده شد . تادید بچه ها سرپای خود ایستاده‌اند و به سروسامانی رسیده‌اند یکباره ازپای افتاد و کنار کشید درست مثل چکی که موعدش سرآمده باشد . انگار زندگی تاریخ معین و سررسید دارد . میگفت حالا دیگر نوبت بچه ها است . شاید فکر میکرد که بودن نوبتی است !

بالارفتن سن درقاموس ما ، یعنی از حرکت ایستادن ، از پای ایستادن و دست از هرکار و فعالیتی شستن است .

و من ، دراین دیار ، به مردمی که سالهای نقره گون عمر را به اززندگی طلا و به درخشندگی الماس زندگی میکنند نگاه میکنم و دلم انباشته از درد و غم و - چرا نه ؟ - کمی هم ؟؟؟ میشود .

برای این مردم ، پا به سن گذاشتن اگر فرصتی است غنیمت برای گردش ، و استراحت و یا بیشتر باهم بودن هرگز بهانه‌ای برای شانه خالی کردن اززیر بار مسئولیت و دست شستن از کار نبوده است .

زنهای مو نقره‌ای در غیاب دختر و عروسی که سرگرم کار بیرون است . درون را مراقبند و امور خانه را مثل پخت وپز ، اطوکشی و نظافت برعهده میگیرند . و پدربزرگ ها بچه ها رااز مدرسه میآورند و یا به باشگاههای ورزشی همراهی میکنند . کارهای اداری و بانکی و پست را آنها انجام میدهند . خرید میکنند و .... حتی کالسکه های نوزادان را برای هواخوری به پارکها می برند !

نوه ها در آغوش گرم و محبت آمیز پدر بزرگ و مادربزرگ با آرامش خاطر بزرگ شده و با شنیدن افسانه ها و تجربیات دیرینی موسفیدها رشد فکری پیدا میکنند وکمبود پدر ومادر که در اینجا

دنیای ماشینی سرگرم‌کار بیرون از خانه هستند باین ترتیب برای بچه ها جبران میشود .

پدر بزرگ و مادر بزرگ در جوار نوه ها احساس مفید بودن کرده به‌زندگی بیشتر دل می بندند .

جوانها فکرشان راحت است که بچه هارا بدست غریبه نسپرده‌اند و پدرومادرهای آنها خیالشان آسوده ، که فرزندان اینها محبت و زحمت مجدد راکه آنها در حق نوه ها انجام میدهند بچشم دارند .

و این چنین است که نسل های متفاوت در کنار یکدیگر زندگی کرده و هرکس به نحوی موثر است . و همه از حمایت و پشتگرمی و هم فکری و نیروی یکدیگر برخوردار میشوند . و این ، در دنیای ماشینی امروز که عزلت روحی برای ما بارمغان آورده زیباترین وسالمترین پیوند تنهایی است . باهم بودن در اوج استقلال مالی و روحی است .بگیر و بستان - و نه داد و ستد ! - محبت ، عاطفه و فکر و نیرو است .

نه خریداری محبت است و نه تکدی حمایت . یک شرکت سهامی است . هرکس سهمی دارد و همه بهره می برند . جوانها روی پای خود ایستاده و با پشتگرمی و راهنمایی بزرگترها جلو می روند . و اینها با تکیه بر همت خود کمر اززیر بار زندگی راست کرده و ایام نقره گون زندگی را سیاه نمیکنند و من ... باز به مردم خود میندیشم . اگر بیشتر از مردم این دیار برای فرزندان خود زحمت نکشیده باشند کمتر نکرده‌اند . اما ...

هرچه شیر بود همه را یکباره دوشیدند . و حالا خودمانده‌اند و یک دنیا تنهایی ...و دره‌ای عمیق بین آنها و نوه ها است . نه قصه‌و افسانه برای آنها گفته‌اند و نه در پارک کنارشان قدم زده‌اند ...

یک زمان همه ایثار بودند ... و حالا سراپا نیاز .

ما مردم همگی مهر تجارت بر پیشانی‌داریم اما ...

در مکتب زندگی الفبای همزیستی را نیاموخته‌ایم .

اشتراک فکر و ابراز عقیده افراد جامعه دلیل پیشرفت همه ماست .

(۸۱۸)۵۰۳_۱۲۷۰

نوشته پویا دیانیم

ماهیان تنگ بلور و دریا

در روزگاری که دروغ داور حقیقت است
همان بهتر که سکوت من صدهابار فریاد بکشد
(**سیمین بهبهانی**، از اشعار چاپ نشده او)

چنین میسراید شیرزن ادبیات فارسی درپاسخ به قاتلان صدا وزندان کنندگان فریاد . پاسخ بهبهانی به مزدوران که حتی از یک مادر بزرگ پیرهم میترسند اینگونه است . واقعاً هم شاید در زندانی بنام «**ایران**» سکوت بعضی از نعره‌کشیدنشان بهتر شنیده شود . بقول **شاملو** :

اینک قصابانند برگذرگاه ها مستقر
با ساطوری خون آلود

(اشعار سانسورشده شاملو ، ..... دراین بن بست اجراء و ضبط در لوس آنجلس با صدای داریوش اقبالی در کاست «خاک‌خسته» ، ۱۹۹۰)

از **شاملو** نوشتم ، از این بزرگ مرد ادبیات ایران ، زیراکه بسیار دوست میداشتم دراین شماره نشریه «**چشم انداز**» از او تقدیر کنم دوست میداشتم از او تقدیر کنم نه بخاطر اینکه انسانی است آزاده و بزرگ ، نه بخاطر اینکه تنها شخصیت تاریخ ایران است که در سال ۱۹۸۶ به مراسم جوایز نوبل دعوت گشته بود ، نه بخاطر اینکه برنده جایزه «فریدوم فاند» گردیده . دوست میداشتم از او تقدیر کنم بدین دلیل که بعد از نیم قرن شاعری ، درسن ۷۲ سالگی در کشوری که ٪۹۹ مردمانش متعلق به یک مذهب هستند ، ایستاده‌و یگانه ، از حق و حقوق یهودیان دفاع میکند . او از من یهودی دفاع میکند .

شاملوحاضر نیست فردوسی و سعدی را بخاطر اهانتی که به یهودیان کرده‌اند ببخشد .

درسال ۱۹۹۰ که شاملو به آمریکا آمده‌بود این افتخار نصیب من شد که بارها و بارها با او ملاقات کنم و ازاو بیاموزم . وی روزی به من گفت : **مرد قابل تقدیر آن‌کسی نیست که حرف اکثریت را میزند ، چراکه اکثریت همیشه بهرحال پیروز میشود ، بلکه مرد قابل تقدیر آن کسی میباشد که جرات این را داشته باشد که حرف اقلیت را بزند و بدفاع از اقلیت برخیزد .** عجبا که او به حرف خود عمل کرد و اکنون از من اقلیت دارد دفاع میکند **شاملو** چنین میکند زیراکه **مرد عمل است و حرفش حرف .**
ایشان در طی سه سال اخیر چه در «**آینه**» یا «**نیمروز**» یا «**روشنفکر**» که نشریات چاپ ایران هستند به دفاع از یهودیان برخواسته و از اهانتهائی که به یهودیان در اشعار فردوسی و سعدی شده است انتقاد کرده است و با جرات میگوید که «**....من به چنین فرهنگ ملی افتخار نمی کنم بلکه احساس شرم هم میکنم**». البته از شاملو جزاین هم نمیتوانست انتظار داشت . قابل یادآوری است که او **تنها فردی است که در ادبیات ایران و جهان اسلام درمورد «هولاکاست» سخنی** گفته است ، چه در شعرش در مورد **گتوی ورشو** وچه در ترجمه کتاب «**آلبرت شمبون**» .ولی افسوس که نمیتوانم از او بنویسم . افسوس زیراکه ، هوا بس ناجوانمردانه سرد است ...

ویلیام‌شکسپیر در تئاتر «**هاملت**» میپرسد : «**بودن یا نبودن ؟**» از دیدگاه من این سئوال سئوال بیجایی است چراکه ما نه بودن خود را انتخاب میکنیم و نه نبودن خود را . این را میدانیم‌که آمدنی بالاخره رفتنیه . «**چگونه زیستن وچگونه رفتن ؟**» سئوال واقعی را اینگونه باید مطرح‌کرد . این سئوالی است که جامعه یهودی ایرانی در آمریکا باید از خود بکند . این همه مقدمه را چیدم‌تا خود را برسانم به اصل مطلب . تا خود را برسانم به **داریوش فاخری** تا خود را برسانم به شاملوی‌جامعه ما .

اخیراً در لوس‌آنجلس افرادی انگشت شمار که ازسکوت و بی تفاوتی اکثریت سوء استفاده میکنند و خود را نماینده جامعه یهودی می خوانند ، شروع به ترور شخصیت های سرشناس این جامعه کرده‌اند . یعنی افراد خود بزرگ بین که هنوزبعد از دهسال نمی

دانند ما به کجا رسیده‌ایم . همان افرادی هستند که جامعه یهودی را به بن بست تا کجاآباد کشیده‌اند و درمیان راه هم درختان بد بی‌میوه و یا مسموم‌کاشته‌اند . این افراد که با مدیریت غلط ، با گوشهایی ناشنوا وبا چشمهایی نابینا باعث شده‌اند جامعه ما از هم پاشیده شود آنقدر بخود افتخار میکنند که اخیراً هم دیگر را شخصیت جهانی خطاب میکنند و عکسهای تاریخی هم میگیرند . این افراد درطی دهسال گذشته نتوانسته‌اند و یا شاید نخواسته‌اند برنامه‌ای برای **تحلیل قومی** درجامعه‌مان بریزند ، نتوانسته‌اند ویا شاید نخواسته‌اند برنامه‌ای برای **جلوگیری ازطلاق** که در جامعه‌مان بیداد میکند بریزند ، نخواسته یا شاید نتوانسته‌اند برنامه‌ای برای **جوانانمان** که دارند از دست میروند بریزند . حاضر نشده‌اند که جامعه‌ای که سردرگم است و نمی داند ایرانی است ، یهودیست و یا آمریکائیست ، دراین دوران پرآشوب که نسلی درحال مردن است و نسلی دیگر دارد جایگزین آن میشود را آماده برای این **تحول بحرانی** بکنند . بدین دلایل **زمان برعلیه ما درحرکت است** اگر این بی برنامه‌گی واین نابلدی ها ادامه پیداکند جامعه‌ای بنام «جامعه یهودیان ایرانی » با تمام خصائل خوبش تا بیست سال از اکنون وجود نخواهد داشت .

پس **چه‌باید‌کرد** ؟ باید بر علیه این مدیریت غلط **اعتراض** کرد . باید **انتقاد** کرد . مردمی‌که پول باین آقایان میدهند باید بدانند پول‌آنها بکجا میرود ؟ **چگونه** ؟ **چرا** ؟ پس ما در محیطی آزاد بنام آمریکا **نباید بگذاریم «سکوت فریاد بکشد»** چرا همانطور که عرض کردم این آقایان ناشنوا هستند . پس ما نیزچون شاملو باید به **«جدال با خاموشی»** برویم . باید از آنها که آمده‌اند **تاحرفی «تازه‌تر»** بگویند ، دفاع کنیم .

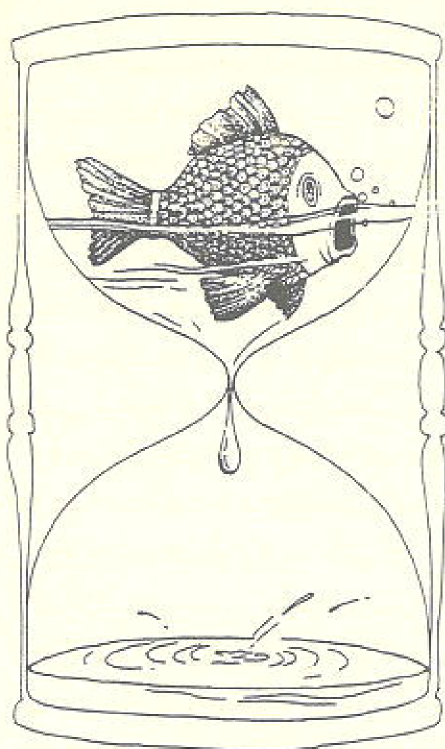
هم اکنون بعضی از اعضای **«فدراسیون بخشی از جامعه یهودی ایرانی »** به ترور شخصیت داریوش فاخری پرداخته‌اند . چرا ؟ چونکه ایشان از فعالیتها (یا شاید بهتراست بگوییم عدم فعالیت) **فدراسیون بخشی ازجامعه یهودیان ایرانی** انتقاد کرده‌است و چون با انتقادات خود دارد کم‌کم اکثریت خاموش را از عمق فاجعه آگاه میکند ، برخی ازاین آقایان از او ترسیده‌اند . آنها فکرمیکنند که داریوش فاخری زبانش درازشده‌است ، دادو بیداد زیاد میکند ، پر رو شده ، جای خودش را نمی داند ، آتشش تند است و شاید بدتر از همه ، او زیاد میداند .

حال باید پرسید که چرا من این مسئله را بصورت عمومی عنوان می‌کنم . باید پرسید چرا از فاخری دفاع میکنم ؟ باید از او دفاع کنم چراکه در مصاحبه‌ای با او ، در **«مجله جوانان »** وی را یک «اندیشمند یهودی » ، « یک انسان والا» و یک «شخصیت گرانقدر» خواندم (مجله جوانان ، سال پنجم ، شماره ۲۱۹ ، ۱۶ آگست ۱۹۹۰) .

دوسه سال پیش درفکر این‌بودم‌که در «مجله جوانان» با سرشناس ترین شخصیت جامعه یهودی مصاحبه کنم . به تمام افرادی که قابل اعتماد من هستند و با من مشورت میکنند گفتم که من نمی خواهم با شخصیتی مصاحبه کنم بخاطر اینکه «رئیس فلان سازمانه» یا دکتر «فلان» رشته است و یا «فلان» مقدار پول‌داره .خیلی‌ساده گفتم‌می خواهم‌با کسی مصاحبه کنم‌که **«فکری» برای مردم** کرده باشد و **«حرفی» برای‌گفتن** داشته باشد . آن‌دسته عزیزانی که لطف میکنند ومصاحبه های طولانی مرا در جوانان مطالعه میکنند آگاه هستند که من خیلی‌کم مصاحبه میکنم ولی تمام مصاحبه های من با سرشناس ترین شخصیت های جهان بوده است و میدانند که من فوق العاده سختگیر هستم . من درآن زمان ، تصمیم گرفتم که از میان تمام‌کاندیداها که اکثرشان اصلا نه مرا می شناختند و یا نوشته های مرا خوانده بودند ولی قربان صدقه‌ام میرفتند تا با ایشان به گفتگو بپردازم داریوش فاخری را انتخاب کردم . اورا انتخاب کردم چراکه درطی سالهای سال ثابت کرده بود که **مرد عمل است و حرفی برای‌گفتن دارد و مردم هم قبولش دارند** . حالا که فاخری زیر حمله قرار گرفته من وظیفه خود میدانم که از او دفاع کنم .

فاخری را دارند ترور میکنند و یا شاید بهتراست بگوییم داریوش فاخری را بعنوان یک‌شخصیت اجتماعی‌دارند ترور میکنند . بعضی افراد فدراسیون می خواهند صدایش را خفه کنند می خواهند قلمش را بشکنند . آنها می خواهند اورا بعنوان یک‌روشنفکر رادیکال معرفی کنند . شروع کرده‌اند و دارند در غیابش نامه پخش‌میکنند و «فلایر» بدست مردم‌میدهند ، در «شب نشینیها» در گوشها پچ پچ میکنند . گمان‌میکنند که با نابودکردن «فاخری» صدای اعتراض را خاموش خواهند کرد . گمان میبرند که غده سرطانی فاخری است و با نابودکردن او از گسترش نارضایتی جامعه یهودی از **«فدراسیون بخشی ازیهودیان ایرانی»** جلوگیری خواهند کرد . فکر میکنند با نابودکردن فاخری ، در **«چشم انداز»** تخته خواهد شد و

«سازمان سیامک» را از مردم خواهند گرفت . تمامی اینگونه ماجراها ،
بقول دوست نازنینم **شهیار قنبری ، فوق العاده غم انگیز است .**
و من در شهری که عصا از کور می دزدند از خوش باوری اینجا محبت آرزو کردم .
عاشقی رادارند بدارمیکشند،
آیا کسی راهم اعتراضی هست ؟؟؟
رازقی :
پرپرمیشود
باغ
- به چله می نشیند
تو :
- بخاک میافتی
کمرعشق :
- میشکند
ما :
آیاخواهیم‌نشست وتماشاخواهیم کرد؟



مردم‌نباید در برابر این مدیریت به خاموشی بنشینند . مردم نباید بگذارند این آقایان در «داون تاون» بلیطهای ۲۵۰ دلاری ، ۵۰۰ دلاری ، ۱۰۰۰ دلاری بزور بفروشند و بگویند : نگران نباشید ! **«ما» از «شما» بهتر میدانیم** چگونه باید پولتان خرج‌شود ! وای بر روزی که مردم آنقدر خود را حقیر حساب کنند که قبول کنند دیگری از آنها بهتر میداند ، چگونه پول مردم خرج شود .

درحال حاضر سکوت حکومت میکند در شهر ترس حکومت میکند در شهر همه **دورخیزگرفته اند برای انجام‌کاری بزرگ .** رهبران به جامعه میگویند : «فعلا» بما پول بدهید تا ما «بعداً» فکری برایتان بکنیم . و مردم‌ساکت و در «**انتظارگودو**» نشسته‌اند و خود نیز میدانند که «**گودو**» هرگز نخواهد آمد . ولی باید سخن گفت ! **بایدسکوت را شکست .** آقایان ! ماهمه میدانیم مردم فرد ساکت را دوست دارند چون حرفی نمیزنند .

رهبران واقعی آن اشخاصی هستند که حرفی میزنند و کاری میکنند ، نه اینکه ساکت بنشینند و خود را کنار بکشند .**عزیزان ساکت منشینید !** امروز فاخری را میکوبند ، فردا نوبت شماست ، و پس فردا دیگری . نگذاریم شهر به هم بریزد و هر سخنی را به این علت که باب مذاق بعضی از افراد فدراسیون نیست ، تخطئه کنند .

دریک‌جامعه‌ی آزاد ، هر روزنامه نگاری حق دارد عقیده‌اش را بگوید . میگوئید واقع بینانه نیست ؟ پس بآن پاسخ دهید ... پاسخی منطقی و مستند . **به جنگ عقیده ، فقط باید به جنگ با عقیده رفت** نه با چماق دشنام و نه با نیت پرونده سازی و با قلم قلدر . اگر سکوت کنید ، اگر خاموش بنشینید ، اگر از فاخری دفاع نکنید ، همین ها فردا شما را هدف میگیرند و پس فردا دیگری را .

برخی از اعضای «فدراسیون بخشی از یهودیان ایرانی» **ماهیان چابکی هستند در اسارت یک تنگ بلوری** ، ولی در باطن ، بی هیچ علاقه‌ای به سرود سرکش امواج ، چراکه میدانند برای رسیدن به دریا ، باید از رودبارهای خروشان بگذرند و این ، صد البته جزء همان معدود چیزهاست که به مذاق فدراسیون خوش نمیاید . خودشان هم فهمیده‌اند که بمحض رسیدن به دریا ، درآن غرق خواهند شد . آخر اگرچه آنها شناگران قابلی هستند ، ولی فقط با یک جور شنا ، آشنائی دارند . همان دم‌زدن در تنگ بلور ، بجای دم‌زدن در دریا . بیگدار به‌آب زدن هم که کار هیچ عاقلی نیست . مخالف جریان آب شناکردن هم . به ستیزبا دریا رفتن هم هرگز .

ماهی برای زنده ماندن ، به آب احتیاج دارد ، که آنهم درهمان تنگ بلور فراهم است و میدانیدچرا ؟ برای اینکه این شناگران قابل ، فی الواقع مشتی ماهیان مرده‌اند . **برای ماهیان مرده ، چه فرقی بین**

تنگجایی تنگی، یاگستردگی اقیانوسی ؟

حالا نوبت مردم است که تصمیم‌بگیرند آیا می‌خواهند درکنار **این مردگان که درسال ۵۷** یخ بسته‌اند بمانند و یا اینکه راه دیگری را انتخاب کنند وخود را به اقیانوسی برسانند.

بحث، بحث جنگ میان «فدراسیون» و «فاخری» نیست. بحث، بحث اینست که ماهم اکنون کجا ایستاده‌ایم ودر آینده بکجا خواهیم رفت.

درطرفی برخی از افراد فدراسیون بخشی از یهودیان ایرانی میباشند که بر صدها اشکال و فاجعه های اجتماعی چشم پوشیده. چرا چشم پوشیده ؟ چرا این آقایان (که اکثرشان مشتی پیرمرد هستند و در میانشان زنها و جوانان کمتر دیده میشوند) حاضر نیستند به وقایع نگاه کنند ؟ چونکه اگر که این واقعیت را قبول کنند، اگر به مشکلات مختلف جامعه ما نگاه کنند خود را گناهکار خواهند دانست. چرا که همین افراد بوده‌اند که در دهسال اخیر کمترین کاری برای حل این مشکلات نکرده‌اند. پس در واقع این افراد گناهکارازحقیقت میترسند و نمی خواهند باور کنند که آنها با روشهای دیکتاتوری خود و با «من» «من» کردن خود کاری نکرده‌اند. درطرف دیگر ما **«فاخری»** را داریم و **«چشم انداز»** را داریم و **«سازمان سیامک»** را.

فاخری کسی هست عاشق، **گناهش این است که به آینده فکرمیکند و بحال مردم دل میسوزاند**. حرفهای او حرفهای تازه‌ای هستند و همانطور که میدانیم **«قدیمی»** ها از حرف تازه و حرف نو خوششان نمیاید. حالا این دوستان نابلد نمی خواهند بگذارند فاخری حرف خود را بزنند. میترسند مردم فاخری را قبول‌کنند و بیشتر از همه ازاین میترسند که فاخری و «سازمان سیامک» موفق شوند مشکلات جامعه را حل‌کنند و باعث پیشرفت جامعه شوند. میترسند چراکه میدانند اگر موفق شوند نیازی دیگر به **«آنها»** نخواهد بود. پس آنها تصمیم به ترور شخصیت اجتماعی او گرفته‌اند. جرات ندارند که مثل افراد آزاده مقاله بنویسند و اسم خود را نیز بالای آن بگذارند ولی مردم‌آگاه هستند. مردم میدانند ماجرا چیست. بارها از این نابلدان شنیده‌ام که «مردم که نمیدونند، مردم‌که سرشان نمیشه، مردم‌که بی تفاوت هستند» بارها گفته‌ام و حالا بصورت عمومی میگویم که مردم بمراتب آگاه تر، عاقل تر و عاشق تراز بعضی ازگردانندگان سازمانهای اجتماعی این شهر هستند. حالا هم این مردم خواهند بود که تصمیم خواهند گرفت که سخن حق را بگویند. مردم قضاوتشان درست است. مسائل اجتماعی و دردهای قومی ما باید بالاخره روزی مطرح‌شوند. هرچقدر زخمی را بگذارید رشد کند، مدت زمان درمان آن بیشتر خواهد شد. من مطمئن هستم که مردم پاسخ این نابلدان را خواهند داد و درکنار **«فاخری»، «چشم انداز» و «سازمان سیامک»** خواهند ایستاد.

نوشته خود را با شعری ازشاعر بزرگ معاصر ایران، **ایرج جنتی عطائی**، باتمام میرسانم. این یکی از اشعار ممنوع و چاپ نشده‌ی اوست. شعر در اردیبهشت ۱۳۵۸ درهمان اوایل فصل فاجعه نوشته شده است ولی هنوزهم وهنوزهم تفکر برانگیز است. این شعر برای اولین بار بچاپ میرسد.

«آنکه هم‌گنج تو نیست

هرکسی :
- همرزمی
- همخشمی
- همرنجی، دارد

هرکسی :
- همبزمی
- همدستی
- همگنجی، دارد

آنکه باتو «همرزم» است،
- میخواهد :
باتو پیروزشود
- بردشمن

آنکه باتو «همخشم» است
- میخواهد :
باتو فریاد کند :
- «حق با ماست»

بقیه در صفحه 70

حرفی برای گفتن

ژرژ هارونیان

انتقاد و برخورد آزاد عقاید = پیشرفت جامعه

سرمقاله چشم انداز درشماره گذشته و انتقاداتی که درآن در رابطه با مقاله‌ی «به کجامیرویم ؟» (مندرج در نشریه شوفار لس آنجلس شماره ۷۱ دسامبر ۱۹۹۲) مطرح گردیده بود بحث ها و واکنش های متفاوت و فراوانی را **خوشبختانه** به همراه داشت .

از این رو می نویسم خوشبختانه زیرا برآن عقیده‌ام که «بحث و انتقاد آزاد» درمسائل اجتماعی امری واجب برای ترقی و پیشرفت جوامع می باشد و فکر می کنم برای کسانی که قدری با تاریخ سیاسی معاصر ایران آشنا می باشند این عبارت آنقدر ها هم نا آشنا و ناخوشایند نباشد زیرا نگاهی گذرا به این تاریخ گواه این واقعیت است که عدم وجود مطبوعات آزاد و نبودن امکان ابراز عقاید مخالف شاید که یکی از دلایل اصلی به وجود آمدن دیدگاه های تند رو ویا بنیادگرا می بوده این یک حادثه نیست که در اجتماعات بسته که خفقان و رخوت افکار وجود دارد و افراد آن جامعه امکان دریافت عقاید گوناگون را ندارند حاصلی به جز «بی تفاوتی» ، «بی نقشی» و «بی اعتمادی» به فعالین جامعه نخواهد بود . چقدر حیاتی است که ما یهودیان ایرانی (تبار) نیز به این امر واقف باشیم کما اینکه در هرجامعه آزادی که یهودیان می زیسته‌اند همواره در صف جلو مبارزان در آزادی بیان و عقیده می بوده‌اند .

باتوجه به این مقدمه کوتاه اجازه دهید بپردازیم به آن واکنش های متفاوتی که نسبت به سرمقاله شماره قبل ابراز گردیده . آنچه که با کمال اطمینان می توان بازگو کرد اینکه نوشته سردبیر را بخش قابل توجهی از نظر دهندگان مورد تایید قرار داده و شهامت و رک گویی اورا درمطرح نمودن مطالبی‌که به جرات می توان «درد دل» بسیاری نامید ستوده‌اند . بله ! بسیاری دراین شهر و دیگر اماکنی که یهودیان ایرانی تجمع نموده‌اند خواستار تحول و تغییر باطنی ونه ظاهری در تشکیلات اجتماعی خود می باشند و کم نیستند درمیان تحصیل کردگان و طبقه جوانتر که آن مقوله‌ای که بعضی به عنوان تشکیلات مرکزی یا فدراسیون یهودیان ایرانی لوس آنجلس مینامندش را به این صورت فعلی قبول ندارند و آنرا درحد اعلی سازمانی درکنار دیگر سازمانهای موجود این منطقه که به بعضی امور می پردازد و احیاناً خدماتی نیز انجام میدهد می شناسند . دلیل اصلی این عدم شناسایی رامی توان در یک عبارت ساده و کوتاه این چنین توضیح داد که : «این تشکیلات نمایانگر کامل و درستی ازآنچه که دراین جامعه میگذرد نیست .» واضح تربگوییم، درعرض این چند سالی که افراد جامعه با مقوله دموکراسی بیشتر آشنا شده‌اند (چه مدل غربی آن و چه مدل اسرائیلی آن) و از نزدیک طرز شکل گیری تشکیلات اجتماعی را آزموده‌اند مانند انتخابات (چه سیستم رای گیری ، نامزدی برای مقام یا هیات نظار) ، طرز عمل نشریات (نه نشریاتی که فقط بیانگر یک‌موضع خاص باشند) و یا لزوم تماس دائم و مستقیم فعالین جامعه با اعضای آنرا درک کرده‌اند ، دیگر این افراد زیر بار انتخابات فورمالیته وارکه بسیاری از موازین ابتدائی دموکراسی وحقوق افراد درآن پایمال گردیده نمیروند . این بخش‌جامعه نمی توانند قبول کنند که چون شخص یا اشخاصی زمانی در موقعیت رهبری جامعه بوده‌اند ، همواره و مادام العمر درهمان سمت ادامه دهند حتی دراین محیط جدید ومتفاوت. این بخش قابل توجه از جامعه ما می گویند که آنهایی که سالها دراین مملکت زیسته‌اند و از نزدیک با رموز و طرزکار این جامعه آشنا هستند و درضمن عشق و ایمان پایدار نیز به فرهنگ و تاریخ و موجودیت یهودیت دارند ، آنها نیزباید حق شرکت درطرح مشکلات وچاره جویی و اجراء آن چاره هارا داشته باشند . این افراد می پرسند که چرا هنوز در امور اجتماعی ما لیاقت وکاردانی افراد را باید فدای رابطه و دوستی کرد . آنها مطبوعات ودیگر رسانه های عمومی این مملکت را میخوانند و می بینند و همه روزه شاهد انتقادات شدید از مسئولین امور هستند . روزی نیست که مقاله و تفسیری انتقادی از عمل کرد ویا برنامه های رئیس‌جمهوری استاندار، شهردار و یاهرکس دیگری را در روزنامه ها ، تلویزیون و یا رادیو شاهد نباشیم .

بقیه در صفحه 60

اسرائیل در تلاش آسان نمودن قانون مدنی

از : نیویورک تایمز
برگردان : مریم میزراحی

میری نهادار درسن پانزده سالگی ازدواج کرده و دارای دو فرزند با سنین ۲۲ و ۱۷ ساله میباشد . میری مانند اکثر یهودیان ایرانی پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران به اسرائیل مهاجرت مینماید . از زمانی که به اتفاق خانواده‌اش به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند ، شوهر میری حاضر نیست حتی برای ۵ دقیقه به گردش خانوادگی بپردازند . میری تصمیم خود را سالها پیش گرفته بود و میدانست که هیچ چیز جز طلاق در زندگی نمی خواهد .

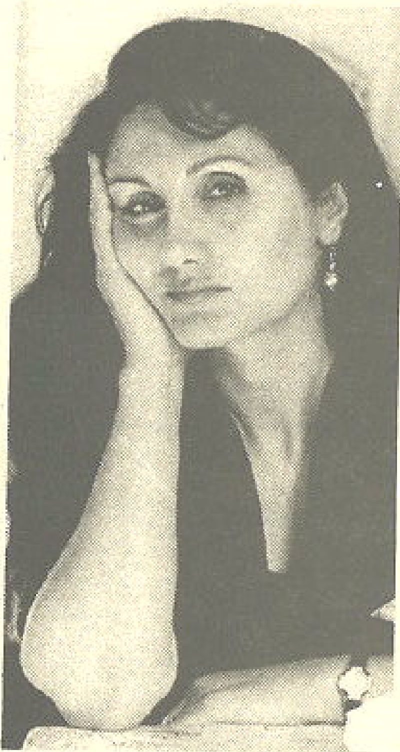
شوهر میری به این درخواست جواب منفی داده است . درکشور اسرائیل قانون مدنی ازدواج و طلاق وجود ندارد و دراین موارد بایستی به دادگاه ربانوت مراجعه کرد . ربانوت به این نتیجه رسیده‌اند که شوهر میری یک مرد نامناسب بوده و بایستی میری را طلاق بدهد ولی قدرت آن را ندارند که او را مجبور به این کارکنند .

خانم نهادار ازسرناچاری موافقت کرده که با پرداخت ۱۲۰۰ دلار طلاق نامه را از شوهرش دریافت کند . شوهر او اول مبلغ را به ۲۵۰۰ دلار و بعد هم به ۶۰۰۰۰ دلار افزایش داده است . میری دلیلی برای این اجحاف نمی بیند . او درسن ۳۹ سالگی به عنوان یک کارمند بانک BANK TELLER در اورشلیم شروع به کار نمود . او در اوج نا امیدی احساس اسارت میکند و از ربانوت عصبانی است . میری اعتقاد دارد که آنان بایستی شوهر او را مجبور به امضاء طلاقنامه بنمایند . او میگوید **شوهرم که مرا نخریده است آنها چه حقی دارند با زندگی من اینطور بازی کنند .**

هزاران نفر رنج میبرند

درکشوری که‌دارای مسائل اجتماعی و دستورات مذهبی پیچیده است ، هزاران نفر و بیشتر زنها مانند میری نهادار قادر به رها شدن از ازدواجهای بد ، بخاطر شرایط اقتصادی و تعلقات الهی نیستند .

گرفتاری این افراد یک مسئله بسیار جدی است که دولت اسرائیل باید درمورد آن فکری بنماید . در قانون یهود ، یک‌مرد در شرایط میری می تواند با یک‌زن دیگر ازدواج نموده (بشرطی که آن زن ازدواج‌نکرده باشد) و دارای فرزند هم بشود و فرزندان آنان حلال زاده بحساب میآیند . درحالیکه برای زنها چنین حقی وجود ندارد . آنها حتی ترس این را دارند که بایک مرد دیگری دیده شوند و درصورت بچه دار شدن بچه های آنان حرامزاده محسوب می شوند **من هر شبات و موعد تنها هستم** ، این جمله از گفته های یک‌زن ۲۵ ساله مقیم اورشلیم است که برای طلاق گرفتن از شوهرش مدت سه سال است تلاش میکند . میگوید : گاهی وقتها شوهرم بمن میگوید دوستت دارم و زمانی میگوید که انتقام میگیرم و گاهی ازمن طلب پول مینماید.



Miri Nahadar

هرلحظه زندگی من‌زندان است .

یک ربای ارتدکس که بر دادگاه ربانوت کنترل دارد ضمن احساس همدردی میگوید که هیچ کاری از دستش ساخته نیست . بنابه قانون یهودیت مرد باید طلاق نامه را بدهد و زن باید دریافت کند . این قانون قرنها پیش در شرایط نبودن حقوق مساوی زن و مرد بوجود آمده است .

ربای ELIYAHU - BEN - DAHAN میگوید : «من اعتقاد دارم که این موضوع ناعادلانه است ولی تنها کاری که از دست ما

اسرائیل در تلاش قانون مدنی طلاق

برمیاید توصیه است ولی نمی توانیم کسی را مجبور نمائیم» دولت اسرائیل درصدد است قانونی وضع نماید که اگر زن یا شوهر به توصیه ربانوت اهمیت ندادند ، بعد از یک ماه پاسپورت ، حساب بانکی ، گواهی رانندگی و کارتهای اعتباری آنهارا لغو نماید . این عمل ، زندگی روزانه آنهارا دشوار نموده و ممکن است مجبور شوند طلاق نامه را امضاء نمایند . انجمنهای زنان از این پیشنهاد پشتیبانی میکنند . ولی این انجمنها این مشکل را مشکل قانون یهود ندانسته بلکه مسبب آن را رباهای ارتدکس جدید میدانند . میمونید (فیلسوف و متفکر بزرگ یهود) دراین موارد حتی شلاق زدن را مجازدانسته است که البته دولت اسرائیل این قانون را منع کرده است . خانم SHENHAV عقیده دارد که اگر شلاق زدن غیر مجاز است پس بایستی حداقل آنها را به زندان فرستاد ، ولی ربانوت با این روش موافق نیستند .

ربای SHILO RAPHAEL ، رئیس ربانوت اورشلیم میگوید که درعرض ۱۴ سال گذشته تنها ده فقره حکم زندان صادر نموده است و باین ترتیب شوهر مجبور شده که طلاق را بدهد . وی اعتقاد دارد جائیکه می توان با تفنگ جنگید چرا بایستی از توپ استفاده کرد

بهرحال زندانی کردن هم همیشه راه حل عملی نیست . یحیی آوراهام مدت چهل سال است که ترجیح داده پشت میله های زندان بماند تا زنش را طلاق بدهد . یحیی درحال حاضر ۸۰ ساله و زنش ORA ٦۴ ساله میباشند .

ربای REGEV ، یک ربای ریفورم دراین مورد میگوید : «تنها راه حل مشکل این است که قانون مدنی طلاق بوجود بیاید . یا اینکه انحصار ارتدکسها درمورد این قضیه را باید ازبین برد» .

اینطورکه معلوم است این قانون به زودی بمنه ظهور نخواهد رسید مطمئناًبرای خانم نهادار که احساس میکند جوانی‌اش را ازدست میدهد دیر خواهد بود . میری میگوید : تصویب این قانون ممکن است تا ده سال آینده طول بکشد ، تا آن زمان من ۵۰ ساله خواهم بود و احتیاجی به این طلاق نخواهم داشت .

پایان

انتقاد وبرخورد آزاد عقاید

بسیاری در جامعه ما این عمل را خواهانند ومورد قبول شان می باشد که زحمت و کار در امور اجتماعی بدون آمادگی برای پذیرش انتقاد امری است غیر دموکراتیک و خودخواهانه . آنان خواستار آنند که عقاید مختلف را بدانند تا خود قضاوت کنند .

ولی بوده‌اند افرادی که اظهار نظر منفی نسبت به این مقاله داشته‌اند وشاید که بتوان این اظهارنظر را در چند جمله کوتاه خلاصه کرد . این دوستان می گویند که محتوای کلام مقاله انتقاد از شخص بوده و اینگونه مقالات باعث دلسردی وکناره گیری خدمتگزاران و دلسوزان جامعه میگردد و باعث نفاق و تشتت آراء در جامعه خواهد شد .

من منکر این واقعیت نیستم‌که در خصلت انسان است که از انتقاد ناراحت شود و دلگیر شود ولی انسان آزاده وآزادیخواه از انتقاد نمی هراسد و اگر اهل اصول باشد آنرا می پذیرد و یا نظر خود را اعلام میکند . معتقدم که اگر مطالب سرمقاله چشم انداز باری دیگر با **دقت** مطالعه شود روی سخن را عملکرد و دیدگاه اجتماعی نویسنده مقاله شوفار می بینیم و نه انتقاد به خصوصیات اخلاقی و شخصیتی او . با آنکه سردبیر چشم انداز خود به خوبی از عهده توضیح منظور خود برمی آید و من دراینجا قصد توجیه مقاله او و جمله جمله آنرا ندارم ولی اینرا باید در اینجا بگویم که آن کسانی که این مقاله را به این ترتیب درک کرده‌اند سخت دراشتباهند .

این جابجایی اجتماعی و این سردرگمی که آنقدر به آن اشاره میشود و برایش دنبال نسخه می باشیم احتیاج به درک واقعیت ها و تغیر در طرز فکرهای قدیمی و ازکار افتاده دارد .

دوستان عزیز ، پاسخ انتقاد را با توضیح و ارائه دلایل و منطق باید داد (همانطوریکه در پایان سرمقاله خواسته شده) . مبارزه عقیدتی را جایگزین مبارزه و ترور شخصیت ها کردن باعث نفاق و تشتت آراء است ونه چیز دیگر . این بحث میان اشخاص نیست بلکه نظریاتی است راجع به اجتماع که ازطریق قلم اشخاص مطرح میشود . اگر یگانگی و اتحاد جامعه را خواهانید و اگر آینده روشن نسل های آتی را خواستارید واگرواقعاً آینده‌ی روشن برای نسل های آتی راخواهانید پاسخ به انتقادات راه شایسته وصحیح است ونه راهی دیگر.

بحث و برخورد آزادانه‌ی عقاید و انتقادات کمک به پیشرفت جامعه و اعضای آن مینماید .

شالوم



درپی شماره قبل

درمورد ازدواج یهودیان با غیر یهودیان چه نظری دارید؟

شرح زندگی کامران و ژیلا که درشماره پیش چشم انداز به چاپ رسید باعث ارسال نامه های فراوانی از طرف خوانندگان بود که نتایج آن را بصورت آمار غیر علمی ملاحظه می نمائید .

از کسانی که نامه نوشتند بسیار متشکریم ، نشان دادید که برای جامعه ارزش قائلید و بی اعتنا نیستید . دستتان را به گرمی می فشاریم و به تمام شما که جواب دادید افتخار میکنیم .

فروغ عزیزیان - ابراهیم دانشگر (نیویورک) - ف . ک (نیوجرسی) - عزیزاله اریه - هاله شادی - سعیدیونایی - موریس شم توب - م . نصرت - شیمون امین پور - مسعود زرگراف - پری جهان - جمشید ابراهیمیان - دکتر دلاوری - بطیا ملا ابراهیم - سیما احدوت و دهها نامه بی نام .

تعداد پاسخ دهندگان مرد ٦۰ ٪ پاسخ دهندگان زن ۴۰ ٪

سن زیر ۴۰ سال ۲۰ ٪ زیر ۵۰ - ۴۵ ٪ بالای ۵۰ سال ۳۵ ٪

۱ - کامران وژیلا تحت هیچ شرایطی نبایستی ازدواج کنند	موافق ۸۵ ٪	مخالف ۱۵ ٪
۲ - درصورت یهودی شدن ژیلا باهم ازدواج کنند	موافق ۲۰ ٪	مخالف ۸۰ ٪
۳ - ژیلا یهودی نشود ولی بچه هارایهودی بزرگ کند	موافق ۱۸ ٪	مخالف ۷۲ ٪
۴ - بشرط آنکه خانه یهودی باشد،کامران وژیلا ازدواج کنند	موافق ۲۵ ٪	مخالف ۷۰ ٪
۵ - شمادرجشن عروسی آنها شرکت می کنید ؟	آری ۴۰ ٪	خیر ٦۰ ٪
٦ - اگر ژیلا عروس شما بود،می خواستید یهودی شود؟	آری ۳۰ ٪	خیر ۷۰ ٪
۷ - آیا شما به کنیسا می روید؟	آری ۴۰ ٪	خیر ٦۰ ٪
۸ - آیا شما به سازمانهای یهودی وابسته‌اید؟	آری ۷۰ ٪	خیر ۳۰ ٪

۹ - تحصیلات یهودی پاسخ دهندگان - خانواده ۷۰ ٪ مدرسه ٦۰ ٪ کنیسا ۳۵ ٪ مطالعه ٦۰ ٪

۱۰ - میزان مذهبی بودن پاسخ دهندگان - خیلی مذهبی ۰ ٪ کمی مذهبی ۹۰ ٪ لامذهب ۱ نفر

۱۱ - تحصیلات علمی پاسخ دهندگان - دکتر ۱۵ ٪ فوق لیسانس ۵ ٪ لیسانس ۱۵ ٪ دیپلمه ۴۵ ٪ زیر دیپلم ۱۰ ٪

۱۲ - پاسخ دهندگان ۸۰ ٪ متاهل ۵ ٪ مجرد و ۱۰ ٪ مطلقه بودند .

۱۳ - پاسخ دهندگان ۷۵ ٪ بچه داشتند و ۲۵ ٪ بدون بچه

۱۴ - فرزندان پاسخ دهندگان ۵۰ ٪ ازدواج کرده و ۵۰ ٪ مجرد بودند .

۱۵ - فرزندان پاسخ دهندگان ۹۰ ٪ با یهودی ازدواج کرده و یا والدینشان اعتقاد و آرزو دارند با یهودی ازدواج نمایند .

و این نیز نمونه هایی از نظریاتی که فرستاده شده :

سیما احدوت

مـا یهودی هسـتیم و هـمیشه درمـورد دیـن حساسیت داشته‌ایم . حتی اگر کسی خود را بی دین معرفی بکند . بازهم همینکه به شب موعد نزدیک می شود و یا بـه شب کـیپور ، خـون

یهودیت او به جوش خواهد آمد. ممکن است چند سالی را گذشت کند ولی بعد ازآن را چه قلم شما زیبایی و اثری خاص در جامعه دارد . از شما خواهش می‌کنم کمی بیشتر دراین مورد با جوانان صحبت کنید .

اقدام زیبای شما درمورد افرادی که طلاق گرفته‌اند مورد ستایش فراوان است . شما می توانید با نظرخواهی ازاین افراد وپرسش درمورد دلیل جدایی آنان علل مختلف طلاق را دسته بندی‌کنید .

بدون نام

متاسفانه باید بگویم که عاقبت فکرکنم پسرهایم هم با غیر یهودی ازدواج کنند چون یهودیان فقط دنبال اسم و رسم و پول هستند مخصوصاً یهودیان ایرانی و بچه ها هم نمی توانند تا آخر عمر مجرد و بدون شوهر وزن بمانند پس میروند با غیر یهودی ازدواج میکنند چون چاره‌ای ندارند .

بطیا ملا ابراهیم

به جوانها هشدار بدهید ، جوانها خوب فکر میکنند ، عمر عزیز خودشان را برای لذت های زودگذر به باد فنا ندهند که بعد از مدت کوتاهی پشیمان میشوند که دیگر آن پشیمانی سودی نخواهد داشت .

مستانه نصرت آبادی

عاشق و معشوق ترین زوجهای دنیاکم وبیش در زندگی مشترکشان بارها و بارها برسرمسائل مختلف زندگی مشترک یا تربیت بچه ها و غیره و غیره اختلاف عقیده و سلیقه داشته و خواهند داشت بخصوص که درزندگی مشترک ، مشکلات پیش بینی نشده‌ای هم از قبیل بیماری یا وضع بد مالی و غیره پیش‌آید. حالا فکر کنید اگر اختلاف فرهنگ و بخصوص دین و آئین هم به این مسائل اضافه گردد . البته همه به راحتی می توانند افراد غیر هم دین را بعنوان دوست پذیراباشند ولی بعنوان وصلت بسیار بسیار مشکل خواهد بود . درمورد خواستگاری از دختر یهودی ایرانی پسر حتماً توقع دارد دختر بسیار زیبا و باهوش و تحصیلکرده ، کم سن و سال باشد نجابت که جای خود دارد پولدار هم باشد و تمام خانواده و اقوام و ایل و تبارش هم از مقامات بسیار عالی‌رتبه و مرفه و بقولی اسم و رسم دار باشد ولی نمی دانم چرا وقتی پای یک دختری غیر و خارج از دین و اجتماع یهودیت ایرانی پیش می آید همه توقعات و خواسته ها به صفر می رسد شاید بظاهر ازدواج با یک دختر یهودی مشکل تر باشد بخصوص شناخت او چون هنوز دختران یهودی بخصوص ایرانی این اجازه را بخودشان نمی‌دهند احساس و محبت و عشق شان را قبل از ازدواج همانند بقیه دختران در اختیار مردان بگذارند .زندگی مشترک زناشوئی همیشه در طول دوران خود دستخوش بالا و پائینی‌بوده و هست و خواهد بود و تنها گذشت و فداکاری دوجانبه طرفین باعث ثبات و بقای آن خواهد بود و داشتن یک فرهنگ و یک دین کمک بیشتری به ثبات و بقای سالم ازدواج خواهد کرد . ما وظیفه داریم تا این دین الهی و راستین را برای بقای انسانیت و رشد آن و صداقت وپاکی زندگی هر انسانی باقی نگه داریم .

دکتر فریدون دلاوری

مسلماً تاریخ وسابقه نشان داده است که هیچکس در سن بعد از ۱۸ سال نمیتواند مذهب و سنت های خود را عوض کند و مذهب و سنت های شخص‌مورد علاقه‌اش رابه اجراء درآورد : این را باید فراموش‌کرد که رنگ قرمز سفید نمیشود و کامپیوتر مغزی ساخته شده عوض نمیشود : (البته بطور طبیعی یا مطالعه شخصی ممکن است مذهب خود را عوض‌کند) اما مسئله کامران و ژیلا براساس عشق و دوست داشتن مطرح است ضمناً از لحاظ پزشکی‌ودینی اگر با تمام متخصصین و تجربه داران اجتماعی که زندگی کرده اند سئوال شود مسائل‌زیر پیش می آید :

بچه هایی که از مادر بدنیا می آیند از خون مادر تغذیه کرده رفتارمادر رابه‌ارث می‌برند، تشابه زیادی از لحاظ رفتار از مادر میگیرند : البته تمام ژن هایی که در پدر و مادر موجود است به اطفال به ارث برده می شوند ولی تربیت بعد از بدنیا آمدن اطفال تا سنین ۱۸ سال با مادر است و مغز آنها ساخته و پرداخته میشود اگر مادر اراده کند میتواند تمام اطفال خودرا به تبعیت از خود درآورد : مادر تا سن ۱۸ سالگی با اطفال خود است هرچه مادر اراده کند فرزند می گیرد :

در مذهب‌یهود نیز فرزند مال مادر است .مادر درس دین داری به فرزند میدهد و او را میسازد و شکل داده و تربیت و تعلیم میدهد : البته تعداد کمی‌پدرانی وجوددارند که با قدرت مالی یا تحصیلی ، بیشتر از مادر در بچه ها نفوذ دارند ولی رویهمرفته با اختلاف فاحش قدرت مادر بطور طبیعی می‌چربد چون مادر ساعات بیشتری با طفل خود می باشد آنهم با محبت زیاد مادری : بنابراین با تنها عشق کنونی نمی‌شود آقای کامران مطمئن باشد که بچه های او یهودی و تعلیم و تربیت یهودی را بگیرند : هم اکنون در جامعه ما وجود دارند که پدر غیر

بقیه در صفحه 70

زن یهودی

بسپارد یعنی شبات را نگهدارد . و از آنجا که این زن است که باید شبات را «رعایت» کند (باکارنکردن درخانه) پس ، همینطور هم باید شبات رااز راه خواندن برخای شراب ، بخاطر بسپارد و بعبارتی ، نگهدارد .

در بسیاری از خانواده ها فقط بزرگ خانواده کیدوش میخوانند .و تمام حاضرین از جمله زنان با گفتن آمین و نوشیدن شراب سهم برخای خود را انجام میدهند در برخی خانه ها هریک از حاضرین جداگانه کیدوش میخوانند ویا در سایر خانواده ها این فقط بعهده مرد خانه است .

در بسیاری از خانواده های یهودی ریفورم دخترها هم مثل پسرها کیدوش میگویند در حالیکه در بعضی دیگر بطور همگانی ، همه با هم میخوانند .

چرا دربعضی کنیساهای یهودیان میانه روCONSERVATIVE زن را بعنوان فردی از مینیان MINYAN قبول دارند و برخی دیگر قبول ندارند؟

درسال ۱۹۷۳ کمیته ربایان تصمیم گیرنده قوانین و معیارهای یهودی (میانه روها) راجع به قبول کردن زن بعنوان فردی از مینیان (گروه ۱۰ نفره) ، چنین رای‌دادند که این امر به اختیار هر ربای وکنیسای اوست که طبق عقیده خود عمل کنند . بسیاری ازربـاهای میانه رو ترجیح میدهند که همان قانونی را دنبال‌کنند که باید برای برخا ۱۰ نفر مرد (عصارا) حاضر باشند طبق قانون شولخان آروخ. سایر ربای های میانه رو بیشتر طرفدار برسمیت شناختن زن ، بعنوان یکی از ۱۰ نفر (عصارا - مینیان) هستند . واین دسته جدید ، با استناد به بخش دیگری از همان نوشته باین نتیجه رسیده‌اند که میگوید «همه» میتوانند درگروه هفت نفری (MINYAN) که روز شبات برای خواندن تورا صدا میشوند ، بحساب بیایند . حتی یک زن یا یک کودک خردسال .

اگرچه ربای های آزادیخواه (LIBERAL) معتقدند که این نوشته فقط به خواندن تورا در روز شبات اشاره میکند ، ولی این چون خودش اهمیت زیادی در مراسم کنیسا دارد و از آنجا که به زن امتیاز خواندن تورا داده شده ، پس توصیه میکنند که بهتر است همین امتیاز تساوات زن با مرد دراین مورد ، توسعه یابد و باعث پذیرش زنان حتی در شمارش نفرات لازمه برای مینیان نیز (دعای ۱۰ نفره) بشود.درکنیساهای ارتدوکس زن راجزو این شمارش بحساب نمیاورند . درحالیکه از نظر ریفورمها ، زن بدین منظور قابل قبول است .

چرا سنت براین است که زن مثل مرد برای شکرگزاری غذا(QUORUM) بحساب نمیایند ؟

برای خواندن برخای بعدازغذا حداقل سه نفر آدم‌بالغ لازم است . طبق قانون یهودیت این سه نفر باید سه نفر زن یا سه نفر مرد باشند و نمیشود زن و مردقاطی باشند . تلمود علت این را چنین تفسیر میکند که از نزدیک بودن زن و مرد باید جلوگیری شود در غیر این صورت ممکن است موجب عمل نادرست و دور از اخلاق بشود . ربای های میانه رو نظر آزادیخواهانه تری دارند باین ترتیب که زن رابعنوان فردی از گروه سه نفری (مزومان) بحساب میآورند . ریفورم ها ، گروه سه نفری مزومان را لازم نمیدانند .

چرا سنتاً زن اجازه انجام مراسم مذهبی رسمی راندارد؟

قانون ورسوم یهودیت همیشه بشدت با انجام مراسم مذهبی توسط زن مخالفت کرده‌اند . دلیلی که غالباًداده شده این است که شرکت زن در چنین مراسمی با «**احترام به مردم**» مغایرت دارد و شان اجتماع با شنیدن صدای زن توسط مردان ، جریحه دار خواهد شد . تلمود میگوید که صدای زن میتواند موجب تحریک جنسی مرد شده و در نتیجه حواس او را از تمرکز در موقع خواندن براخا پرت کند .

دلیل دیگر اینکه ، از آنجا که زن موظف نیست در دعای جمعی شرکت بکند ، پس اجازه راندن و رهبری کردن دعای جمعی در کنیسا را هم ندارد . دلیل تلمود در این مورد چنین است که فقط شخصی که «موظف» به انجام یک میصواست ، میتواند آن میصوارااز جانب شخص دیگری انجام بدهد .

امروزه ، ارتدوکس ها در هیچ مورد به زن اجازه انجام مراسم مذهبی کنیسارا نمیدهند . درحالیکه ریفورم ها به آنها حق‌کامل راداده‌اند .

دراین مورد میانه روها دو گروه هستند . اکثر آنها به زن اجازه خواندن تورا و کانتور بودن (خواندن با آواز مذهبی) را نمیدهند درحالیکه برخی از آنان به یک دختر موقع بت میصوایش یا در موقعیتهای خاص ، اجازه شرکت میدهند .

آن گروهی که به زن این اجازه را میدهند چنین استدلال میکنند که برداشت سایرین درمورد شرکت نکردن زن در اجرای مراسم

بقیه در صفحه 71



صفحه ازدواج

نشریه چشم انداز برای آشنایی جوانان یهودی در شرایطی ساده و سالم این صفحه را ترتیب داده است.

خواهشمندیم این فورم را کاملا" پر نموده و به آدرس زیر ارسال دارید. روی پاکت مرقوم فرمایید **مربوط به صفحه ازدواج** در این صورت این نامه تنها توسط مسئول مربوطه باز خواهد شد و کلیه اطلاعات محرمانه خواهد ماند. به هر فرد یک شماره کد داده می شود.

نام و نشان افرادی که مایل به آشنایی با شخص آگهی دهنده باشند ، در اختیار آگهی دهنده قرار خواهد گرفت تا در صورت تمایل با آنان تماس حاصل نمایند. **سازمان سیامک** ، هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت و سقم اطلاعات داده شده از طرف آگهی دهندگان و افرادی که به آگهی ها جواب می دهند ، نخواهد داشت . درج آگهی ها رایگان می باشد.

تلفن ۱۲۷۰ - ۵۰۳ (۸۱۸)

P.O. BOX 3074 , BEVERLY HILLS , CA 90212

آگهی دهنده

نام ....نام خانوادگی ....قد ....

سن .... میزان تحصیلات .... شغل...................درآمد ....

آیا قبلا" ازدواج کرده اید ؟ بله ☐ نه ☐ اگر بله ، تعداد فرزند ....

نشـــــانی:

تلفن خانه ( ) محل کار ( )

خصوصیاتی که مایلید در مورد شما بدانند

همسر مورد علاقه

سن .... قد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

در آمد .... مجرد ☐ قبلا" متاهل ☐

خصوصیاتی که مایلید در همسر آینده بیابید.

«پیوند دلها»

دختر خانمی ۳۲ ساله ساکن لس آنجلس ، لیسانس کامپیوتر و درآمد ۲۰۰۰ دلار در ماه ، جذاب ، مهربان ، اجتماعی ، احساساتی ، اهل خانواده و ازدواج ، شیک پوش و امروزی ، علاقمند به تنیس ، شنا و پیانو
مایل به ازدواج با آقائی ۴۰ ـ ۳۵ ساله ، قد متوسط ، تحصیلات دانشگاهی و موفق در رشته شغلی خود با درآمد ۳۰۰۰ دلار به بالا مجرد و یا قبلا متاهل که مهربان ، روراست ، امروزی ، خوش قیافه ، اهل خانواده و ازدواج ، باهوش ، گرم و دست و دلباز باشد.

کد ٦٦۳

دختری ۲۴ ساله ساکن لس آنجلس ، قد ۲ / ۵ ، سکرتر با درآمد ٦۰۰ دلار ، علاقمند به شنا ، پیاده روی ، مهربان ، رو راست ، پای بند خانواده ، علاقمند به موزیک و خونگرم
مایل به ازدواج با مردی ۳۰ ـ ۲۷ ساله ، قد ۱ / ٦ ، دیپلمه ، شغل مهم نیست ولی برای زندگی آماده خصوصیاتی تقریباً شبیه من و پای بند اصول اخلاقی و خانواده باشد .

کد ۳۵۹

سه برادر با سنین ۳۵ ـ ۳۰ سال با تحصیلات دانشگاهی و شغل آزاد ، درآمد مشترک ۱۰ هزار دلار ، خوش تیپ و دوست داشتنی و شغل خوب آزاد
مایل به ازدواج با دخترانی ۳۰ ـ ۲۰ ساله و قد ۳ / ۵ به بالا ، دانشگاه دیده ، مجرد ، خوش سیرت ، خوش‌قلب ، عاشق فرزند وشوهر که مایل به ازدواج‌فوری باشند ، یهودی بوده و هنر زندگی کردن را بلد و اهل خود نمایی نباشند .

کد ٦۰٦

پخته مردی ۵۳ ساله ، شغل آزاد و درآمد مکفی ، اهل دل ، خوش مشرب و خوش بیان ، علاقمند به مسافرت و گــردش ، در انتظـار زندگی‌بـاهمسری صـادق وهمفکروخانه داربا‌حدود سنی ۴۲ ـ۳٦ ساله می باشم

کد ۰۷۹

آقائی ۳۳ ساله ، فوق لیسانس مدیریت با درآمد مکفی ، ساکن سان دیه گو ، مسافرت کرده ، خوش برخورد ، شوخ طبع مقیم‌کالیفرنیا از ۱۹۷۹ ، پر انرژی ، خود ساخته
مایل به ازدواج با دختری ۲۸ ـ ۲۴ ساله ، دانشجو یا لیسانس ، شاغل ، که شوخ طبع ، تحصیل کرده اجتماعی ، با وقار ، قابلیت تطبیق با ناگواریها ، آگاه ازوقایع روزمره دنیا (نه شایعات در کنیسا).

کد ۷۰۳

خانمی ۴۰ ساله دارای دو فرزند ، مهربان ، زیبا وباگذشت که ازرفاه کامل برخوردار میباشند مایل به ازدواج با آقایی بین ۴۵ تا ۵۰ ساله دارای درجه لیسانس ، قبلا متاهل ، باشخصیت ، از خانواده محترم ، سالم ، راستگو و قابل اعتماد میباشند .

کد ۹۸۲

دوشیزه‌ای ۳۸ ساله ، لیسانسیه ، فروشنده نقره بادرآمد ۲۸۰۰۰ دلار در سال ، خوش اخلاق ، مهربان ، صادق ، درستکار و پای بند اصول اخلاقی مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ تا ۵۰ ساله دارای شغل آبرومند ، درآمد کافی زندگی ، مجرد یا قبلا متاهل ، خانواده دوست ، مهربان ، شریف ، بااحساس مسئولیت اهل تفریح و ورزش .

کد ۲٦۲

خانمی ۴۷ ساله ، دیپلمه ، با شغل آزاد ودرآمدکافی دارای دو فرزند که مستقل زندگی میکنند ، خوش اخلاق ، مهربان ، با شخصیت و اصالت مایل به ازدواج با آقایی ۵۰ تا ٦۰ ساله با شغل آبرومند ، درآمد کافی قبلا متاهل ، مهربان ، خوش اخلاق ، معاشرتی ، باشخصیت وکمی خوش بر رو.

کد ٦۰۵

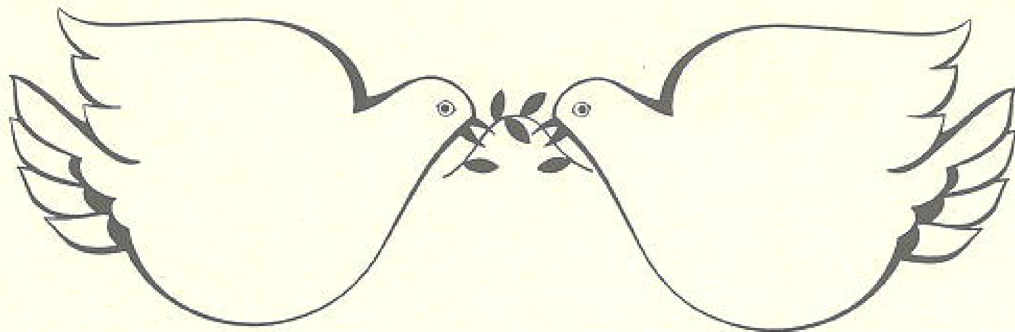
خانمی دکتر ۳۵ ساله ساکن لس آنجلس ، زیبا ، خوش برخورد ، با اصالت ، ازخانواده‌ای محترم و معتقد و پای بند اصول اخلاقی‌و انسانی ـ مایل به آشنایی با آقایی با حقیقت و با اصالت به منظور ازدواج و تشکیل خانواده می باشم .

کد ۸۰۴

آقایی ۴۲ ساله دارای فوق لیسانس مدیریت ساکن لاهویا باکارشخصی و درآمد ۴۵۰۰۰ دلار درسال تحصیلکرده ، باگذشت ، وفادار ، خانواده دوست و بدون تعصب مایل به آشنایی با خانمی زیر ۳۰ سال ، تحصیلکرده دانشگاه ، مجرد یا قبلا متاهل ، جذاب ، باگذشت ، مهربان که دنبال مادیات نباشد میباشم . درآمد ایشان مهم نیست .

کد ٦٦۱

خانمی ۳٦ ساله ساکن انسینو ، دانشگاه دیده با شغل آزاد ودرآمد ۳۵۰۰۰ دلار درسال ، ازدواج نکرده ، خوش اندام ، جذاب ، چشم وابرو مشکی ، نجیب با فرهنگ یهودی ایرانی ، علاقمند به موزیک ، مسافرت ، ورزش ، راه رفتن (پیاده روی) ، مهربان علاقمند به ازدواج با مردی بین ۵۰ ـ ۴۰ ساله که ترجیحاً تحصیلکرده دانشگاه باشد با شغلی مناسب و



آبرومند ، درآمد مهم نیست مجرد یا قبلا ازدواج کرده که خوش اخلاق ، باوفا ، خوش برخورد ، مهربان ، راستگو ، مایل به تشکیل خانواده که عقلش درمغزش باشد نه درچشمش .

کد ۸۱۱

خانمی ۳۰ ساله ساکن لس آنجلس فوق لیسانس حسابداری ، درجستجوی کار - سیگار نمی کشم ، مشروب نمی خورم ، تحصیلاتم در آمریکا وکالیفرنیا را خیلی دوست دارم ، تنها آرزوی برآورده نشده‌ام ازدواج و بچه داشتن می باشد ، حافظه‌ام خوب و خوبیهای مردم را فراموش نمی کنم .

همسر مورد علاقه - سن بین ۴۵ - ۴۰ سال از ۵ فوت و ۵ اینچ بلند تر با تحصیلات لیسانس که در رشته خودش کار بکند مجرد یا قبلا ازدواج کرده مهم نیست درآمدش حداقل بتواند اجاره را بپردازد .میخواهم دونفری باهم کاربکنیم از بچه‌هایش نمی توانم مواظبت کنم زیرا کار مانع می شود.

کد ۷۰۱

آقای ۳۴ ساله ساکن لس‌آنجلس با قد ۵/۴ فوت ، تحصیلات دانشگاهی با شغل حسابداری و درآمد ۳۰ هزار دلار درسال ، شوخ طبع ، هنردوست ، علاقمند به گردش ، ویولونیست ، تسلط به انگلیسی و عبری ، آگاهی در علم جدید کبالا ، علاقمند به تشکیل خانواده و به مادیات بی توجه .

علاقمند به همسری بالای ۲۰ سال با تحصیلات حداقل متوسطه ، درآمد مهم نیست ، مجرد ، باوفا ، خوش خلق ومهربان ، باصفای باطن و علاقمند به تشکیل خانواده .

کد ۶۵۵

آقایی ساکن انسینو ۶۰ ساله دارای یک فرزند در جستجوی همسری بین ۵۰ - ۴۵ سال با قد متوسط ، حداقل دارای دیپلم‌که پای بند به اصول روابط خانوادگی و فرهنگ ایرانی .

کد ۹۲۳

خانمی ۳۶ ساله ساکن انسینو ، با تحصیلات دانشگاهی ، همکاریک وکیل با درآمد متغیر ، مجرد ، امین ، مهربان ، باهوش ، خوش قلب ، جذاب ، شوخ طبع .

همسر مورد علاقه بین ۵۰ - ۴۰ سال باهوش و شاغل بادرآمد مکفی ، مجرد یا قبلا متاهل ، درستکار ، تحصیلکرده ، شوخ ، جذاب .

کد ۳۵۱

خانمی ۳۸ ساله ساکن تارزانا ، بافوق لسانس پرستاری ، شغل آزاد و درآمد ۵۰۰۰ دلار درماه ، دارای ۲ فرزند ، با خصوصیات اهل زندگی ، مهربان ، تحصیلکرده ، رمانتیک ، با احساس ، پای بند اصول اخلاقی ، زیبا ، باگذشت .

علاقمند به یافتن همسری بین ۴۵ - ۴۰ ساله با قد متوسط ، لیسانسیه ، شاغل با درآمد مناسب ، مجرد یا قبلا متاهل ، باگذشت ، مهربان ، اهل زندگی ، رمانتیک ، باوفا ، فهمیده ، نسبتاً خوش قیافه ، موقعیت مالی زیاد مطرح نیست .

کد ۸۲۴

دخترخانمی ۲۸ساله باقد ۵/۳ فوت ، لیسانس ، حسابدار با درآمد ۲۵۰۰۰ دلار درسال ، مجرد ، جذاب ، باهوش ، باشخصیت واحساس و تحصیلکرده ، مهربان ، نظربلند ، با معرفت ، خوش سلیقه ، ازخانواده بسیار خوب و درستکار علاقمند به ازدواج با آقایی بین ۲۸ - ۳۰ سال قد ۶ - ۵ / ۵ فوت ، دیپلم به بالا با شغلی آبرومند ودرآمدی در سطح رفاه - ازدواج نکرده - مهربان ، با شخصیت ، دست و دلباز ، نظر بلند ، خوش اخلاق ، با قیافه‌ای در سطح قابل تحمل ، قدرشناس .

کد ۵۳۹

آقایی ۳۸ ساله ساکن سانتامونیکا ، فوق لیسانس ، شغل آرشیتکت با درآمد بالای ۴۰۰۰۰ دلار در سال دارای ۲ فرزند با خصوصیت یک‌آقای به تمام معنی بودن مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۵ ساله ، قد ۶ / ۵ فوت ، لیسانس با هرنوع شغل ودرآمد که با فهم باشد .

کد ۰۲۰

دوشیزه‌ای ۳۴ ساله ساکن انسینو قد ۵ فوت ، دیپلمه ، خوش قیافه با چشمانی سبز ، سفید رو ، مهربان ، خونگرم دارای اشکال فیزیکی در پا ، با تحرک

همسر مورد علاقه آقایی زیر ۴۷ سال ، تحصیلات مهم نیست ، با شغل درحدود امکانات مالی ، مجرد یا قبلا ازدواج کرده ، خوش اخلاق و بچه دوست .

کد ۴۲۱

رویدادهای سازمان سیامک

بهاری دیگر

گروه بهاری دیگر سازمان سیامک در ۲۳ ماه می گردهمایی اعضاء خود را در PIERCE COLLEGE برگزار نمود . برنامه ، شرکت اعضاء در فستیوال فرهنگ و هنر یهودیان لس آنجلس بود که از ساعت ۱۲ ظهر تا ۵ بعدازظهر ادامه داشت . دراین فستیوال که هرساله انجام میگردد و هزاران نفر درآن شرکت میکنند ، غذا - برنامه های هنری - هنر و حرفه - رقص وبرنامه های متنوع دیگر عرضه می شود .

یکشنبه ۶ جون ازساعت ۱۱ صبح تا ۵ بعدازظهر در پارک TEMESCAL CANYON برنامه پیک نیک برگزار گردید.

یکشنبه ۱۳ جون بازدید از موزه هالاکاست و شنبه شب ۲۶ جون در پارتی بزرگ جوانان سیامک بر عرشه کشتی وروی اقیانوس آرام شرکت نمودند .

۱۱ جولای اعضاء این گروه درنظر دارند بطور دسته جمعی به دیدن فیلم بروند .

جوانان روشنفکر وشاغل سیامک

روزیکشنبه ۲۶ جون اولین گردهمایی همگانی این گروه بصورت یک پارتی مجلل برعرشه کشتی و بر اقیانوس آرام با هنرمندی کورس و سوزان روشن برگزار گردید .

این گروه که متشکل از جوانان تحصیلکرده و شاغل اجتماع میباشد درنظر دارد با برگزاری ۲ سمینار درمورد مالیات و نحوه کارکرد شرکتها و یک شباتون و یک میهمانی صبحانه برنامه های خود را برای سال ۱۹۹۳ به پایان برد .

درصورت تمایل به شرکت دراین گروه و برنامه های آن با دفتر سازمان ۱۲۷۰ - ۵۰۳ - ۸۱۸ تماس حاصل نمائید .

همکاری با دانشجویان هیلل

جلسات پی درپی نظرخواهی و سمینارهای مشترک (یو سی ال با همکاری سازمان سیامک) طی ۸ جلسه بطور متناوب هر ۲ یکشنبه یکبار درماه و با حضور عده‌ای از افراد صاحبنظر و سرشناس برای ایجاد پلی ارتباطی بین جوانان و والدین از اواخرماه آگوست برگزار خواهد گردید .

برای اطلاعات بیشتر با دفتر سازمان تماس حاصل نمائید

(۸۱۸) ۵۰۳ - ۱۲۷۰

کلاسهای آشنایی با مقدمات کبالا

کلاسهای آشنایی با مقدمات کبالا و نحوه کاربرد آن برای یک‌زندگی بهتر سازمان سیامک دوره دوم خود را از اواسط تابستان به رهبری خانم دکتر میترا مقبوله شروع خواهد نمود .

استقبال بی شائبه مردم از این کلاسها و اثر مثبت آن در جامعه و افراد شرکت کننده امکان شروع کلاسهای اولیه دیگری را فراهم نموده است .

با دفتر سازمان سیامک تماس حاصل نمائید .

(۸۱۸) ۵۰۳ - ۱۲۷۰

رویدادهای سازمانهای دیگر

مدرسه نصح ایسرائل

باخبر شدیم که در انتخابات اخیر هیات مدیره مدرسه برای سال تحصیلی ۹۳ - ۹۴ به ترتیب خانم لیلی مراد زاده به عنوان رئیس وآقای مهندس مایکل ناعیم به عنوان نایب رئیس هیات مدیره انتخاب گردیده‌اند . هیات تحریریه چشم انداز این حسن انتخاب را صمیمانه تبریک میگوید و امیدواریم که این نهاد مهم جامعه تحت رهبری و زحمات این دو مادر و پدر جوان و دلسوز به پیشرفتهای بیشتری نائل گردد و همچنین نمونه‌ای باشد از دادن امکان به طبقه‌ی جوانتر وزنان برای تصمیم گیری و هدایت امور اجتماعی .

تبریک

تبریک داریم برای دکتر بهزاد نیاکان (داروساز) که مقاله‌ی تحقیقی او درباره رشد و از میان رفتن خود بخودی غدد سرطانی در نشریه انستیتو ملی سرطان آمریکا NATIONAL CANCER INSTITUTE بسیار مورد توجه و بحث پژوهشگران این رشته قرار گرفته است.

چشم انداز از خوانندگان تقاضا میکند که همواره خبر اینگونه افتخارات را به اطلاع نشریه‌ی خود برسانند تاما نیز به نوبه‌ی خود به اطلاع عموم برسانیم.

قرائت تورا

مسابقه قرائت سفر تورا که به نام زنده یاد یهودا هارونیان بمنظور تشویق نوجوانان ایسرائل در فراگیری هرچه بیشتر تورا برگزار میگردد، امسال از ساعت ۱۰ صبح تا ۱بعدازظهر یکشنبه ۱۱ جولای در محل جوئیش فدریشن (لس آنجلس) برقرار خواهد بود.

کنیسا و مدرسه تورت حئیم

روزیکشنبه ٦ ماه جون دوستداران مدرسه تورت حئیم مجلس جشنی را برای بزرگداشت دو شخصیت معتبر جامعه یهودی ایرانی، راب داوید شوفط وآقای نادر قرمزیان برگزار نمودند.

این مجلس که با همت و پشتکار آقایان مسعود هارونیان و دکتر ساموئل نیومن تحقق پذیرفت، صدها نفر از شخصیتهای یهودی را گرد هم‌آورد و ضمن ایراد سخنرانی درمورد نقش فرهنگ در دیرپایی قوم‌یهود، بررسی دست آوردهای تورت حئیم تحت رهبری شخصیت متواضع و دانشمند آن، ربای داوید زرگری، مبلغی قابل توجه برای پشتیبانی این حرکت فرهنگی جمع آوری شد سازمان سیامک نیز در کنار دیگر سازمانهای یهودی این شهر دراین مجلس شرکت جست وچون همیشه از نظر مالی و معنوی بیاری آنان شتافت.

ما ضمن تبریک به راب داویدشوفط وآقای نادر قرمزیان، و قدردانی از دوستداران مدرسه تورت حئیم خصوصاً آقای مسعود هارونیان و دکتر ساموئل نیومن، این حرکت را ارج می نهیم

● بنیاد مگبیت

پیرو نامه‌ای که ازسازمان مرکزی ایرانیان مقیم اسرائیل درتاریخ ۲٦ مارچ ۱۹۹۳ به امضای پروفسور منشری بدست ما رسید، ضمن استقبال از ایده تهیه بورس تحصیلی از طرف بنیاد مگبیت برای دانشجویان اسرائیلی، نوشته شده بود که تابحال ۴ نفر موفق به اخذ این وام تحصیلی شده‌اند. درخاتمه چندین پیشنهاد نیز برای تسهیل کار این امر ضروری ارائه داده بودند.

نشریه چشم اندازبا مقامات مگبیت درلس آنجلس در این مورد تماس گرفت و برای آگاه نمودن افراد جامعه دراین مورد پرسش نمود. بنیاد مگبیت باحسن نیت کامل قول داد که پس از سفر دوتن از اعضای آن به اسرائیل وبررسی امور با ارائه مدارک لازم مراتب را برای آگاهی جامعه از طریق نشریه چشم انداز به اطلاع عموم برسانند. این بنیاد طی ارسال یک نامه می نویسد:

بنیاد مگبیت لوس آنجلس به اطلاع میرساند که تعداد دانشجویانی که در سال ۱۹۹۳ تا به امروز از وام دانشجویی بهره‌مند شده‌اند به پنجاه تن رسیده است و درحدود ۱۰۰ تن دیگر درحال اقدام می‌باشند.

دانشجویان ازدانشگاههای: تل-آویو، تکنولوژی یروشالیم، برایلان و تخنیون حیفا میباشند، که اکثریت آنان، ایرانی تبار و چندتن نیز از مهاجرین شوروی می باشند.

درتاریخ ۱۵ می ۱۹۹۳ نمایندگان مگبیت ملاقاتی با روسای تشکیلات ایرانیان ایسرائل بعمل آوردند که آنان نیز از فعالیتها و اقدامات مگبیت لوس‌آنجلس قدردانی نمودند و آن را قدمی بسیار ارزشمند دانستند وآمادگی خودرابرای هرگونه کمک اعلام نمودند

افتخاری دیگر

از دوم جولای در سینما مونیکای شهر سانتامونیکا سه فیلم از دید سه فیلمساز ایرانی در امریکا به نمایش درخواهد آمد.

ازمیان این سه فیلمساز جوان، بابک شکریان با فیلم شنبه آرام (برگزیده جشنواره لس آنجلس در سال ۱۹۹۳) جوانی یهودی است.

دو نفر دیگر سیاوش توکلی و محمد انوری زاده میباشند.

ماضمن تبریک به این جوانان با استعداد، از کلیه همکیشان عزیز دعوت میکنیم با پشتیبانی ازاین سه استعداد نوپای صنعت فیلم آنان رادر راه سترگی که درپیش گرفته‌اند یاری دهند.

درشماره آینده چشم انداز نقد و بررسی این فیلمهارا خواهد خواند.

چه نظری دارید؟

(۸۱۸)۵۰۳_۱۲۷۰

از لابلای تلفنها و نامه های شما

● **آقای مراد شاپور - هالیوود**

بسیار ممنونیم از اظهار محبت شما به نشریه چشم انداز و چک ارسالی شما برای کمک به انتشار آن . یک شماره هم ازاین پس به سان دیگو فرستاده خواهد شد.

● **خانم مستانه نصرت آبادی**

آقای دیانیم پیغام شماراگرفتند و ممنون از رضایت شمائیم . متاسفانه مقاله ایشان درشماره قبل را بخاطر کمبود پرسنل نتوانستیم به فارسی ترجمه کنیم . امیدواریم شما همت کنید ، ترجمه نمائید تا چاپ کنیم

● **دکتر بقراط صفایی - وست هیلز**

ازلطف شمادرباره چشم انداز متشکریم - پیغام شمارا به خانم سرشار خواهیم داد . مقاله‌تان هم بسیار خوب بود که دراین شماره چاپ شد .

● **آقای ایمان عبدالغفار - لندن**

مقاله شما رسید - به این صورت نمی توان مقاله‌ای چاپ نمود . ایمان داریم که می توانیم از مقالات تحقیقی شما بهره مند شویم . از لطفتان بی بهره‌مان نگذارید .

● **آقای رحیم عافار - لس آنجلس**

رکن های اصلی نامه شما که نوشته‌اید :

درایران ، قبل از انقلاب ، جمعیتی حدود ۷۵ - ۷۰ هزار یهودی ایرانی را تشکیل میدادیم که شاید ازاین عده ۹۰ درصد در تهران اقامت داشتند .

انجمن ها و موسسات یهودی موجود درآن‌زمان تعدادشان شاید از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نمیکرد . حال در لس آنجلس بزرگ باوجودیکه تعداد یهودیان ایرانی مقیم این نقاط از ۲۵ هزار نفر تجاوز نمی‌کند ، تعداد سازمانهای یهودی ایرانی موجود آنقدر زیاد است که حتی برای دست اندرکاران شمردن و نام بردن آنان قدری مشکل بنظر میآید

چرا ؟

شاید سیامک اولین سازمان یهودی ایرانی مقیم لس‌آنجلس بود که بوجود آمد منتها یک عیب بزرگ !! شاید خیلی بزرگ !! داشت و آن عیب این بودکه موسسین یا گردانندگان آن یک عده جوان ، تحصیلکرده ، فعال و حتی از جان گذشته بودند که صرفاً برای پیشبرد مقاصد یهودیت قد برافراشته و میخواستند بدون بهره برداری شخصی از اسم سازمان خدمت کنند . سازمان دوم و یاسوم‌که تشکیل شد این عده جوانان را اصلا قبول نداشت چه بعد از عمری گدایی مگر میشود سراغ شب جمعه راز یک عده جوان نوپاگرفت نعوذ باالله !!

خودشان سازمانی درست کردند وبعد از اینکه افرادی راکه میخواستند بین دوست وآشنا انتخاب کردند یک پلاکارد یا تابلوی بزرگ بر درب ورود محل سازمانشان زدند که **«ظرفیت تکمیل» «ورود اشخاص متفرقه اکیداً ممنوع»** .

دستجات بعدی که این موضوع را دیدند همین رویه را ادامه دادند و سازمانهای یهودی مقیم لوس آنجلس ظرف دوازده سیزده سال اخیر مثل قارچ سبز شد.

مسئله مهم این است که جوانان یهودی که عشق یهودیت درتاروپودشان هست و خاضر به همکاری با این سازمان هستند خود را درمقابل درهای بسته می بینند . مهم ترازهمه اینکه تمام پستهای ریاست و غیره برای روسای این موسسات مادام العمر است .

من خدمت آقایان و بانوانی که ظرف چند سال اخیر درسازمانهای یهودی ایرانی مقیم لس آنجلس وکالیفرنیا زحمت کشیده‌اند و فعالیت کرده‌اند را ارج می نهم و باکمال تواضع برایشان احترام قائل میشوم . ولی مگر این آقایان و خانمها عمر نوح دارند ؟ آیا نباید وسائل آمادگی افراد دیگر برای جایگزینی اینان از هم اکنون فراهم شود ؟

من نگویم که مراازقفس آزادکنید
قفسم برده بباغی ودرش بازکنید

من هیچوقت جسارت نمی‌کنم که آقایان گردانندگان فعلی سازمانها کنار گذاشته شوند . خیر

خوشبختانه طی دوسال واندی که جزء هیئت رئیسه کنیسای سایناي بودم بعضی ازراهها و روشهای خوب جامعه امریکایی یهودی را یاد

از لابلای نامه ها و تلفنهای شما

گرفتم .
(PRESIDENT) هردوسال یکبار از بین هیئت رئیسه که مردم انتخاب کرده‌اند انتخاب میشود (نه اینکه مردم رئیس ، نایب رئیس و غیره و غیره را انتخاب کنند) وپس از دوره دوساله خدمتش اتوماتیک مستعفی میگردد . ولی بعنوان پرزیدنت قبلی (PAST PRESIDENT) **برای همیشه** درهیئت رئیسه باقی میماند با دارا بودن حق رای و غیره . از یکطرف از فکر و تجربه قبلی ها استفاده میکنند و ازطرف دیگر هردوسال یکبار عده جدیدی وارد هیئت رئیسه میشوند و خون تازه‌ای در رگهای سازمانشان تزریق میشود .

چرا سازمانهای ما نباید چنین برنامه‌ای را اجراء کنند . زمانی در ایران بنا به قول آقای داریوش فاخری عده تحصیل کرده های جامعه ما خیلی کم بودند وبقول مثل معروف «درشهرکورها یک‌چشمی شاه بــود» ولی خوشبختانه درحال حاضر نه تنها جامعه ما شهرکورهاراتشکیل نمی دهد بلکه تمام مردم بخصوص جوانان ما دارای دوچشم بصیرت ، فعال ودارای همه گونه محاسن جامعه و حتی دنیا پسند هستند .

آقایان ، خانمها شاید سالیان درازاست در راس سازمانهای مختلف نشسته‌اید کمی هم‌بفکر نسل جوان باشید . درهارا در سازمانهای خود بروی آنان بگشائید .

من آنچه شرط بلاغ است باتو میگویم
تو خواه ازسخنم پندگیروخواه ملال

● آقای دکتر ر ـ ک .

متشکریم از لطف شماکه فرموده‌اید مجله پربارچشم انداز، سعی میکنیم شایسته این نظر بمانیم . درمورد خانم شهلا و روابط برتراز ضوابط که مرقوم فرموده‌اید . انشاءاله درشماره های آینده استفاده خواهیم نمود .

ازدواج یهودیان باغیر یهودیان

یهودی و مادر یهودی است : با اطمینان‌زیاد اطفال آنها یهودی بارآمده‌اند و نیز وجود دارد پدر یهودی و مادر غیر یهودی است بهیچوجه پدر نتوانسته‌است بچه های خود را به یهودیت سوق دهد : نمونه های آنها موجود است : فقط اسمی از یهودی می برند : تازه این گونه اطفال بلا تکلیف و هرگز نخواهند توانست همسر ایده‌آل خود را پیدا کنند ومورد طعن اطرافیان خود هستند و هستند که پدر و مادر خود را نفرین میکنند :

آیا خانواده‌ای که تربیت و تعلیم یهودیت دارنـد در اعیاد و سنت ها می توانند با خانواده‌ای که سنت های دیگری و اعیاد دیگری را داشته و دارند سر سفره و میزی با هم براحتی به اجرای سنت های خود به نشینند ؟ آیا مشاجره های خانوادگی آسایشی برای یک زوج باقی میگذارد ؟

ازلحاظ پزشکی کامران و ژیلا باید بدانند که زندگی سکسی یک زوج درتمام عمر براساس روان سالم‌و روحیه‌ای با آسایش قابل اجراء است اگر روحیه باطنی فرسوده و روان دچار نگرانی گردد سکس فراموش میشود ویا به حداقل میرسد :

باید بعرض برسانم که مشاجرات زندگی که نمیشود آنهارا انکار کرد ممکن است باعث توهین های مذهبی گردد که وحشتناک میشود .

ماهیان تنگ بلور ودریا

آنکه باتو «همرنج» است
- میداند
چه کسی رنج ترا میخواهد
آنکه
- اما ،
- نیستی همدستش
پشت پا میزندت
تا بیفتی از پا
تابماند بالا

زن یهودی

مذهبی برداشتی نادرست است و «**احترام به جمع**» از ابتدا **بمنظور نفی زن از شرکت در انجام مراسم مذهبی نبوده** است بلکه اشاره به مطلب دیگری میکرده و آن هم جلوگیری از ناراحت شدن حاضرین بوده است .

اینها برای اثبات نظریه خود از قول **ربای جودا** به این داستان اشاره میکنند که هنگامیکه **ربای اکیبا** بهمراه جمع دعاخوانی میکرد ، سعی میکرد تا مراسم را کوتاه کند که موجب «**ناراحتی وبی احترامی به جماعت**» نشود . درحالیکه بهنگام دعای فردی با انرژی خستگی ناپذیر برای زمان طولانی به دعا میپرداخت بدون اینکه احتیاج به رعایت حال سایرین و بفکر ناراحت نکردن آنها باشد . پس ربای ها با بیان اولیه‌شان ، منظورشان «**احترام به جماعت**»بود و **نه سلب اجازه از شرکت زن در اجرای مراسم مذهبی .**

چرا اکثر غیر ارتدوکس ها زن را برای خوانده شدن پای تورا و خواندن تورا (ALIYOT) قبول دارند ؟

در عهد تلمود ، **زنهاییکه سواد کافی داشتند** ، مثل مردان **میتوانستند بپای تورا بروند و تورا بخوانند .**

درآن زمان (اولین قرن دوران مسیح) آنهاکه برای تورا خوانی دعوت میشدند ، نه تنها تورا خوانی میکردند بلکه قسمت انتخابی خودشان را هم از روی تورا میخواندند .

هخامیم‌میترسیدند که اگر در حضورمردها ، امتیاز اضافه تری به زن داده شود ، آنگاه این موجب شرمندگی جماعت مذهبی خواهد شد به این معنی که مردها سواد خواندن تورات را ندارند . از اینجا بود که **بعضی هخامیم** مسئله «احترام جماعت» KEVOD TZIBUR را اینطور تلقی کردند که معنایش محروم کردن زن از انجام مراسم مذهبی میباشد .

پس بطور خلاصه : منظور از «احترام جمع» نگهداشتن ، معذب و ناراحت نکردن حاضرین است . منظور این نیست که با جلوگیری کردن از شرکت زن و در نتیجه شرمنده نکردن مرد ، این احترام اجتماعی برآورده میشود .

چرا بعضی مدارس مذهبی زن را قانوناً به مقام ربای برسمیت میشناسند و بقیه اینطور نیستند؟

در اکتبر ۱۹۸۳ هیئت استادان دانشگاه مذهبی یهودی های میانه رو بنفع دانشجویان زنی که طالب کسب مقام «ربای» بودند ، رای داد . تا آن زمان در آمریکا فقط ریفورم ها این امتیاز را به زن داده بودند . درمدارس مذهبی ارتدوکس ها بهیچ وجه زن را بعنوان دانشجو جهت ربای شان نمیپذیرند و علل مخالفتشان را چنین بیان میکنند :

۱ - زن طبق قانون یهودیت نمیتواند شهادت بدهد ، پس یک ربای زن نمیتواند بعنوان شاهد ، کتوبای ازدواج یا طلاق را امضاء کند .

۲ - در سابق ، ندرتاً هم امروزه ، از یک ربای بعنوان قاضی کمک گرفته شده . اصلی در قانون یهودیت میگوید که آنکس که نمیتواند شهادت بدهد اجازه قضاوت هم ندارد . پس با این حساب در این مورد ، حق از زن سلب میشود .

۳ - در قانون یهودیت زن موظف به شرکت در دعاهای جمعی نیست زیراکه وظیفه اصلی او در خانه است و شاید ضرورت انجام یک‌براخا در یک زمان مخصوص ، با این امر خانه و زندگی مغایرت پیداکند .از آنجائیکه در قانون یهودیت ، انسان فقط وقتی کاری را میتواند برای سایرین انجام دهد که خودش هم جزو موظفین انجام آن کار است ، پس یک زن قادر به رهبری دعای جمعی نمیتواند باشد .

امروزه زنان زیادی رهبری دعای جمعی را دارند . (در ژانویه ۱۹۸۴ مدرسه یهودیت ، برای زنانی که‌طالب ورود به مدرسه و کسب درجه ربای بودند ، قانونی گذراندکه آنها باید وظیفه میصوا از جمله تالیت و تفیلین را بعهده بگیرند .)

۴ - تلمود میگوید : شرکت زن درمراسم مذهبی ممکن است بخاطر موی سر و یا صدای او موجب تحریک جنسی در مردان بشود .

مخالفین محدودیت زنان از کسب درجه ربای ، هیچیک از این دلایل را قبول ندارند . آنها معتقدند نداشتن این امتیاز در گذشته نباید از حقوق امروزی زن که طالب مساوات با مرد است ، جلوگیری کند .

پنج ماه درمیان نئونازیها

مشاهده چنین افراد یا سازمانهایی بطریقی‌که گفته میشود با سازمانهای زیر تماس حاصل فرمائید و کمکهای اطلاعاتی یا مالی خودرا در اختیار آنان بگذارید .

۱ - دفتر سازمان سیامک با شماره تلفن ۱۲۷۰ - ۵۰۳ - ۸۱۸ و دفتر ADL بخش لوس آنجلس ۸۰۰۰ - ۴۴۶ - ۲۱۳ و کلیه دفاتر ADL در سراسر امریکا و جهان .

«لحظه هایی که دروازه‌شان غمناک شکست»

یادداشتی از نویسنده

تاریخ قطعه را نوشته‌ام «پاییز ٦۹» روز و ماه ندارد . از شما چه پنهان که همین را هم بنا به ضرورت های نگارش ، بعداً از روی قرائن پیدا کردم . به خاطر دارم که برخلاف عادت همیشگی خودم که پای هر کاغذ پاره‌ای امضایم را با ذکر تاریخ ، به روایت سه چهار تقویم ، ردیف می‌کردم ، موقع نوشتن این یک ، تمایلی نداشتم که نشان دقیقی از زمان رویش بماند . انگار مهر تاریخ ، قلاده‌اش می‌زد ، روحش را خفه می کرد ، حرفش را می کشت . گو اینکه در دوره‌ای خاص و به تحریک واقعه‌ای خاص پدید آمده بود اما به نظرم کلی ترازآن میرسید ومیرسد که دیگر به آن محدود نشود . قطعه می خواست طولانی تر باشد ، و می توانست . اما انگار که هر اضافه‌ای ، صداقتش را ضایع میکرد این بود که دستم نرفت . بیشتر از یک بار بازنویسی نشد ، و اصلاحات بعدی هم در حد حذف و اضافه چند علامت یا واژه باقی ماند . راستش حتی نامی هم نداشت ، تا امروز !

بیش از آن که توصیفی از لحظه‌ای خاص باشد ، انتزاع و تعمیمی است از تاثیر عاطفی آن لحظات . الان که نگاه می کنم ، برایم نشان مشهودی است به برخی لایه های ناگفته حقیقت زندگی ، فی الواقع ، نگاهی ناگزیر بود از لای دری که غمناک شکست ، و ایکاش با شادی گشوده شده بود. حقیقت زندگی پویاست . درجسم واقعیت ، یک چهره ندارد . مثل ساقه‌ای بی وقفه قد می کشد ، و همینطور تصویرش ، اگر صادق باشد . بعدازسه سال ، هربارکه این نوشته را خوانده‌ام ، پابه پای من آمده ، این است که احساس می کنم بیراهه نرفته است .

اغلب عادت کرده‌ایم با تخته پاره های افکار یا فراموشی روی بستر حقیقت را بپوشانیم . این است شاید ، که گهگاه این بسته طوفانی می شود ، ازلابلای آن تکه ها سر می کشد و این گونه حضور مواج خود را می نمایاند ، گاه به غالب امیدی ، آرزویی ، خاطره‌ای ، یا تصویری تکرار شونده ، یا تجدید شونده .

این نشان حضور هرچه باشد ، مثل بند تسبیحی وقایع از هم گسسته زندگی مارا به هم می رساند . این نوشته برایم نشانی ازآن بند تسبیح نیز دارد .

با این وصف ، مدتی مردد بودم‌حالا که تا این حد مشخص است برای نشر کنارش بگذارم یانه . ولی دوباره و دوباره که خواندمش متقاعد شدم‌که به نوعی ، پژواکی از نقاط اشتراک میان همه ماست انگار آن بندهای تسبیح برخلاف تنوع و دیگرگونگی شان میان آدمیان ، درباطن از یک جنسند ، و یا شاید هم آخر خط ، همه یکی باشند .....

بهرحال ازاین ها که بگذریم ، اثری ادبی است که درفرم «قطعه» نوشته شده است ضمناً درآن از «میلان کوندرا» نویسنده مشهورمعاصر نام برده‌ام اشاره به مفاهیم «سبُکی» ، «سقوط» و «سرگیجه» نیزناظر به بخشهایی از رمان اوست با عنوان «سبُکی تحمل ناپذیر هستی» ، یا آن گونه که به فارسی ترجمه شده است ، «بارهستی» . توضیحاً دراین چند خط نمی گنجد و بماند برای فرصتی دیگر ، گو اینکه اثری خوانده شده است ، و درهر صورت ، این کمبود مشکلی در فهم قطعه حاضر ایجاد نمی کند .

پ .ا.
هفتم می ۱۹۹۳ ـ لوس آنجلس

اینک زمستان
شاخه های خاکستری خشکیده
پوشیده دربرفی سفید
اینک ، یخبندان
خطاب آسمان به زمین
سکوت پویای طبیعت
و آرامشی تامل برانگیز

بسط و قبض یک جای وقت .انگار طول‌زمان را بکشند و از زیر پایت بسرعت بگذرانند ، یا ازمقابل چشمانت ، چشمانی باز که تمام تصاویرش را به خاطر می سپارند ، و ذهنیتی آماده پذیرش ، که در عین حال ، تمایل به فراموشی همه چیز دارد . گوئی ، دانسته وقایع بالا رفته است .

تا به حال ، این حد تمایلات متضاد همزمان را حس نکرده بودم . ندیده بودم‌که تناقضات این گونه آشتی کنند . مثل عقربه هایی که در امتداد هم بوده‌اند ، و حالا روی هم افتاده‌اند . خط دو سویه اندیشه ها به دو نیم خط مماس با مبدای مشترک تبدیل شده و قطب ها به هم رسیده‌اند ، و شاید اگر غم چنین سنگین نبود ، «سبکی» از نوع «کوندرا»یی آن تحقق می‌یافت . اگر بیشتر دو قطب می‌کشیدندت هریک به سویی ، حداقل در میانه می ماندی ؛ میانه دو ارزش متضاد . اما حالا نفس ارزش دار بودن به یک‌سو رفته است و تو و موجودیتت به تنهایی در برابر کشش همگی ایستاده‌ای . خلائی پشتت حس می کنی . در فضایی انباشته از ذهنیت تهی ، معلق ، میان نقاط ، خطوط و صفحات هندسی ، مثل ستاره هایی بی حجم . دست می بری یکی را بگیری ، اما چیزی در کَفَت نمی ماند . مثل سراب شبنمی که در خیالت بخار می شود ، ودراین میانه بسرعت پائین میروی ، و ازاین سقوط بی نهایت هول برت میدارد ، اما «سرگیجه» نمی گیری ، شایدچون این دیگر ترس از «سقوط» نیست : نفس سقوط است .

مثل نمایی ، زمان می‌گذرد . «انقطاعی» است ؛ درمیانه‌اش بریدگی‌ای هست : گسل خوابی تا سپیده‌دم . درک پوستگی زمان که عقل به ضرورتش حکم می کند ، دنبال جریان پوسته‌ای است ، ناپیدا که این جهش را توجیه کند . شبیه منحنی «پله‌ای» است که خط افقی آن زمان ، و خط عمودیش در بالا زندگی و در پایین مرگ باشد ، و در لحظه‌ای که پلک بسته‌ای و گشوده‌ای ، یک زندگی ازمرزمردن گذشته باشد ؛ فی الواقع جهیده باشد . انگار اینجا غیب و آنجا ظاهر شود ، سپس ، منحنی امیدت شتاب منفی بگیرد ، ودایره بهت همچنان دور زده شود ...

ناگاه ، **برق صدایی را می بینی** که نا پیدای خلا را فرا می گیرد : ازاین پس باید که با «حقیقت» او زندگی کنی . حیاتش وابسته به بودن تو است ، و زندگیش را آن موقع می فهمی که خودت ، «هستی» دیگر خیال دستش موهایت را نوازش میکند ، و حقیقت لبخندش به تو می خندد . با حضور منتشرش می رقصی ، و کنار خالیش روی صندلی ، جلوی پرده و تصاویر می نشینی ، ...

... و باز همان جمع اضداد را می بینی که حضور و غیبت از دل هم می جوشند . ارتفاعی ازآن حاصل می شود که هول می آورد ، و قلب را وا می دارد که به دیوار بکوبد .

پیمان اخلاقی

تهران ، پاییز ۱۳۶۹

گروه حیفاوابسته به بورلی هیلزحداسا جلسه نهارسالیانه خودراباهیجان خاصی درظهرروزچهارشنبه June16 درسالن المپیک کالکشن باحضورعده کثیری از خانمهای عضوومهمان برگزارنمودند . دراین جلسه خانم گیتی بروخیم راجع به زبان عبری ولزوم فراگیری آن درهمه خانواده های کلیمی صحبت کردند که موردتوجه بسیارقرارگرفت .

گروه موزیک آقای رنو reno بااهنگهای زیبای فارسی وایتالیائی به جشن رونق بیشتری دادندومهمانی درساعت چهار بعدازظهربه پایان رسید .
همچنین گروه جوانان وابسته به گروه حیفاونگارد vangurd جشنی درتاریخ شنبه ۱۹ جون بنام summer night classic درهتل Four Season ترتیب داده بودندکه باحضوربیش از ۲۰۰ نفرازجوانان یهودی برگزارگردید وبه هنرمندی گروه sinia band ودی جی افشین وپذیرائی شام باشکوه بسیار تاپاسی ازشب ادامه داشت .
باتبریك به گروه ونگارد برای همکاری های موفقیت آمیزوابتکارات بسیارجالب آنهادرجشن هاوگردهمایشان



سلامت و تناسب اندام

نوشته : دکتر ساموئل نیومن

کارشناسان بهداشت عمومی به تمام مردم توصیه میکنند که در حفظ تناسب اندام خود کوشش نمایند زیرا تناسب اندام با سلامت انسان رابطه مستقیم دارد و این یک مسئله مد و زیبائی نیست . اشخاص چاق هدف بیماریهای مختلف و هراس انگیز مانند دیابت ، فشار خون ، نقرس اند و هرچه سن و سال آنها بالا رود خطر ابتلا به بیماریهای گوناگون مخصوصاً تصلب شرائین و سکته قلبی بیشتر می شود . بنابراین اولین عامل مهم حفظ سلامت انسان حفظ تناسب اندام او است .

و این مسئله برای مرد و زن بی تفاوت است .

کارشناسان تغذیه وبهداشت انسانی برای حفظ سلامت و تناسب اندام روش های مختلف پیش بینی میکنند و جملگی اعتقاد دارند که انسان لازم است در مورد تغذیه خود رعایت اصول را بنماید و برای مصرف انرژی حاصله از تغذیه خود راهی صحیح و دور از خطر انتخاب کند .

یکی از طرق صحیح مصرف انرژی ورزش است ، که کم‌وبیش مردم به آن علاقه دارند ، عده‌ای آن را عملا انجام میدهند ، و عده‌ای نیز دوستدار آنند یعنی فقط ورزش‌کارها را تماشا میکنند و برای آنها ابراز احساسات میکنند که امیدواریم همه خوانندگان عزیز از دسته اول هستند .

آخرین نشست سازمان ملی بهداشت که اخیراً در مریلند برپا شد متخصصین امور تغذیه و بهداشت عموماً با انجام‌ورزش موافق بودند و آن را برای زن و مرد درهرسن و شرایطی ضروری دانستند لکن جملگی در تعیین نوع ورزش وچگونگی انجام ورزش مطلوب توافق نداشتند و نتوانستند ورزش را برای طبقات مختلف مردم و شرائط سنی و محیطی طبقه بندی نمایند .

انجام ورزش آزاد که ما آن را بنام ورزش سوئدی می نامیم ،حرکات قلب را تند وتنفس را سریع می نماید که منظور ما را از ورزش تامین میکند و آن سرعت بخشیدن به گردش خون ، تعویض اکسیژن و صرف انرژی است . عده‌ای نیز ورزش سنگین مانند وزنه برداری ، دویدن و شنو رفتن (PUSH,UP) را تجویز میکنند .

دراین نشست گفته شد مدارک کافی در دست نیست که انواع ورزش به چه نسبت درپائین آوردن وزن موثراند ،شاید مجموعه‌ای از هر دو نوع مفید تر باشد.

پژوهشگران بیماری قند بیشتر به رژیم غذایی تکیه میکنند لکن لازم است بیشتر روی اثرات مستقیم ورزش بر چاقی و خطرات ناشی از چاقی و تهدید سلامت انسان تاکید نمود .

اشخاصی که ورزش مداوم را به همراه رژیم غذائی مناسب انجام میدهند برای ثابت نگهداشتن وزن خود نتیجه بهتری میگیرند .

نمودار زیرین از سوی سازمان بهداشت آمریکا AMERICAN HEALTH ASSOCIATON منتشر شده است .

دراین نمودار میزان کالری مصرفی در هر نوع ورزش را دریک ساعت و برای وزن های مختلف نشان میدهد امید است مورد استفاده دوستداران سلامت و تناسب اندام قرار گیرد .

میزان کالری مصرفی در یک ساعت

نوع ورزش وسرعت حرکات	۷۵ پوند	۱۰۰ پوند	۱۵۰ پوند
دوچرخه ٦ مایل درساعت سرعت	۱۳۵	۱٦۰	۲۴۰
دوچرخه ۱۲ مایل درساعت سرعت	۲۲۵	۲۷۰	۴۱۰
دویدن ۵ / ۵ مایل در ساعت	۳٦۵	۴۴۰	٦٦۰
دویدن ۷ مایل در ساعت	۵۱۰	٦۱۰	۹۲۰
پرش با طناب	۴۱۵	۵۰۰	۷۵۰
دویدن در جا	۳٦۰	۴۳۰	٦۵۰
دویدن ۱۰ مایل در ساعت	۷۱۰	۸۵۰	۱۲۸۰
شنا۲۵ یارد در دقیقه	۱۵۵	۱۸۵	۲۴۰
راه رفتن ۲ مایل درساعت	۱۲۵	۱٦۰	۲۴۰
راه رفتن ۳ مایل درساعت	۱۷۵	۲۱۰	۳۲۰
راه رفتن ۵ / ۴ مایل درساعت	۲۴۵	۲۹۵	۴۴۰

این تابلو نمایان گر اثر مطلوب ورزش بمدت طولانی وسنگین برای اشخاص فربه است

گروه جوانان تحصیلکرده و شاغل سازمان سیامک ضمن ادای سپاس از استقبال بی نظیر جوانان در برگزاری جشن ۲۷ جون بر عرشه کشتی وظیفه خود می داند که از افراد وموسسات زیر که مارادراین راه همراهی نمودند تشکر نماید.

آقای ایرج لویان ـ خدمات بیمه و وام اسحاقیان ـ شرکت وام رودئو

فروشگاه چالمرز ـ فتو نگاه ـ قنادی لوپله ـ قنادی وینا

تسلیت

جناب آقای پرویز شایان مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم صمیمانه تسلیت عرض مینمائیم.

هیئت مدیره سازمان سیامک

همکار گرامی خانم پری اباصلتی

مصیبت وارده را به شما وخانواده محترم صمیمانه تسلیت عرض مینمائیم.

هیئت مدیره سازمان سیامک

«پدیده های علمی»
«درمان بیماریها توسط جنین»

نقل از : نیوزویک
برگردان : فلورا پوراطی

سـقط جنین تنها ۷ دقیقه بطول انجامید . بعدازاتمام‌کار ، جنین سقط شده توسط یک دستگاه مکنده به لوله‌ای که در داخل دیوار نصب شده بود کشیده شد . درطرف دیگر دیـوار پرستاری کـه یک بشقاب‌کوچک پلاستیکی در دست داشت تکه هایی راکـه از جنین ٦ هفته‌ای باقی مانده بود و فقط دو انس وزن داشت را در بشقـاب قـرار داد . یک تکنیسین آزمایشگاه قطعات جنین را دریک لوله استرلیزه قرار داد و چند گرم از سلولهای عصبی آن را جداکرد و روی یخ گذاشت . عده دیگری از دانشمندان فوراً قطعات جدا شده را تحت آزمایش قرار دادند . جنین از لحاظ بیماریهای ژنتیکی ، باکتری و همچنین ایدز سالم بود . شش ساعت بعد این قطعه جدا شده جنین به طبقه ششم بیمارستان و به اطاق عمل برده شد . در آنجا جراحان یک حفره کوچک در مغز یک بیمار مبتلا به پارکینسون یا فلج تدریجی تعبیه کرده بودند . جراح سلول تهیه شده از جنین را بـه یک سرنج باریک داخل کرد و به مغز بیمار تزریق نمود در طول این مدت بیمار هشیار بود و تمام عملیات را با چشم خود می دید .

درآن بیمارستان چه اتفاقی افتاد ؟ **بـه یک زندگی خاتمه داده شد و زندگی دیگری از مرگ نجات یافت .**

در عمل سلولها سلولهای جنین بسیار انعطاف پذیر هستند . آنها بسرعت از یکدیگر جدا می شوند و به آسانی خود را با سلولهای مریض تـطبیق میدهند . دانش بشری ممکن است روزی بجایی برسد که از چند سلول کلیه جنین بشود یک کلیه کامل بوجود آورد .

در سال ۱۹۲۸ جراحان ایتالیایی اولین کسانی بودند که دست به اینگونه جراحی زدند . آنها چند بافت از کیسه صفرای جنین را بـه یک بیمار مبتلا به مرض قند پیوند زدنـد . بیمار بـهبود نیـافت . درسـال ۱۹۳۹ پزشکـان امریکایی هم این عمل را دوبار بدون نتیجه انجـام دادنـد . درسال ۱۹۵۹ یک محقق امریکایی سعی کـرد کـه یک بیمار مبتلا به سرطان خون را با پیوند سلولهای جنین معالجه کند .

اولین طلیعه موفقیت در سال ۱۹٦۸ درخشید زمانیکه سلولهای کبد جنین به بیماری پیوند زده شـد کـه مبتلا بـه بیماری نـاهنجاریهای ژنتیکی غدد و اعضاء بـدن بـود . ایـن عـمل موفقیت آمیز بود .

درسال ۱۹۸۸ دکتر کورت فرید Dr. CURT FREED ازدانشگـاه کـلرادو اولیـن عـمل جراحی پیوند سلول جنین به یک بیمار مبتلا به پارکینسون یا فلج تدریجی را انجام داد . آقای دان نلسون ۵۲ ساله مبتلا به نوعی پارکینسون پیشرفته بود بحدی کـه دیگـر نـمیتوانست راه برود . امروز او بهبود یافته و به‌کار مورد علاقه خودش ، نجاری پرداخته و مقدار خیلی کمی دارو مصرف میکند .

این نوع عمل روی ٦ بیمار دیگـرهم انجام شده ولی نتیجه‌ای باین رضایتبخشی نـداشته ولی همگی بیماران داروی کـمتری مـصرف میکنند و حتی یکی ازآنها که قادر بـه حـرف زدن و رانندگی کردن نـبوده اکـنون هـردو را انجام میدهد .

درآینده ممکن است بیماریهای غیرقابل علاج هم با پیوند جنین معالجه شوند از میان آنها : درامریکا تعداد ۱۴ میلیون بیمار مبتلا به مرض قند وجود دارد . امسال ۰۰۰ / ۲۰۰ نفرآنها بر اثر این بیماری جان خود را از دست خواهند داد و علل مرگ آنها قادر نبودن کیسه صفرا به ساختن هورمن حیاتی انسولین می باشد .

ازسال ۱۹۸۷ تاکنون یک تـیم در دانشگـاه «کـلرادو» بـه سرپرستی دکـتر KEVIN LAFFERTY ، ۱٦ عمل پیوند کیسه صفرای جنین به بیماران مبتلا به مرض قند را انجام‌داده و درتمام این جراحی ها ، عضو پیوندی بخوبی در عضو بدن بیمار قبول شده ، هیچکدام از بیماران قادر نبوده‌انـد کـه تـزریق انسولین را بطور کامل قطع کنند ولی تمام‌آنها بـه نسبت گذشته مقدار کمتری انسولین تزریق می کنند .

تخمدان یک جنین مـونث ۲ ماهه در شکـم مادر دارای چندین میلیون تـخم است ، دکـتر ROGER GOSDEN از دانشگـــــاه EDINBURGH آزمایشهایی روی حیوانـات نشان داده که پیوند تخمدان جنین به تـخمدان حـیوان مـاده بـاعث صـددرصد بـارورشدن تخمدان حیوان ماده شده است . اگر این عمل باعث شود که‌زنی‌که بدون تخمدان متولد شده بارور شود ، از بـین رفـتن یک جـنین نـارس شانس بوجود آمدن یک خانواده پـر اولاد را بدست می دهد .

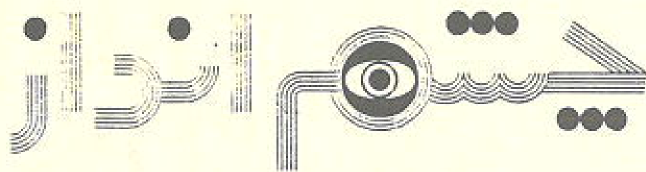


یادی از گذشته ها

عکسی راکه مشاهده میفرمائید مربوط به مراسم اولین کلنگ ساختمان کانون خیرخواه (روح اله سپیر) در سال ۱۳۲۲ می باشد.

از راست بچپ :

روح اله رخسار - خان بابا شائول پور - آشر رستگار - حبیب میکائیل - شکراله ایمره - حبیب درویش پور - دائی یعقوب مصابند - خلیل دردشتی - دکتر یوسف پیروزیان (رئیس وقت کانون) - الیاس اسحاقیان - شکراله آقائی پور - حاجی یشوعا (کلنگ بدست) - عبداله نایب یوم طوب - دکتر شکراله مطلوبیان اقدس خانم.



نامه سرگشاده

به دوستداران وخوانندگان

چشم انداز

دوستان عزیز

نزدیک به سه سال از انتشارنشریه چشم اندازمی گذرد . چشم اندازکه با تیراژی انـدک و درقـطع روزنامه آغاز به کارکرد اکنون با تیراژی نزدیک به شش هزار شماره ماهیانه برای شما ارسال مـی گردد.

تلفن ها و نامه های حاکی از قدردانی شما پشت گرمی مادرهرچه بهتر عرضه دادن این نشریه است مقالات سیاسی ـ اجتماعی ـ فرهنگی ـ پزشکی و .... همواره مورد توجه شما دوستان عزیز بوده است . هدف از انتشار این نشریه بالا بردن سطح آگاهی عمومی درکلیه امور اعم ازسیاسی ـ فرهنگی ـ مذهبی و ارتقاء هویت یهودی ایرانی است . دراین راه ما ازحمایت ارزنده ترین نویسندگـان ـ پژوهشگران و ادیبان جامعه خود برخوردار بوده‌ایم . اعضای هیات تحریریه چشم انداز هـمواره چشم براه دریافت پیشنهادات ـ نظریات و انتقادهای شما هستند .

این نشریه به طور رایگان دراختیار همگی شما دوستان عزیز قرار می گیرد ، ولی متاسفانه بـه عـلت بالابودن هزینه های مختلف نظیر چاپ و پست و غیره آگهی های موجود در مجله کفاف مخارج آنرا نمی نمایند . بدین جهت از شما دوستان عزیز تقاضا می کنیم که با ارسال وجه اشتراک ماراذرهرچه بهترکردن این نشریه یاری دهید.

کمک های شما هرچندکوچک ، می توانند آینده ساز جامعه ما باشد .

باسپاس

هیئت تحریریه چشم انداز

בכירים שילשלו לכיסיהם מאות אלפים מכספי „קליטה רוחנית"

– נטען בכתב אישום, החושף שחיתויות במשרד הקליטה בתקופת השר יצחק פרץ

מאת מיכל גולדברג, כתבת „ידיעות אחרונות"

פרשת שוחד, מירמה וזיוף בהיקף כספי גדול במשרד הקליטה, בתקופה שבה כיהן הרב יצחק פרץ כשר הקליטה, נחשפה אתמול בבית המשפט המחוזי בירושלים.

לבית־המשפט הוגש כתב־אישום נגד אהרון ברמי־איר (65), מהישוב כרמי יוסף, לשעבר חשב המשרד, ובנימין רוזנשטיין (49) מבני־ברק.

דמות מרכזית בפרשה, ירמיהו אברמוב, שכיהן כעוזרו של שר הקליטה דאז, הרב יצחק פ"ץ, עזב את הארץ לפני שהחלה חקירת המשטרה, ובשלב זה לא ניתן להעמידו לדין. הרב פרץ עצמו יוזמן על־ידי התביעה להעיד במשפט.

בימים הקרובים יחליט בית המשפט המחוזי בירושלים אם לעצור את הנאשמים עד תום ההליכים נגדם, או לשחררם בערבות ולעכב יציאתם מהארץ.

מכתב האישום עולה, כי לפני כשלוש שנים החליטו אברמוב ורוזנשטיין, שהיה פעיל בארגונים אשר עסקו בקליטת עליה, לדאוג כי כספים שנועדו כביכול ל„קליטה רוחנית" של עולים חדשים יגיעו במירמה לכיסיהם. הם דאגו לאישור תקציב של 1.05 מיליון שקל לעריכת סדרי־פסח לאלפי עולים.

התביעה טוענת, כי מתוך סכום זה הגיע סכום של 412,804 שקלים לחשבונות בנק פרטיים של רוזנשטיין ושל אשתו.

אישום חמור נוסף מיוחס לאברמוב ולרוזנשטיין הוצאת רבבות שקלים במירמה ממשרד הקליטה, אחרי שדאגו לאישור תקציבים פיקטיביים, בין השאר לרכישת „ערכה חינוכית בשפה הרוסית", 5,000 עותקים של מגילת אסתר באמהרית, ו־5,000 עותקים של ההגדה לפסח באמהרית".

מסכומי הכסף ששולמו על־ידי המשרד הן במסגרת מבצע סדרי־הפסח והן עבור הזמנות העבודה, העביר רוזנשטיין לעוזר השר אברמוב 100,000 שקלים לפחות, כשוחד עבור פעילותו בעניין.

לאזרח אסור להשתמש בנשק גם כדי לעצור פושע

– קבע בית־המשפט העליון, ודחה עירעור של אזרח שירה על רכב ישראלי ופצע נערה, מתוך מחשבה כי ברכב יושבים מחבלים

מאת מיכל גולדברג, כתבת „ידיעות אחרונות"

לאזרח אין סמכות להשתמש בנשק חם כשהוא מבצע מעצר של אדם שביצע לעיניו פשע.

כך קבע אתמול בית המשפט העליון, ודחה את עירעורו של אביעד מאק, תושב פסגות, אשר השתמש בנשק חם ופצע נערה יהודיה לאחר שסבר בטעות, כי מחבלים נ־יו לפגוע בו.

בחודש אוקטובר 1990 נסע מאק, שהיה אז חייל בחופשה, מהישוב פסגות שבו התגורר לעבר ירושלים. כשהתקרב לאיזור הכפר בית חנינא הגיח במורד הכביש רכב מסוג פיג'ו ובו חמישה נוסעים. ברגע האחרון נמנעה התנגשות בין כלי הרכב.

בשלב זה, סבר מאק שמדובר במחבלים שביצעו פיגוע והם נמלטים. הוא שלף את אקדחו וירה שלוש יריות לעבר מכונית הפיג'ו. מאוחר יותר התברר, שנוסעי הרכב היו יהודים ואחד הקליעים פגע בנערה בת 16 ופצע אותה.

בית המשפט המחוזי בירושלים קבע שלא היתה הצדקה לירי, וגזר על מאק שישה חודשי מאסר לריצוי בעבודות שירות. סניגורו, עו"ד יאיר גולן, עירער לבית המשפט העליון וטען, כי לאזרח יש סמכות לבצע מעצר אם הוא סבור שבוצע פשע.

בית המשפט העליון ניתח את טענותיו של הסניגור והחליט לדחות את העירעור. בפסק־הדין שכתבה השופטת ברימוס, שושנה נתניהו, נאמר בין היתר, כי „הרעיון שאזרח יהיה רשאי לבצע מעצר כזה בתחום הקו הירוק, תוך שימוש בנשק חם, בנסיבות שחייל לא היה רשאי לעשות מעבר לקו הירוק, אינו יכול להתקבל על הדעת".

בהודו רוצחים ילדים למכור את איבריהם

– מאת יגאל רום, כתבנו בקופנהאגן –

בעולם קיים סחר בינלאומי באיברים להשתלה – טוען צוות רופאים בדנמרק.

הצוות, שבראשו עומד פרופ' אולה ראסמוסן, מסתמך על שורה ארוכה של מקרים, שבהם נמצאו צעירים וילדים הרוגים, כשבגופם חסרים איברים פנימיים, להשתלה במערב.

העיתון „יוטלנד פוסטן", המביא את הידיעה, מציין, כי רוב המקרים הם באמריקה הלאטינית ובהודו, והאיברים המבוקשים ביותר הם לב, כליות, רשתיות וקרניות.

הצוות מסתמך גם על עדותו של רופא בריטי, ברוס האריס, המנהל מכון לתיעוד בגואטמלה, המוכן להצביע על שורה של מקרים שבהם נרצחו או נחטפו ילדים ונערים בדרום אמריקה, כדי לעקור מגופם איברים להשתלה.

בהודו ובפקיסטאן ידועים מקרים על ילדים שנחטפו והוחזרו להוריהם, כשבגופם חסרה כליה או ריאה, או שעיניהם נעקרו.

ה"אלמוני" שאבריו נתרמו זוהה כעולה ממולדביה

אלמנתו: „גם אם היו מבקשים את רשותי לתרום את איבריו לפני מותו, הייתי מסכימה"





– מאת צבי אלוש ועמיר רפפורט,
כתבי „ידיעות אחרונות" –

„אני לא מתנגדת לנתיחת גופתו של בעלי ולהשתלת אבריו. גם אם הרופאים היו מבקשים את רשותי לפני הניתוח, הייתי משיבה בחיוב. אני מאחלת לששת המושתלים, שקיבלו את אבריו של בעלי, אריכות ימים ובריאות".

כך הגיבה אמש קירה קיפניס (51), עולה חדשה ממולדביה, אלמנתו של יפים (פימה) קיפניס ז"ל. יפים הוא ה„אלמוני", שנהרג ביום חמישי בלילה בתאונת דרכים בבאר־שבע, ומגופו נלקחו שישה איברים, אשר הושתלו בגופם של חולים קשים. זאת מבלי לקבל את רשות בני־משפחתו, שלא אותרו.

החיפוש לא היה יסודי

מאז יום חמישי בערב, מועד התאונה, עשו אנשי לשכת התנועה של משטרת באר־שבע מאמצים רבים לזהות את הפצוע, שלא נשא על גופו שום מסמך מזהה, פרט למפתח. הם ניסו לזהותו אפילו בקרב תושבי שכונת המגורונים נחל בקע בבאר־שבע. אך כנראה שהחיפוש לא היה יסודי דיו, שכן בסופו של דבר התברר, כי ההרוג האלמוני, היה תושב שכונת המגורונים – יפים קיפניס, שהיה בן 56 במותו.

הרגע דרמטי התרחש אמש, סמוך לשעה 19:30 בערב, כאשר אל תחנת משטרת באר־שבע הגיעה עולה חדשה, דוברת רוסית בלבד, בשם גאלינה קרביץ, כשבידה תעודת זהות של יפים קיפניס ז"ל, שהיה שכנה למגורון.

בשיחה עם היומנאי סיפרה: „שכנה שלי היא קירה קיפנים. בעלה יצא ביום חמישי שעבר מהבית, ועד עכשיו הוא לא חזר. השכנה התביישה לפנות למשטרה בעניין בעלה, כי לא נראה לה בסדר שהיא תטריד את המשטרה בגלל דבר כזה. אבל היום היא כבר התחילה לדאוג, אז היא ביקשה ממני ללכת למשטרה".

היומנאי חש שמדובר באלמוני, „תורם האיברים" שכל מדינת ישראל סערת בגללו. הוא מיהר לדווח על כך לראש לשכת התנועה, רפ"ק יעקב, שנסע מיד עם גאלינה אל בית שכנתה בשכונת המגורונים. בצאתו לקח איתו את המפתח שהחזיק ההרוג בכיסו.

כאשר הגיע רפ"ק יעקב למגורון מספר 2/673, הוא שלף מכיסו את המפתח והכניס אותו לחור המנעול. המפתח הסתובב בצורה חלקה.

בהמשך הסיע רפ"ק יעקב את קירה ההמומה ואת השכנה אל לשכתו. בדרך הם אספו את פאולינה לווינסון, בתה בת ה־31 של קירה, שעלתה ארצה כבר לפני שלוש שנים. הוריה ואחיה בן ה־11, ליאוניד, עלו לישראל רק לפני שבעה חודשים.

רפ"ק יעקב סיפר תחילה את בשורת האיוב לבת. בתחנת המשטרה, בחדר צדדי, הראה לה את בגדיו של אביה מהשקית שהתקבלה מבית־החולים. פאולינה החווירה והינהנה בראשה.

„אלה הסנדלים של אבא, בלי ספק. וזאת החולצה שלו", אמרה.

אבל כאשר הציג קצין המשטרה בפני קירה קיפנים את העיתון שבו הופיעה אתמול תמונת בעלה אחרי התאונה, נענעה האלמנה בראשה לשלילה: „בעלי לא שמן, הוא רזה יותר. האיש בתמונה בכלל לא דומה לבעלי".

בהמשך החליט הקצין לשאול אותה שאלה שהטרידה אותו מהרגע הראשון: „אם היית יודעת על פציעתו של בעלך ועל מצבו האנוש, האם היית מסכימה לתרום את איבריו בעת גסיסתו?"

קירה, שעד אז שמרה על קור־רוח מרשים, השפילה את עיניה ופרצה בבכי. אחר־כך זקפה את הראש, מחתה את הדמעות ואמרה: „כן, כן הייתי מסכימה. אני מבינה שזה חיוני וחשוב. שיהיו בריאים. הם הרי זקוקים לאיברים האלה".

רוצים לפגוש במושתלים

קירה ופימה קיפניס ברחו ממולדביה בעת שניטשו שם קרבות ברחובות הסמוכים לבית מגוריהם. במולדביה עבד פימה כטכנאי מיזוג אוויר, וקירה כפועלת במפעל לייצור נעליים. כאשר עלו ארצה, נשלחו לבאר־שבע וקיבלו מגורון בנחל בקע. פימה הצליח למצוא לא מכבר עבודה כמסגר בבית־מלאכה מקומי.

אמש, אחרי שהתאוששה מהבשורה הקשה סיפרה קירה על מצוקותיה כעולה חדשה בארץ חדשה, בלי שפה ובלי כסף. היא סיפרה על בנה, ליאוניד, הזקוק ברחיפות לחברה והמתקשה להסתגל לחיים בשכונת המגורונים. „אני רוצה שיעזרו לי, כמו שבעלי עזר עכשיו לשישה אנשים בישראל. אני צריכה להכניס את הילד לפנימיה, כדי שיסתדר בחיים ולא יסבול שלא לצורך. הוא נורא סובל".

אמש הביעו קירה והבת פאולינה רצון לפגוש בשני מושתלי הכליות המאושפזים בביה"ח „סורוקה" בבאר־שבע: יעל כהן וגנאדי טקאג'.

הבוקר ייצאו פאולינה ובעלה יחד עם אנשי משטרה אל המכון הפתולוגי באבו־כביר כדי לזהות באורח סופי את גופתו של אביה. אם לא יהיו עיכובים בלתי צפויים, תובא הגופה היום למנוחות בבאר־שבע.

חמישה טרקטורים ומאות שוטרים מחפשים את חנית



מתנדנדים בין תקווה לייאוש. רפי ודולי קיקוס, הוריה של חנית, אתמול באופקים. (תצלום: אביגיל עוזי)

מאת **עמיר רפפורט**, כתב „ידיעות אחרונות"

המשטרה חידשה אתמול את החיפושים אחר הנערה הנעדרת חנית קיקוס. בחיפושים, שנערכו במזבלת „דודאים" שבדרום, השתתפו מאות שוטרים, והם נמשכו במשך כל שעות היום.

עם אור ראשון הגיעו אתמול אל אתר הפסולת הסמוך לבאר־שבע כוחות גדולים, בפיקודו של מפקד משטרת מרחב הנגב, תת־ניצב יוסף אבני. אל האתר הענקי הוזמנו חמישה דחפורים של צה"ל, שהעמיקו בכפותיהם אל ערימות הזבל.

החום הכבד והשמש הקופחת הקשו על הסורקים, ש„הפכו" את המזבלה. למרות החום, החיפושים לא נפסקו לרקה. הטרקטוריסטים העמיסו כמויות עצומות של זבל – כף אחרי כף – ורוקנו אותן לעיניהם הבוחנות של השוטרים. עד כה, לא נמצאו חפצים או בפרטים, שקשורים לנערה הנעדרת.

בית־המשפט השלום בבאר־שבע אסר אתמול על כלי־התקשורת לפרסם את ההתפתחויות בחקירת פרשת ההעדרות. הסיבה: חשש שפרסום עלול לחבל במאמץ צוות החקירה, בראשותו של סגן־ניצב אלברט אבוקסיס – באיתור חנית.

עם זאת הותר לפרסם, כי בית־המשפט האריך אתמול פעם נוספת את מעצרם של שני הבדואים, שנעצרו כבר ביום שישי שעבר, בחשד שהיו מעורבים בהטיפתה של חנית. השניים עובדים באתר הפסולת „דודאים". אחד החשודים הוא סולימאן אל־עביד, 44, טרקטוריסט במקום. העצור השני הוא שחאדה אלבחירי (27), שומר באתר.

המשטרה מעריכה, כי חנית נחטפה מהטרמפיאדה שביציאה מאופקים על רקע פלילי. ככל הנראה, נהג שאסף אותה אל מכוניתו אנס אותה במקום שומם. במשטרה חוששים, כי חנית כבר אינה בחיים.

החיפושים הופסקו אתמול עם רדת החשיכה. הם אמורים להתחדש הבוקר.

אתר „דודאים" מתפרס על־פני עשרות דונמים. ביום ראשון המשטרה הורתה לישובי האיזור לפנות אשפה לאתרים אחרים. אולם, כנראה שהמחפשים ייאלצו לפנות בעצמם מאות טונות של זבל שהצטברו במזבלה בימים שלאחר העלמה של חנית.

באותו הזמן, בווילה המטופחת של משפחת קיקוס באופקים, השתנתה האווירה מתקווה לייאוש. האב, רפי, אשר חיפש בעצמו את בתו בימים האחרונים, יצא ל„דודאים", ותור שפוף. הוא קיווה, כי למרות שהמשטרה מחפשת אחר רמזים במעמקי האדמה, בתו תמצא בריאה ושלמה.

האם, דולי, בכתה ממושכות. היא האזינה בדריכות לחדשות ברדיו, לדיווחים על החיפושים.

process as is excess blood, which is further removed by internal and external salting. After salting, the chicken is rinsed in vats of running water to remove the salt and cleanse the bird.

The biblical-rabbinic understanding of *Kadosh*/holiness means separation out of the whole. From nature comes culture; the former is universal and the latter is parochial.

In the Torah, God separates, makes distinctions, categories, and so creates. In Genesis, creation is the imposition of order on chaotic nature and strict definitions of categories. God distinguishes light from dark, heavenly bodies from earthly ones, sea, land, and creatures, Man from God, woman from man, work days from Shabbat. Similarly, *Kadosh* applies to Israel, land and people, and the Hebrew language is *lashon ha-kodesh*, the holy tongue, different from all others. The worldview that separation means holiness and leads to order is the root philosophy of the Mishna, divided into Six Orders, and rabbinic commentary thereupon.

Next to the air we breathe and the water we drink, it is food which sustains us, and it is the process of preparing the food that reflects our humanity. The Rabbis taught that dairy and meat products (and utensils) be separated in order to distinguish life from death. Holiness resides with the living not the dead, and the "commandments were given to refine humanity."

Furthermore, the prohibition of not eating dairy and meat products together is based upon a thrice-repeated warning against a Canaanite practice. In the *Shahar and Shalim* legend, we read, "over the fire seven times the sacrificers cook a kid in milk ..." The Israelites may have imitated this abominable act, so the Torah admonishes, "Do not seethe a kid in its mother's milk" (Exodus 23:19; 34:26; Deuteronomy 14:21).

This verse is mentioned twice by the holiday of the first fruits (Exodus 23:19; 34:26; see also Numbers 28:26). In Deuteronomy 16:9-10, it is called *Shavuoth*, Feast of Weeks, so-called because it occurs seven complete weeks after the first day of passover. Also, according to Tradition, Shavuoth is the birthday of the Torah.

Thus, by an everyday act of eating, an observant Jew recalls the Giving of Torah, and the revelation of the Decalogue, and is reminded that by the moral standard of Sinai, and not idolatry and paganism, will his people — and the world — survive.

The President and the Professor

On May 18, 1993, President Bill Clinton came to LA Valley College to address the student body, faculty, admininstration, staff, community and for that matter, the whole United States (via media), on matters of his economic budget. Classrooms and entire buildings were closed off, and many class sessions on this last day of instruction before finals were cancelled or shut down voluntarily. However, one class in a security-held building that went on as scheduled was Professor Zev Garber's Philosophy I class. And so it was that at the same noon hour, the President and the Professor addressed their respective audience. The former spoke to thousands and the latter to a triple minyan. Said Professor Garber, "The quantity is on the outside but the quality is on the inside. If you are planting thoughts in young minds and they tell you the President is coming, first plant the ideas, then go greet the President." The professor's topic, "The Politics of Free Speech."

slaughtered animal (see Genesis 32:33).

* Prohibition of fermented grains ("put away leaven from out of your house") during Passover week. The hametz injunction is mentioned in Exodus 12:15, and Deuteronomy 16:3.
* Prohibition of blood.

The philosophy of Kashrut, viz., veneration of life, is suggested by the blood prohibition. Abstention from blood (and fat) is a leitmotif through all of biblical dietary law:

It shall be a perpetual statue throughout your generations in all your dwellings that you shall eat neither fat nor blood.
(Leviticus 3:17)

You shall eat no manner of blood, whether it be fowl or of beast in any of your dwellings. Anyone who eats blood shall be out off from his kin (Leviticus 7:26-27 ; on fat prohibition, see Leviticus 7:22-25).

For life of all flesh — its blood is its life.
(Leviticus 17:14a)

Make sure that you do not partake of the blood; for the blood is the life, and you must not consume the life with the flesh. You must not partake of it; you must pour it out on the ground like water.
(Deuteronomy 12: 23-24)

The act of draining the blood is a symbolic recognition that all life is sacred, including the life of animals we kill for the sake of sustenance.

In an article on *Kashrut* written in the 1960s, Professor Jacob Milgrom of UC Berkeley suggested that the abstention from blood is a constant reminder to man that though he may satisfy his carnivorous appetite for flesh, he must curb his hunger for taking life.

Indeed, in the first negative commandment, the Torah links insensitivity to the blood of an animal and propensity to commit homicide (Genesis 9: 4-6). The redeclaration of the fist positive commandment, "Be fruitful and multiply" (Genesis 1:28; 9:1), follows immediately (Genesis 9:7).

For professor Milgrom, and other like-minded traditional Jews, the biblical dietary laws are a mainstay of Judaism as an ethical system and enjoined on all men (Genesis 9:1-7); see also Leviticus 17:10 ff.). They instruct that life is inviolable, and teach that life may not be tampered with indiscriminately.

Strict rabbinic interpretation of Torah dietary laws further enhances the dignity of life. For the Rabbis, the entire *Shechitah* (ritual slaughter) process is performed by *Shochtim* (specially trained personnel authorized by rabbinic authority), *Bodhim* (inspectors), and *Mashgichim* (supervisors) in a continual in-premise operation. Only the peitist who hallows Torah is permitted to take animal life; all others are not licensed to kill.

Standards of *Kashrut* go beyond health regulations established by U.S. government inspectors. The wholesomeness of the animal and fowl is important, but it is the *shechitah* that will deem the food edible. For example, the koshering of the chicken.

Each chicken is hand held by the *Shochtim* at the moment of slaughter, to assure the most perfect and humane cut, as required by *Halachah*. Correct and precisely located incisions in each chicken wing and neck are made so that the blood be fully drained.

Feathers are removed in a cold water

KOSHER:

AN ACTION SYMBOL FOR LIFE

By Zev Garber

The heritage of *Kashrut* is one of the oldest constants in the religious civilization of the Jews. Rooted in biblical and rabbinic sources, it provides a powerful sense of identity, purpose, belonging, and morality. But do many understand the matters of fact and the relationship of ideas that evolve from this system?

Strictly speaking, *Kasher* means fitness, worthiness, legitimacy, and may refer to object, act, or person, which/who meets religious standards.

A properly written *Torah*, *mezuzah*, and *tephilin* (Phylacteries) are *Kasher*; a *succah*, *mikvah*, *mehitza* (synagogue divider) are deemed *Kasher* if built according to *Halachah* (Jewish law); and *Kasher* is associated with a person, who is not the offspring of a prohibitive marriage (e.g., child of a mother's second marriage in which the first marriage with a Jewish husband did not end with the issuance of a religious bill of divorce).

The antithetical term to *Kasher* is *treyf*. Thus an impaired Torah scroll, mikvah, and illegitimate child are called *treyf*. In common parlance, however, the terms *Kasher-treyf* refer to food (source, preparation, intake).

Permissible Foods

* All vegetable, fruit, and plant products.
* Quadrupeds that possess cloven hoofs and chew the cud (cf., Leviticus 11:3; Deuteronomy 14:6).
* The flesh of "all clean birds" (Deuteronomy 14:11) may be eaten; this is normally understood to be from the common barnyard fowl.
* Deuteronomy 14:20 suggests that all "clean winged things" may be eaten; rabbinic tradition understands this to refer to the permitted "winged swarming things" mentioned in Leviticus 11: 23-24 (e.g., varieties of locusts, crickets, grasshoppers).

* Milk and eggs of all permitted species, and honey.

Non-Permissible Foods

* All that do not qualify under *Kashrut* mentioned above. Also, see Leviticus 11 and Deuteronomy 14 for lists of prohibited animals, fowl and insects.
* *Neveylah*, prohibition of Kosher beast that dies of itself (cf., Deuteronomy 14:21), or animal incorrectly slaughtered.
* Prohibition of the sinew of the thigh-vein and surrounding fat of a properly

A novel procedure which blocks the replication of the hepatitis B virus is now being applied to HIV, the virus that causes AIDS. In another advance, a material called AL721 has been observed to reduce the infectivity of HIV in the laboratory.

■ MEDICAL PRIZE

Dr. Aryeh Roth, director of the intensive care unit of Israel's Ichilov Medical Center, has been awarded the Neufield Prize for his research showing that it is possible to prevent repeated narrowing of blocked heart arteries after angioplasty by adding magnesium.

The magnesium thins the blood and helps prevent clots in arteries reopened by the balloon procedure.

■ ABSORPTION

Pollack, Ltd., an Israeli manufacturer of surgical and medical equipment, has developed an improved highly porous neurosurgical sponge.

The sponge is capable of soaking up eight times its own weight in body fluids, significantly more than any surgical sponge currently on the market.

■ BULLS-EYE

The Israeli company Azimuth, a specialist in sophisticated navigation and observation equipment, has displayed it's new "Atlas" system at an international exhibition in Florida.

The system weighs only 44 lbs, can be carried on a soldier's back, works in daylight or at night, and can much more accurately determine target locations than existing conventional instruments.

■ PEA IMPROVEMENT

Israeli researchers have been able to dramatically improve chick-pea production with the development of environmentally-safe disease-immune varieties of the legume at the Agricultural Research Organization in Israel. Chick-peas are a nutritional staple throughout North Africa, the Near East, India, and central Asia.

AROUND & ABOUT

■ SWISS MISS

An unwritten law has up to now kept Swiss Jews from becoming generals in the army or being elected to the 99-strong Federal Council.

The taboo has now been broken: Ruth Dreifuss, a 53-year-old Jewish woman whose family origins are in the "Jewish village" of Endingen (Aargau) – where Jews were first granted political rights after the 1866 Emancipation – was elected to the seven-member Federal Council and will be leading the Interior Ministry of Switzerland.

■ "CHAI SIGN"

New York Yankee baseball player Wade Boggs, a career .338 hitter who is known for almost as many superstitions as hits, performs over 100 pre-game routines each day.

Although raised as Episcopalian, Boggs requires one Jewish touch of luck. When he steps up to bat during a game, he uses his bat to draw the Hebrew letters for "Chai" (life) in the dirt.

■ PASSOVER DELIGHT

Kosher chicken flown in from a New York restaurant, a kitchen made Kosher at an Indian hotel, and two rabbis brought in from a Brooklyn synagogue marked the first Israeli Passover Seder in India.

Israel and traditionally pro-Arab India established diplomatic ties in January, ending years of political hostility on Middle East questions.

■ HATE POSTERS

Racist posters bearing large swastikas and calling for the eviction of illegal immigrants from Japan have appeared on the streets of Tokyo,

The posters were put up by a small obscure right-wing group whose leader has proclaimed respect for Hitler's views.

■ NAZI FANS

Members of a neo-Nazi group of soccer fans have used scare tactics and attempted to extort money from Real Madrid players in Spain.

The fans, who belong to Ultra Sur, named for the section of Real Madrid stadium where members hang their neo-Nazi banners during games, have demanded "tips" from midfielder Rafael Martin Vazquez and other players, the daily *El Pais* reported.

When Martin Vazquez rejected the demand, Ultra Sur members waited for him outside the locker room and later at a supermarket "to give him a scare," the paper reported.

CHASHM ANDAAZ
Published by:
International Judea Foundation
(Non-Profit Organization)
An affiliated Organization of
Jewish Federation Council
of Greater Los Angeles
P.O.Box 3074
Beverly Hills, CA 90212
Tel. (818) 503-1270
Fax (818) 503-9707
Editor
Dariush Fakheri
Associate Editors
Asher Aramnia
George Haroonian
Shahram Siman
Hebrew Section Editor
David Fakheri
Articles published are not necessarily the views of International Judea Foundations. CHASHM ANDAAZ does not endorse the goods and services advertised in its pages, and makes no representation as to the *kashrut* of food products and services.

prisoners who have recently begun shaving their heads skinhead-style, and subscribing to extreme-right magazines.

EASTERN EUROPE

HATE POET

A Romanian nationalist leader known for anti-Semitic outbursts has again attacked some of the country's prominent Jews, printing derogatory remarks in a poem in the weekly newspaper, *Romania Mare* (Great Romania).

Corneliu Vadim Tudor, wrote in the poem, "The Jew, just like a snake, wants to steal Romania and sell it to Tel Aviv." He also attacked Romania's president for attending the dedication of the Holocaust Memorial Museum in Washington.

UNEARTHING THE PAST

Tombstones from a medieval Jewish cemetery, dismantled on the order of King Johannes Luxemburg in 1345, have been discovered in the floors of houses and the walls and supporting columns of public buildings in the city of Wroclaw (Breslau, Germany, until 1945) in western Poland.

The first evidence of Jews in the city is a tombstone dated 1203.

MUSIC FESTIVAL

Tel Aviv University, the Ukrainian government, and the city of Odessa are organizing an international festival of Jewish music to be held in October in Odessa, to mark the city's 200th anniversary.

Organizers of the event say that the festival, comprising 18 concerts and the works of 30 Jewish composers, will celebrate the fact that some of the world's leading musicians are Jews from Odessa.

ISRAEL

CHANGING ROLES

According to a recent study in Israel, law has fallen from first to fourth place as a career choice, and medicine has dropped out of the "top ten" of the so-called traditional Jewish professions.

The most popular occupations among young Israelis today are business administration, accounting, and industrial engineering.

GROWTH

The Israeli kibbutz industries, some 260 totalling more than 370 companies joined in an umbrella export organization, sold a total of $750 million of products in 1992, an increase of 10% over sales in 1991.

Part of the increase is due to the development of new markets in the former Soviet Union, South America, China, and India.

HOUSE CALL

Dr. Shmuel Levinger of Hadassah Hospital was recently flown to Malawi at the request of the country's president in order to operate on the Minister of Protocol and on one of the president's relatives.

While there, news spread of Levinger's presence and he remained to perform surgery on an additional 20 patients.

SKY LINK

Bezek, Israel's telecommunications agency, and the South Korean communication firm Dacom have signed an agreement to establish a direct satellite communication link between the two countries.

In the initial stage, the link will comprise 20 channels for speech, pictures, and computer data.

HELPING HAND

The Golda Meir Mount Carmel International Training Center in Haifa was founded in 1961 to assist in the training of women engaged in community work in the newly emerging states in Asia and Africa.

Since the opening of the center, nearly 6,000 participants from 120 countries have attended courses in community development and related issues.

LIVING HISTORY

History has come to life at Jerusalem's Israel Museum, where costumed, professional actors, portraying King David, King Herod, Hadrian, Assyrian King Sennacherib and High Priest Joseph Ben Caiaphas describe their role in the history of Jerusalem to groups of schoolchildren.

The program is topped by a panel discussion in which students ask questions of the characters.

REACHING OUT

Israel is providing aid in agriculture, medicine, education, and other fields to 114 countries, including some which do not have full diplomatic relations with Israel.

Since 1991, some 25 countries were added to the list of those receiving Israeli aid, among them China, India some African and Eastern European nations, and several republics in the former Soviet Union.

SCIENCE & TECHNOLOGY

AIDS RESEARCH

Israel's Weizmann Institute is making progress in AIDS-related research.

DATELINE WORLD JEWRY

SMALL COMMUNITIES

VICTIM OF VIOLENCE

During the recent wave of Hindu-Muslim mob violence in Bombay, India, the Rodef Shalom Synagogue was burned to the ground, together with all its religious articles.

The synagogue was not necessarily the target of attack but the building in which it was situated was set on fire during the communal carnage.

FARO JEWS

The Jewish cemetery of Faro, Portugal, which served the now defunct community from 1820 to 1939, is being restored and a small museum is being developed in the sites's old chapel.

The Jewish community of Faro was made up of small merchants who came from North Africa and Gibraltar. They were Sephardic Jews expelled from Spain and Portugal in the 15th century who returned to Portugal in the 19th century as Inquisition persecutions relaxed.

CASTRO CONVERTIBLE

During a recent visit of Rabbi Shmuel Szteinhendler of Guadalajara, Mexico to Cuba, a number of young Cuban women completed their conversion to Judaism.

At the time, a collective wedding ceremony was held for eleven young couples in Havana's Great Synagogue.

REVIVAL

"Tshiribiribom," the Yiddish children's theater in Riga, Latvia, made up of 22 children and ten adult supervisors, has given recent performances in St. Petersberg, Berlin, and in Ukraine.

Latvia's Jewish community,which numbered nearly 100,000 before World War II, was all but wiped out by the Nazis and their Latvian collaborators. Today there are about 16,000 Jews in Riga, few of whom originate from the prewar population.

TINY TEAMS

There will be five competitors from Aruba (which has only 200 Jews) at the 14th Maccabiah Games for Jewish athletes, due to open on July 5 in Israel.

The Aruba athletes do not comprise the smallest team; Hong Kong and Norway are each planning to send three participants to the more than 30-event competition.

EUROPE

SWASTIKA SONG

A court in Nuremberg, Germany, has imposed hefty fines on a neo-Nazi rock band for selling tapes of the "Swastika Song."

The presiding judge criticized the band members for being aware that the song "glorifies dictatorship" and for "whipping up mass hysteria" at their concerts, but said that only the distribution – and not the singing – of such neo-Nazi songs was a criminal offense.

RIVIERA JEWS

With an estimated 150,000 Jews, the south of France is the second largest center of Jewish life in the country. Some 80,000 live in Marseille, the second largest urban community after Paris.

The area has greatly benefited from the arrival of North African Jews. There are now important Jewish centers in Cannes, Nice, Toulon, Antibes, Aix-en-Provence, and Avignon.

FRENCH PAST

Several French politicians have demanded the removal of a Paris billboard showing a map of France covered by a swastika and a recording blaring out speeches by men who led the pro-Nazi collaborationist government during World War II.

The billboard and recording are part of an advertising campaign for a new movie, "Petain," the first feature film about Marshal Philippe Petain, head of the wartime Vichy government.

ANTWERP JEWS

The Jewish Museum of Belgium, in Brussels, is featuring an exhibition on the history of Antwerp Jewry.

The first Jews settled in the city 600 years ago. In the 16th century, many refugees from the Inquisition, expelled from Spain and Portugal, found refuge there. A Bible was published by the celebrated printer Christophe Plantin in 1582.

DANGEROUS TREND

According to a report by the German Prison Association, prisoners are being guided toward neo-Nazi groups by an extreme right-wing organization which claims to support "national political prisoners."

The report notes a substantial increase among previously apolitical

برای سومین سال متوالی

روش هشانا و کیپور

۱۶ و ۱۷ سپتامبر ۲۵ سپتامبر

درفضایی روحانی و متفاوت در هتل مجلل لوز در کنار ساحل زیبای

ساتنامونیکا



برای اطلاعات و آگاهی های بیشتر بادفتر سازمان سیامک تلفن ۱۲۷۰-۵۰۳(۸۱۸)

تماس بگیرید


International Judea Foundation
P.O.Box 3074 • Beverly Hills, CA 90212

NON-PROFIT ORG.
U.S. POSTAGE
PAID
Permit No. 1562
Van Nuys, CA